

درمانگاہ

# معنوی

سید کاظم ارفع

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# درمانگاه معنوی

نویسنده:

کاظم ارفع

ناشر چاپی:

پیام عدالت

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۷	درمانگاه معنوی
۷	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۱۱	پیش سخن
۱۵	امید کاذب
۲۱	آرزوی باطل
۲۴	اظهار فقر
۲۶	اضطراب دل
۲۹	بخل
۳۱	تعصب
۳۴	ترس
۳۸	جاه طلبی
۴۳	چشم چرانی
۴۵	حرص و مال اندوزی
۴۸	حزن و اندوه
۵۱	حسد
۵۴	حقد و کینه
۵۸	حب و مدح و ثناء
۶۱	خشکی چشم
۶۴	دل مرده گی
۶۶	دنیا دوستی
۶۸	ذلت پذیری
۷۱	راحت طلبی

۷۵	ریا
۸۰	زنگار دل
۸۲	سوء ظن
۸۵	سوء خلق
۸۸	شہوت جنسی
۹۰	ظلم
۹۳	عهد شکنی
۹۶	عیبجویی و غیبت
۱۰۱	عجب و خودستایی
۱۰۵	غضب و عصبانیت
۱۰۸	غفلت
۱۱۷	قساوت
۱۱۹	کبر و خودبزرگ بینی
۱۲۳	گناہان
۱۲۷	لجاجت
۱۲۹	مکر و نیرنگ
۱۳۱	نفاق
۱۳۳	نفس امارہ
۱۳۷	وسواس
۱۴۰	ہرز گویی
۱۴۲	ہوا پرستی
۱۴۴	بأس و نومیدی
۱۴۷	دربارہ مرکز

سرشناسه: ارفع، کاظم، ۱۳۲۳ -

عنوان و نام پدیدآور: درمانگاه معنوی / کاظم ارفع.

مشخصات نشر: تهران: پیام عدالت، ۱۳۸۴.

مشخصات ظاهری: ۱۳۵ ص.

شابک: ۱۲۰۰۰ ریال: ۹۶۴-۷۶۳۳-۴۴-۰.

وضعیت فهرست نویسی: فاپا

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع: قرآن - اخلاق.

موضوع: احادیث اخلاقی -- قرن ۱۴.

رده بندی کنگره: ۱۰۳/۳BP/الف ۴د۴ ۱۳۸۴

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۱۵۹

شماره کتابشناسی ملی: م ۸۴-۵۸۰۰

ص: ۱

اشاره









بسم الله الرحمن الرحيم

برای هیچکس پوشیده نیست که روح همانند جسم بیمار میشود و مبتلا- به انواع مرض ها خواهد شد و از جهت عوارض امراض، شباهت عجیبی بین جسم و روح میباشد.

جسم مریض میشود میل و اشتها به غذاهای خوشمزه ندارد، روح مریض میشود و از غذاهای روحانی و معنوی نفرت دارد، جسم بیمار حال و حوصله استماع بهترین نواها و سخن ها را ندارد، روح بیمار نیز از مواعظ و نصایح الهی بیزار است و همیشه سخن حق را بر ذائقه خویش تلخ احساس میکند.

جسم مریض نیازمند به طیب حاذق و استاد است که درد او را تشخیص دهد و مرضش را برطرف کند، روح مریض نیز محتاج طبیبانی دلسوز و خدایی است که با نسخه های شفا بخش خود امراض روحی را از بین ببرند.

بیمار جسمانی اگر داروی مورد نظر را استفاده نکند رو به بهبود نخواهد رفت و سلامتی را به دست نخواهد آورد، بیمار روحانی نیز اگر به نصایح و اندرزهای اطباء الهی اعتنا نکند مرضش شدت یافته و دیگر روی سعادت را به خود نخواهد دید و بالاخره از دنیا میرود در حالی که کافر است.

((وَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَتْهُمْ رِجْسًا إِلَىٰ رِجْسِهِمْ وَآتَوْا وَهُمْ

((و اما کسانی که در دل‌هایشان مرضی هست، پلیدی بر پلیدی‌شان افزوده میشود و با کفر می میرند))

و چقدر جای شگفتی است که در مقام معالجه امراض جسمانی خود هستیم ولی فکری برای علاج امراض روحی خویش نمیکنیم!!

همین که تعادل مزاج و کالبدمان به هم بخورد فوراً به طبیب مراجعه میکنیم و تا چند نوع آزمایش ندهیم و مطمئن نشویم که وضع عمومی ما خوب است نگران و مضطربیم. اما چه شده است که برای درمان امراض روحی مان دلمان شور نمیزند و هیچ احساس نگرانی نمیکنیم و به سراغ عالی‌ترین و بهترین طبیبان روحانی یعنی پیامبران و ائمه نمی‌رویم؟!

امیر مومنان میفرمودند:

أَمَّا مِنْ دَائِكَ بُلُولٌ أَمْ لَيْسَ مِنْ نَوْمِكَ يَقْظَةٌ؟ أَمْ مَا تَرَحَّمُ مِنْ نَفْسِكَ مَا تَرَحَّمُ مِنْ غَيْرِكَ؟ فَلَزَيْمًا تَرَى الضَّاحِيَّ مِنْ حَرِّ الشَّمْسِ فَتَظِلُّهُ أَوْ تَرَى الْمُبْتَلَى بِالْمِمْصِ جَسَدَهُ فَتَبْكِي رَحْمَةً لَهُ فَمَا صَبَّرَكَ عَلَى دَائِكَ)) (۲)

((آیا درد تو را بهبود یا خواب تو را بیداری نیست؟ آیا به جان خود رحم نمیکنی به آنچه به غیر خویش رحم میکنی؟ بسا شخص را در آفتاب دیده، بر او سایه افکنی، یا کسی را به دردی گرفتار می‌بینی که درد تن او را میسوزاند و از راه مهربانی بر او گریه میکنی، پس چه چیز تو را به درد خودت شکیبا ساخته است؟!))

پس ای خواننده عزیز بیا و باهم خود را به اطباء حاذق که نسخه‌هایشان الهام گرفته از وحی است ارائه دهیم تا به لطف پروردگار حالات زشت نفسانی از وجود ما رخت بریندد.

همان گرامی درباره بزرگ انبیاء و اولیا حضرت رسول اکرم می‌فرماید:

((طَيْبٌ دَوَّارٌ بِطَيْبِهِ، قَدْ أَحْكَمَ مَرَاهِمَهُ، وَ أَحْمَى مَوَاسِمَهُ)) (۳)

ص: ۶

۱- سوره توبه آیه ۱۲۵

۲- نهج البلاغه خطبه ۲۱۴

۳- نهج ابلاغه خطبه ۱۰۷.

((طیبی است که به وسیله طب و معالجه خویش همواره در گردش است و مرهمهایش را محکم و آماده کرده است))

بلی اگر به دقت به روایات و کلمات نورانی پیامبر و اهل بیت گرامش بنگریم خواهیم دید که برای هر نوع مرض از امراض روحی درمان خاصی را تجویز فرموده اند و همواره پس از تقبیح مرض ها طریقه معالجه آن ها را بر شمرده اند.

در این کتاب به چهل مورد از امراض روحی و راه معالجه آنها از دیدگاه ذوات مقدسه معصومین البته بسیار کوتاه اشاره شده که می تواند تابلویی در برابر اهل ذوق و علاقه مندان به تهذیب نفس باشد تا ان شاءالله بدون سردرگمی و خیلی سریع اقدام به درمان خویش کنند. از خداوند تبارک و تعالی مسئلت می نمائیم که به همه ما توفیق رفع مرض های روحی را بفرماید و ما را در آن بدارد که رضایش در آن است، آمین.

سید کاظم ارفع

بهار ۱۳۸۴

ص: ۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ وَانطِقْنِي بِالْهُدَى وَالْهَمْنِي التَّقْوَى

وَوَقِّنِي لِلَّتِي هِيَ أَزْكَى وَاسْتَعْمِلْنِي بِمَا

هُوَ أَرْضِي وَالصَّلَاةَ وَالسَّلَامَ عَلَى مُحَمَّدٍ

وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ الْمُعْصومِينَ

ص: ٨

یکی از بیماری های روحی که بسیاری از اهل اعتقاد به مبدا و معاد بدان مبتلا هستند امید کاذب است، یعنی می خواهند بدون عمل و ریاضت به نعمات و مواهب الهی در جهان آخرت است برسند.

با مراجعه به کتاب آسمانی می بینیم هر کجا سخن از ایمان است در کنارش عمل مطرح است ((وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ)) (۱)

و مژده ده آنان را که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، برای آنها باغ هایی است!

بنابر این باید به خدا پناه برد از امید کاذب همچنان که مولا زین العابدین به خدا پناه می برد.

((وَاعُوذُ بِكَ مِنْ دُعَاءِ مَحْجُوبٍ وَرَجَاءِ مَكْذُوبٍ.)) (۲)

((خداوندا به تو پناه می برم از دعایی که بالا نرود و همچنین از امید دروغین.))

نه من ز بی عملی در جهان ملولم و بس\*\*\*ملائت علما هم ز علم بی عمل است

علاج امید کاذب فقط در پرتو انجام فرایض و نوافل حاصل می شود که البته بعد از عمل امید بجا و صحیح است.

امیر المومنین علی علیه السلام در پاسخ کسی که از آن حضرت تقاضای موعظه داشت

ص: ۹

---

۱- سوره بقره آیه ۲۵.

۲- بحار الانوار ج ۹۴ ص ۱۵۶.

فرمودند:

((لا تكن مَمَّنْ يَرْجُوا الآخِرَةَ بغير العمل.))<sup>(۱)</sup>

((از جمله کسانی که بدون عمل و بی جهت امید به آخرت دارند نباش!))

امامان معصوم درباره ارادت و محبت نسبت به خودشان امید کاذب را رد می کنند و می فرمایند:

((من عصی الله لم ینفعه حینا))، ((کسی که نافرمانی پروردگار را بنماید دوستی ما هم برایش سودی نخواهد داشت))

امام باقر به جابر بن یزید جعفی فرمودند:

((یا جابر: بلغ شیعتی عنی السلام واعلمهم انه لا قرابه بیننا و بین الله عزوجل، و لا یتقرب الیه الا بالطاعه.))

((ای جابر: سلام مرا به شیعیانم برسان و به آنها آگاهی بده که ما اهل بیت با خداوند تبارک و تعالی خویشاوند نیستیم و هیچ کس به او نزدیک نمی شود مگر به انجام طاعات و دستورات او))

((یا جابر: من اطاع الله و احبنا فهو ولینا و من عصی الله لم ینفعه حینا))<sup>(۲)</sup>

((ای جابر: کسی که اطاعت پروردگار را بنماید و ما را دوست بدارد او به راستی دوست ماست ولی کسی که نافرمانی خداوند را کند دوستی ما برایش نفعی نخواهد داشت!!!))

شاید در این ماجرا بعضی از گویندگان بی تقصیر نباشد بدان علت که معمولا یک بعدی سخن میگویند و شنونده را مبتلا به امید کاذب می کنند و همین امید دروغین باعث تجری و گستاخی اشخاص در انجام گناهان میگردد. پس چه به جا است ضمن بیان ارزش و اهمیت ولایت و محبت خاندان عصمت و طهارت، از زبان همان بزرگواران به ارزش و اهمیت طاعات و عبادات و تکالیف شرعی اشاره کنند تا ان شاءالله یک حالت متعادل به وجود آید.

مولای متقیان علی علیه السلام می فرمودند:

ص: ۱۰

۱- نهج البلاغه حکم و مواعظ- ۱۴۲.

۲- بحارالانوار ج ۷۲ ص ۱۹۹.

((انا مع رسول الله صلى الله عليه و اله و معى عترتى على الحوض، فمن ارادنا فليأخذ بقولنا و ليعمل بعملنا))[\(۱\)](#)

((من در کنار رسول الله صلى الله عليه و آله و در کنار عترتم در اطراف حوض کوثر قرار میگیریم. هر کس میخواهد به ما ملحق شود، باید به گفته های ما مستمسک شود و آن طور که ما عمل میکنیم عمل کند.))

قرآن شرط بخشش گناهان را تبعیت از پیامبر می داند: ((قل ان كنتم تحبون الله فاتبعونى يحببكم الله و يغفر لكم ذنوبكم و الله غفور رحيم.))[\(۲\)](#)

((ای پیامبر به امت من بگو اگر خداوند را دوست دارید پس باید متابعت مرا بکنید تا خداوند شما را دوست بدارد و گناهان شما را بیامرزد و خداوند آمرزنده و مهربان است.))

نتیجه آن که کسی که بی عمل باشد در دوستی خود با خدا صادق نیست و به همین علت، بی جهت به آموزش پروردگار امیدوار نباشد.

یکی دیگر از نشانه های صداقت در دوستی پروردگار آن است فلز وجود انسان را تغییر دهد و هرچه غیر خداست از سر راه بردارد.

امیرالمومنین علی علیه السلام می فرمودند:

((حب الله نار لا یمر علی شیئ الا احترق.))[\(۳\)](#)

دوستی پروردگار آتشی است که ما سوی الله را سر راهش می سوزاند.

شده آتش درونم از می عشق\*\*\*بسوزد هرچه هست از شعله عشق

همان عشقی که فرموده امیرم\*\*\*سر راهش بسوزاند تب عشق

زدم آتش بزم هر که دارد\*\*\*بسر سودای غیر سرور عشق

خدایا حب تو ناری به دل زد\*\*\*که از سوزش بسوزد کشور عشق

بسوزان بیشتر هرچه توانی\*\*\*دلم را تا بیابم مقصد عشق

((والذین آمنوا اشد حبا لله))[\(۴\)](#)

ص: ۱۱



۲- سوره آل عمران آیه ۳۱.

۳- بحار الانوار ج ۷۰ ص ۲۳

۴- سوره بقره آیه ۱۶۵.

(ایمان آورندگان سخت و شدید خدا دوست هستند.)

عاشقان صادق همواره در شور و عشق پروردگار خویش میباشند، از میان همه محبت ها، محبت او را انتخاب کرده اند و غیر محبوب را در صورتی دوست دارند که محبوبشان را دوست داشته باشد و با او سر ناسازگاری و نافرمانی نداشته باشد.

آنها میدانند که دل حرم خداست و نباید در حرم خدا غیر خدا را جای داد

این کلام امام صادق که ((القلب حرم الله فلا تسکن حرم الله غیر الله)) (۱)

دل بود محرم راز یار بی همتا\*\*\*پرتوی از جمال یار بی همتا

دل صاحب‌دلان هست نورانی\*\*\*مست و مخمور جام یار بی همتا

حرم امن یار بی همتا\*\*\*دل را بسپارش به یار بی همتا

تو نگارا بنشین به درب خانه دل\*\*\*تا نیاید در او خصم یار بی همتا

مگذار که تا اغیار خانه کنند\*\*\*در حریم و خانه یار بی همتا

و نیز می دانند انسان مجمع کلیه عشق ها و شوق ها و جاذبه هاست ولی عشق حقیقی با خدا کمیاب است.

حکیم سنایی گوید:

جهان پردرد می بینم دوا کو\*\*\*دل خوبان عالم را وفا کو

سراسر جمله عالم پر ز عشق است\*\*\*ولی عشق حقیقی با خدا کو

عشق حقیقی در دل عاشق صادق است که دل قوی و عزمی راسخ دارد و هرکسی را سزاوار نیست که لاف عشق و محبت معبود را زند، آری زنده دلانی باید که خود را در آتش سوزان عشق او که خیلی هم لذت بخش است بیندازد و با کمال شوق و سرور بدون هیچ خوف و هراس به سوی او گام بردارند.

اگر کسی از آن ها پرسد چگونه میتوان دریافت که عاشق حق شده ایم؟ پاسخ میدهند بسیار سهل و آسان است، هرگاه جمال معشوق و یا نام او در اکثر اوقات دل و وجودت را فرا گرفت و هروقت به علت غفلت از او خود را ملامت کردی بدان که به

ص: ۱۲

مرتب‌ه ای از عشق حق نائل شده ای که این اولین پایه عشق است و اگر شور عشق بالا گیرد به جایی میرسی که چون قطره باران در وسط دریا غرق امواج عشق میگردی و تمام اعضا و حواس و افکار سر اطاعت و بندگی در برابر معشوق به زیر انداخته و گوش به فرمان ایستاده ای و اگر چنین شاهد عشق به کامت برسد خواهی دید که دیگر آرام نداری و فکر و ذکر ت اوست.

ثمره این عشق عکس عمل باری تعالی نسبت به بنده است که رسول خدا در حدیث معروف معراج از قول پروردگار متعال نقل میکند :

((هنگامی که بنده من مرا دوست بدارد من هم او را دوست میدارم و نیز محبوب دیگرانش می نمایم و چشم دل او را برای تماشای عظمت و جلالم باز می کنم، پس علم هیچ یک از خواص خلق خودم را بر او پوشیده نگذارم. در تاریکی شب و روشنی روز با او مناجات می کنم، تا آنکه از لذت مناجات من سخنش با مردم و همنشینی اش با آنها بریده شود و کلام خودم و فرشتگانم را به گوش او برسانم و سری را که از خلقم پنهانش داشته ام به او بشناسانم))

تا آنجا که فرمود: ((سپس حجاب هایی که میان من و اوست بر می دارم و نعمت کلام خودم را به او ارزانی کرده و او را به لذت نگاه کردن به جمال جمیلم میرسانم.)) (۱)

عاشقان را در رهش آرام نیست\*\*\*عشقبازی کار هر دل خام نیست

پختگی باید مسیر عشق را\*\*\*کار هر سوداگر بدنام نیست

جذبه عشق در دلی افتد که او\*\*\*بند جاه و ثروت و عنوان نیست

مرد حق که ره صد ساله را یک شب رود\*\*\*چونکه ذکرش وصل غیر یار نیست

ص: ۱۳

هنگامی که آرزو از مرز عمر بگذرد باطل و پوچ است، درمان این بیماری به آگاهی و رشد فکری انسان حاصل می‌گردد.

توجه هر فرد به این نکته که اکثر آرزوها سرابی بیش نیست و دنیا به هیچ کس وفا نکرده و مرگ به سرعت او را تعقیب میکند، آرزو ها را کوتاه میکند و از آرزوی باطل اجتناب مینماید.

علی فرمودند: ((الامل کالسراب یغر من راه و یخلف من رجاء))<sup>(۱)</sup>

((آرزو مثل سراب میماند، بیننده را مغرور و امیدوار را مایوس می نماید))

هر آنکس که بر کام گیتی نهد دل\*\*\*بزدیک اهل خرد نیست عاقل

چو نقد بقا نیست در جیب هستی\*\*\*ز دامان او دست امید بگسل

یک بار رسول خدا خطوطی به شکل مربع بر روی زمین کشید، در وسط آن مربع نقطه ای گذاشت، از اطرافش خط های زیادی به مرکز نقطه وسط کشید، یک خط هم از نقطه داخل مربع به طرف خارج رسم کرد و انتهای آن خط را نامحدود نمود. سپس به اطرافیان خود فرمود: ((آیا میدانید این چه شکلی است؟ عرض کردند خدا و پیامبر بهتر میدانند))

فرمود: ((این مربع محدوده عمر انسان است که به اندازه معینی محدود است. نقطه

ص: ۱۴

وسط نمودار انسان می باشد این خط های کوچک که از اطراف به طرف نقطه (انسان) روی آورده اند امراض و بلاهایی است که در مدت عمر از چهار طرف به او حمله می کنند، اگر از دست یکی جان سالم بدر برد به دست دیگری می افتد و بالاخره از آن ها خلاصی نخواهد داشت و بوسیله یکی به عمرش خاتمه داده میشود.))

آن خط که از مرکز نقطه (انسان) به طور نامحدود خارج می شود آرزوی اوست که از مقدار عمرش بسیار تجاوز کرده و انتهایش معلوم نیست.)) (۱)

بیا که قصر امل سخت سست بنیادست\*\*\*بیار باده که بنیاد عمر بر بادست  
غلام همت آنم که زیر چرخ کبود\*\*\*زهر چه رنگ تعلق پذیرد آزاد است  
که ای بلند نظر شاهباز سدره نشین\*\*\*نشیمن تو نه این کنج محنت آبادست  
تراز کنگره عرش میزنند صغیر\*\*\*ندانمت که در این دامگه چه افتادست  
نصیحتی کنمت یاد گیر و در عمل آر\*\*\*که این حدیث ز پیر طریقتم یادست  
غم جهان مخور و پند من مبر از یاد\*\*\*که این لطیفه عشقم ز رهرو یادست  
رضا بداده بده و ز جبین گره بگشای\*\*\*که بر من و تو در اختیار نگشادست  
مجو درستی عهد از جهان سست نهاد\*\*\*که این عروس عجوز هزار داماد است  
امیرالمومنین علی علیه السلام فرمودند:

((لو رای العبد اجله و سرعته الیه لا بغض الامل و طلب الدنیا.)) (۲)

((اگر انسان مرگ و سرعت آن را مشاهده کند، آرزو و تکاپو برای جمع آوری مال دنیا را دشمن می دارد.))

رسول الله صلی الله علیه و آله می فرمودند: ((هنگامی که صبح کردی، با نفس خویش درباره ماندن تا شب سخن مگو، و اگر شب کردی به نفس خود وعده صبح کردن را مده. و از دنیای خود برای آخرت خویش و از زندگانی خود برای زمان مرگ خویش و از دوران سلامتی خود برای روزهای بیماری خویش توشه ای بگیر، که همانا نمیدانی فردا نام تو

ص: ۱۵

۱- کشکول شیخ بهایی ص ۳۳

۲- بحار الانوار ج ۷۲ ص ۹۵.

چیست، ( مرده ای یا زنده ای ) (۱)

ز دنیا وار ها مرد خدا شو\*\*\*همه آزاد از این زندان سرا شو  
اگر رندی به خود میسند زندان\*\*\*به زندان دل نمیندند زندان  
بکوشی تا از آن یابی رهایی\*\*\*شوی آزاد و بال و پرگشایی  
شنیدستی نشان مومنان چیست\*\*\*هوای عالم دیگر که باقی ست

ص: ۱۶

---

۱- محجه البیضاء ج ۸ ص ۲۴۴.

((اللفقراء الذين احصروا في سبيل الله لا- يستطيعون ضربا في الارض يحسبهم الجاهل اغنياء من التعفف تعرفهم بسيماهم لايسئلون الناس الحاقا)) (۱)

((انفاق را باید به فقرایی اختصاص داد که در راه خدا از کار مانده اند و قدرت بر کسب و رفتن به جای دیگر ندارند، از بس حفظ آبرو کرده اند مردم آنها را بی نیاز می پندارند و انسان های دانا از چهره های آنها آثار فقرا را درک می کنند و اینها هیچگاه از کسی سوال نمی کنند و اظهار فقر نمی نمایند.))

احتمال می رود که ضرب الثل معروف ((صورت خود را با سیلی سرخ ننگه می دارند)) از آیه فوق گرفته شده باشد. به هر حال علاج این حالت زشت که انسان همواره سفره دلش را پیش این و آن باز کند و اظهار نداری نماید جز آزادگی و استغنا از خلق نیست.

خوشا آندم کز استغنائی مستی\*\*\*فراغت باشد از شاه و وزیرم

من آن مرغم که هر شام و سحرگاه\*\*\*ز بام عرش می آید صغیرم

قطع امید از خلق و اتصال و اعتصام به پروردگار تنها را معالجه روحیه تکدی و اظهار فقر است. باید بر این اعتقاد باشیم که مالک علی الاطلاق و مسبب الاسباب وجود حضرت الله است و هر قطره ای که اقیانوس بیکران حضرت او متصل شود دیگر قطره نیست بلکه اقیانوس است و فردی غنی و ثروتمند و توانگر است.

ص: ۱۷

تجربه نشان داده مومنانی که چشم از مال و مقام دیگران پوشیده و به خدا متکی شده اند، خداوند تبارک و تعالی به بهترین وجه آنها را اداره کرده و از خزانه غیبش ((من حیث لا یحسب)) از جایی که گمان نمی برند ایشان را مستغنی نموده است.

حضرت امیر مومنان علی علیه السلام در هنگام دعا چنین می گوید:

((اللهم صن وجهی بالیسار، و لا تبدل جاهی بالافتار، فاسترزق طالبی رزقک.)) (۱)

((بار پروردگارا: آبروی مرا به توانگری نگاه دار، و شخصیت مرا به تنگدستی از بین مبر تا مجبور شوم از روزی خواران تو روزی خواهم))

زیادتی مطلب کار بر خود آسان کن\*\*\*صراحی می لعل بتی چو ماهت بس

فلک به مردم نادان دهد زمام مراد\*\*\*تو اهل فضلی و دانش همین گناهت بس

هوای مسکن مالوف و عهد یار قدیم\*\*\*ز رهروان سفر کرده عذر خواهت بس

به منت دگران خو مکن که در دو جهان\*\*\*رضای ایزد انعام پادشاهت بس

به هیچ ورد دگر نیست حاجت حافظ\*\*\*دعای نیم شب و درس صبحگاهت بس

ص: ۱۸



داروی این درد ((ذکر الله)) است، بلی یاد خدا و ارتباط دادن دل به او همه اضطرابات و ناراحتی های روحی را ذایل می کند.

((الذین آمنوا و تطمئن قلوبهم بذكر الله الا بذكر الله تطمئن القلوب.)) (۱)

((همان کسانی که ایمان دارند و دل هایشان با یاد خدا آرام می گیرد بدانید که دل ها به یاد خدا آرام می گیرد.))

در دنیای پر اضطراب امروز اشخاص دل نگران و مضطرب برای رفع نگرانی و آشوب خویش به اعمال و رفتاری پناه می برند و جمعی هم که خود را کاملاً در بن بست می بینند دست به خودکشی میزنند.

اما اهل ایمان به محض رو به رو شدن با حوادث تلخ و ناگوار و آزرده شدن خاطر، به یاد و ذکر خداوند تبارک و تعالی افتاده و ذکر و وردش را به قلب خویش تلقین میکنند، در نتیجه هجوم مشکلات آنها را از پای در نمی آورد.

منزل حافظ کنون بارگه کبریاست\*\*\*دل بر دلدار رفت جان بر جانانه شد

ص: ۱۹

امام سجاد علیه السلام در مناجات الذاکرین عرضه می دارد:

((فلا تطمنن القلوب الا بذكرك و لا تسكن النفوس الا عند رويك.))<sup>(۱)</sup>

((خداوندا: دل ها آرام نمی گیرد مگر به یاد و ذکر تو و جانها سکون نمی یابد مگر به دیدار تو.))

امام صادق علیه السلام نسخه درمان اضطراب دل را این چنین بیان می فرمایند:

((ما يمنع احدكم اذا دخل عليه غم من غموم الدنيا ان يتوضا ثم يدخل مسجده فيركع ركعتين فيدعو الله، فيها اما سمعت الله يقول و استعينوا بالصبر و الصلوه.))<sup>(۲)</sup>

چه چیز شما را مانع میشود، هرگاه غمی از غمهای عالم بر دل شما نشست، برخیزید، وضو بگیرید و در محل عبادت خود دو رکعت نماز بخوانید و سپس دل را به حق متصل کنید و هرچه میخواهید با خدای خود در میان بگذارید، آیا نشنیده اید که خداوند می فرماید از روزه و نماز کمک بگیرید.))

علی علیه السلام می فرمودند:

((ذكر الله جلاء الصدور و طمانينه القلوب.))<sup>(۳)</sup>

((یاد خدا دل ها را صفا می بخشد و باعث آرامش قلب ها میگردد.))

فحبك راحتي في كل حين\*\*\*و ذكرك موني في كل حال

چو ذوق یافت دل من بذكر آن محبوب\*\*\*مراسم تحفه جانبخش غمزدا حافظ

آری یاد خدا دل را قوی می دارد. اگر در احوالات بزرگان از علم و ادب و تقوا می خوانیم که خیلی راحت و آرام از کنار حوادث تلخ و شیرین زندگی گذشتند و زر و زور و مقام و مناظر شهوت انگیز و یا مصائب و حوادث ناگوار کوچکترین تاثیری بر آنها نگذاشته و همچنان در حفظ ایمان خویش مقاوم و استوار ماندند بدین دلیل بوده که به مرتبه والای نفس مطمئنه نایل شده و رضامندی و تسلیم خویش را در برابر مقدرات الهی اعلام داشته اند در زیارت ((امین الله)) که در کنار مرقد هر امام معصوم خواندن آن

ص: ۲۰

۱- بحار الانوار ج ۹۴ ص ۱۵۱.

۲- تفسیر صافی ص ۳۰.

۳- غرر الحکم.

وارد است عرض میکنیم ((اللهم فجعل نفسی مطمئنه بقدرک راضیه بقضائک مولعه بذكرک و دعائک محبه لصفوه اولیائک محبوبه فی ارضک و سمائک صابره علی نزول بلائک شاکره لفواضل نعمائک)) بار الها تو جان مرا مطمئن به تقدیرات و راضی به قضای خویش فرما و مرا مشتاق و حریص به ذکر و دعای خود کن و دوستدار خاصان اولیاء خویش و محبوب در اهل زمین و آسمان خود ساز و با صبر و شکیبایی هنگام نزول بلا قرینم ساز و شکر گزارم کن مواقعی که نعمات فراوانت را بر من نازل میفرمایی .

((یا ایتها النفس المطمئنه ارجعی الی ربک راضیه مرضیه فادخلی فی عبادی، وادخلی جنتی.)) (۱) ای صاحب نفس مطمئنه به سوی پروردگارت بازگرد، در حالی که هم تو از خدا راضی هستی و هم خدا از تو راضی است.

ص: ۲۱

این بیماری بیشتر به ضعف ایمان مربوط میشود، زیرا که بخیل باور ندارد خداوند تبارک و تعالی قدرت جبران احسان و انفاق وی را دارد.

امیرالمومنین علیه السلام فرمودند: (( البخل بالموجود سوء الظن بالمعبود. ))(۱)

((بخل ورزیدن به مخلوقات پروردگار حکایت از سوء ظن به خداوند تبارک و تعالی مینماید.))

اگر فرد معتقد باشد که خداوند بر جهان و جهانیان احاطه کامل دارد و همه موجودات تحت فرمان و حکومت مطلقه او هستند قهرا امور دنیوی و مادیات در منظر او کوچک و بی ارزش خواهند بود و به راحتی و بدون تکلف آنچه در اختیار دارد از مال و علم و مقام بذل و بخشش می کند.

نوشته اند بر ایوان جنه الماوی\*\*\* که هر که عشوه دنیی خرید وای بوی

سَخا نماند سخن طی کنم شراب که جاست\*\*\* بده به شادی روح و روان حاتم طی

بخیل بوی خدا نشنود بیا حافظ\*\*\* پیاله گیر و کرم و رزو الضمان علی

در بیان امام هادی بخل به عنوان مذمومترین بیماری روحی شمرده شده است.

ص: ۲۲

و بی تردید این بیماری صاحبش را سخت عذاب میدهد و راحتی و آسایش را از او سلب میکند.

پیامبر فرمودند: ((اقل الناس راحه البخیل)) (۲) ((کم آسایش ترین مردم اهل بخل هستند.))

پس راه معالجه بخل، تقویت ایمان می باشد و باور به اینکه خداوند رزاق است و اگر از دستی در راه خدا انفاق کند از دست دیگر چند برابرش را خواهد گرفت.

کسانی که علاقه مندند سیر تعالی در ایمان داشته باشند قبل از هر چیز باید ریشه بخل را در وجود خود بخشکانند و به این باور رسیده باشند که بذل مال و انفاق در راه خدا یک نوع تقدیر و تشکر از خداوند متعال به حساب می آید. بنابراین به خاطر سپاس از عنایات پروردگار باید مقداری از داده های الهی را به اهلش تقدیم کنند و این کار را برای خود یک تکلیف بدانند.

علی علیه السلام می فرمودند:

((الکریم یری مکارم افعاله دینا علیه یقضیه)) (۳)

((در نظر انسان شریف نیکو کاری و احسان، دینی بر ذمه اوست و خویشتن را به اداء آن موظف میدانند.))

امام رضا علیه السلام از پدر بزرگوارش نقل میکند که امیرالمومنین علی علیه السلام این اشعار را می خواند:

خلقت الخلائق فی قدرته \*\*\*فمنهم سخی و منهم بخیل

فاما السخی فقی راحه \*\*\*و اما البخیل فشوم طویل

مردمان با قدرت آفریده شده اند، برخی از آنان بخشنده اند و برخی دیگر بخیل آن که بخشنده است در آسودگی است، اما بخیل در نحوستی طولانی است.

ص: ۲۳

۱- بحار الانوار ج ۷۷ ص ۳۰۰.

۲- بحار الانوار ج ۷۷ ص ۳۰۰.

۳- غرر الحکم ص ۸۰.

وقتی شخصی از اقوام و هم مسلکان و همشهری‌ها و هم زبان‌های خویش بدون حساب دفاع کند نامش تعصب است که بسیار اخلاق زشت و مذمومی است.

رسول الله فرمودند:

((من كان في قلبه حبه من خردل من عصبية بعثه الله يوم القيامة مع اعراب الجاهلية.))<sup>(۱)</sup>

((کسی که در دلش به اندازه دانه اسپندی تعصب باشد در روز قیامت با عرب‌های جاهلیت محشور خواهد شد))

چون در این مقال بحث درباره معالجه امراض روحی است به نکات مربوط به مفاسد فردی و اجتماعی حس ناسیونالیستی و یا قومی‌گرایی نمی‌پردازیم. اما برای علاج این بیماری مهلک توجه به این نکته لازم است که ما باید با یک دل یک دلبر داشته باشیم و برای کانون محبت خویش معتقد به اصلی باشیم و آن عبارت است از محبت و پیوند با پروردگار، در نتیجه پدر و مادر، زن و فرزند و به طور کلی اقوام و همشهری‌های خویش را براساس علاقه به حضرت حق دوست داشته باشیم و به دور از هر تعصب هرگاه از مسیر محبوب و معبودمان خارج شدند از آنها ببریم و الا مشمول غضب و سخط الهی خواهیم شد.

ص: ۲۴

((قل ان كان اباوكم و ابناكم و اخوانكم و ازواجكم و عشيرتكم و اموال اقترفتموها و تجاره تخشون كسادها و مساكن ترضونها احب اليكم من الله و رسوله و جهاد في سبيله فتربصوا حتى ياتي الله بامرہ والله لا يهدى القوم الفاسقين.)) (۱)

((بگو اگر پدرانتان و فرزندانتان و همسرانتان و خویشانان و اموالی که به دست آورده اید و تجارتی که از کساد آن می هراسید و مسکن هایی که بدان خوش دلید، نزد شما از خدا و پیغمبر او و جهاد در راه وی محبوبتر است انتظار برید تا خدا فرمان خویش بیارد که خدا گروه عصیان پیشگان را هدایت نمیکند.))

بلی وقتی آینه دل به زنگار تعصب و خویشاوند پرستی و یا نژاد پرستی محبوب شد جزء گروه عصیان پیشگان خواهد شد و راه هدایت بر او بسته خواهد گردید

به هر حال باید برای مهر و محبت خویش معیاری تعیین کنیم و هیچگاه به طور مطلق دوستدار و مدافع اطرافیان خود نباشیم در این صورت تعصب علاج میشود.

امیرالمونین علی علیه السلام می فرمودند:

((الراضی بفعل قوم کالداخل فیہ معهم، و علی کل داخل فی باطل اثمان: اثم العمل به، و اثم الرضا به.)) (۲)

((آنکه از کار گروهی راضی باشد، همانند کسی است که با ایشان در آن کار همراه بوده است، و هر آنکه در کار ناروایی دیگران را همراهی کند دو گناه دارد: گناه انجام آن و گناه رضایت به آن.))

به نظر حقیر برای معالجه سریع تعصب نابجا باید به علت سقوط شیطان از مقام خود توجه کرد فوراً این حالت زشت از دل و روح ما رخ برمییند. مولایمان علی علیه السلام می فرمودند: (( شیطان به سبب آفرینش خود از آتش بر آدم فخر فروخت و به خاطر اصل و گوهرش علیه او عصبیت ورزید. پس، این دشمن خدا پیشوای متعصبان و سرسلسله

ص: ۲۵

---

۱- سوره توبه آیه ۲۴.

۲- نهج البلاغه کلمات قصار ۱۴۶.

مستکبران و خود بزرگ بینان است و همو عصییت را پایه گذاری کرد.))<sup>(۱)</sup>

همان گرامی فرمود: ((ان کتتم لا محاله متعصبین فتعصبوا لنصره الحق و اغاثة الملهوف))<sup>(۲)</sup>

اگر ناگزیر از داشتن تعصب هستید، پس در راه یاری رساندن به حق و کمک به ستمدیده تعصب نشان دهید.

ص: ۲۶

---

۱- نهج البلاغه خطبه ۱۹۲.

۲- غررالحکم



درست است که ترس در بعضی عامل خوبی برای حفظ انسان از لغزش و گناه میشود ولی همه جا پسندیده نیست. بدون تردید برای برقرای نظم و انضباط و برطرف کردن هرج و مرج ((ترس)) از مجازات چیز جالبی است و به طور قطع مردم را ملزم به اطاعت از مقررات و قوانین می نماید، و یا ترس از خدا که در واقع ترس از مجازات گناه می باشد بسیار بجا و صحیح است که در آیات تعبیر به ترس از مقام پروردگار شده است.

((و لمن خاف مقام ربه جنتان)) (۱)

((و اما من خاف مقام ربه و نهی النفس عن الهوی فان الجنه هی الماوی.)) (۲)

((برای کسی که از مقام پروردگارش بهراسد دو بهشت است.))

((آن کس از مقام خدا بترسد و نفس خود را از خواسته های نامشروع باز دارد پاداش او بهشت است.))

مقام خدا علم بجرم مجرمین است، مقام خدا قدرت بر مجازات گناهکار است، مقام خدا حمایت مظلوم و کیفر ظالم است و خلاصه مقام خدا اقامه حق و عدل است.

این نوع ترس منطقی است ولی ترس به معنی ضعف اراده در انجام کارهای شایسته و خداپسند مذموم و باعث عقب ماندن انسان خواهد شد.

((اذا هبت امرا فقع فیه، فان شده توقیه اعظم مما تخاف منه.)) (۳)

ص: ۲۷

---

۱- سوره الرحمن آیه ۴۶.

۲- سوره النازعات آیه ۴۰.

۳- بحار الانوار ج ۷۶ ص ۲۴۷.

((هرگاه از کاری ترسیدی خود را در آن افکن، زیرا سختی دوری کردن و اجتناب بزرگتر است از آنچه از آن ترس داری!)) حضرت صادق علیه السلام جهت رفع و علاج ترس می فرمودند:

((اذا دخلت مدخلا تخافه فاقرا هذه الآية.))

هرگاه در مکانی وارد شدی و ترا ترس فرا گرفت این آیه را تلاوت کن ((رب ادخلنی مدخل صدق و اخرجنی مخرج صدق و اجعل لی من لدنک سلطانا نصیرا.)) (۱)

همان گرامی فرمودند:

((فاذا عایت الذی تخافه فاقرا آیه الكرسی.)) (۲)

((هروقت با مسئله ترسناکی مواجه شدی آیه الكرسی را تلاوت کن. و ناگفته نماند که ذکر شریف ((لا حول و لا قوه الا بالله)) بسیار مجرب و خیلی سریع رفع وحشت و ترس می نماید و دل را قوی و محکم میکند.

همان بزرگوار میفرمود: ((هرکس هرروز صدبار بگوید: ((لا حول و لا قوه الا بالله.)) خداوند تبارک و تعالی هفتاد نوع بلا را از او دفع میکند که سهلترین آنها غم و غصه است.)) (۳)

ترس پسندیده ترس از خداست که لازم است مقداری در این فصل از آن گفت و گو شود. ترس از خدا و به عبارت دیگر تقوی یعنی حفظ نفس از ورود به هرچه که گناه است و گاهی به خوف از خدا اطلاق میشود مثل آیاتی که به این صورت نازل شد.

((اتقوا ربهم، اتقوا الله، واتقوا یوما.))

از امام صادق سوال شد تفسیر تقوی چیست؟

فرمود: ((ان لا یفقدک حیث امرک و لا یراک حیث نهاک.)) (۴)

((در انجام اوامر و دستورات پروردگار کوتاهی نکنی و در نواهی و محرمات داخل نشوی))

ص: ۲۸

۱- سوره أسراء آیه ۸۰.

۲- ثواب الاعمال ص ۱۹۵.

۳- ثواب الاعمال ص ۱۹۵.

۴- سفینه البحار ج ۲ ص ۶۸۷.

امیرالمومنین علی علیه السلام میفرمود: ((التقوی رئیس الاخلاق)) (۱)

پیشوایی تقوی در مسائل اخلاقی بدین معناست که مجموعه صفات پسندیده و مکارم اخلاق در تقوی نهفته است و به تعبیری دیگر تمامی کمالات و ملکات نفسانی بقاء و رشدشان بستگی به آبیاری تقوی دارد.

بنابراین تقوی نسبت به طاعات و عبادات چون آبی است که مورد استفاده نباتات و درختها قرار میگیرد و باعث خرمی و رشد آنها میشود و هر عبادتی که توام با تقوی نباشد مانند درختی است که در اثر بی آبی خرمی و صفای خود را از دست داده است.

اهل تقوی یک نوع حالت مواظبت و دقت را در تماس مسائل فردی و اجتماعی و سیاسی دارند و در هر کاری تا مطمئن به سلامت و صحت آن نشوند اقدام نمیکنند.

تقوای سیاسی از جمله حالات خوب مومنین است، در موضع گیری ها و مصرف حب و بغض خویش خدا را در نظر میگیرند، بی جهت و از روی تعصب از گروهی دفاع نمیکنند و بدون دلیل کسی را طرد و تضعیف نمی نمایند زیرا معتقدند که پایه های یک جامعه اسلامی به حفظ تقوی و دوری از هوا حوس محکم و استوار است و همچنین خداوند تبارک و تعالی تا وقتی ولایت و نصرت خود را بر ما ادامه میدهد که ارزش های معنوی و پایبندی به اصول از بین نرفته باشد.

((و لئن اتبعت اهواءهم بعد الذی جاءک من العلم مالک من الله من ولی و لا نصیر)) (۲)

((اگر از خواهش های (یهود و نصاری) پیروی کنی بعد از رشد و آگاهی که به تو دادیم ولایت و نصرتمان را از تو بر خواهیم داشت.))

ناگفته نماند که خدا ترسی دوباره کمرنگ و بلکه بیرنگ شده و علائم آن عبارت است از ازدیاد ارتشاء، اجحاف، بی انصافی، دروغ و کلاهبرداری. راستی این چه وضعی است که برای ما پیش آمده، همه در حال دویدن به سرعت برق برای پر رونق کردن زندگی مادی هستیم از راهی که باشد حلال یا حرام فرقی نمیکنند! چرا مسائل فقهی

ص: ۲۹

۱- نهج البلاغه حکم و مواعظ ۴۰۲.

۲- سوره بقره آیه ۱۲۰.

معاملات مورد توجه قرار نمیگیرد و چرا کثیفترین نوع آن یعنی ربا به صورت های مختلف گریبانگیر جمع زیادی شده و آنها هم که اهلش نیستند غبارش بر نشان نشسته است!!

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمودند: (( راس الحکمه مخافه الله تبارک و تعالی. ))(۱) ((راس حکمت، خداترسی است))؛ اگر خدا را ناظر و شاهد بر احوال و اعمال خویش بدانیم کمی آهسته تر و دست به عصا تر حرکت میکنیم. در برابر شبهات توقف کرده احتیاط را در خوردنی ها و پوشیدنی ها و اماکن و محافل ترک نمیکنیم.

علی علیه السلام فرمودند: ((جهاد النفس مهر الجنه)) (۲)

((کابین بهشت عبارت است جهاد با نفس))

کابین بهشت جهاد با نفس بود\*\*\*پیمودن این راه بسی سخت بود

گر طالب حور جنت الماوایی\*\*\*بی پرده بدان تقوی شرط بود

بگذر ز خودی تو مرتبط با او شو\*\*\*با دست تهی آرزویش خبط بود

یک لحظه اگر مالک نفست گردی\*\*\*پرواز کنی مهبط تو عرش بود

چون بالب گشودی ز قیود دنیا\*\*\*آزاد شوی اراده ات جزم بود

با خواهش خویش هرکسی جهد کند\*\*\*رفتن به بهشت برای او حتم بود

ص: ۳۰

---

۱- بحار الانوار ج ۷۷ ص ۱۳۳.

۲- غرر الحکم.

علاج حب جاه شکستن خود از درون است؛ هرگاه انسان احساس کرد که مقام و ریاست وضع روحی اش را تغییر داده و حالت نخوت به سراغش آمده می باید بی درنگ در ضمیر خویش این حقیقت را زمزمه کند که تو هیچ نیستی و تو از همه مردم کوچکتر و نازل تری، تا در نتیجه به حالت عادی و طبیعی برگردد.

((اللهم صل محمد و آل محمد: و لا ترفعنی فی الناس درجه الا حططتی عند نفسی مثلها و لا تحدث لی عزا ظاهرا الا احداث لی ذله باطنه عند نفسی بقدرها.)) (۱)

امام سجاد علیه السلام پس از درود بر محمد و آلش عرض میکند: ((بارالها و هیچ درجه ای از من بین مردم بالا مبر جز آنکه مرا معادل آن منزلت و مزیت، در نزد خودم پسند گردانی؛ بارالها برای من عز و احترام آشکاری را در جامعه پدید نیاور، جز آنکه به اندازه عز ظاهری در ضمیرم ذلت باطنی پدید آوری و مرا پیش نفس خودم به همان مقدار خوار نمایی!))

تا کم نشوی و کمتر از کم نشوی\*\*\*اندر صف عاشقان محرم نشوی

یک بار حضرت عیسی به حواریون فرمود: مرا از شما تقاضایی هست، عرض کردند هرچه باشد برآورده میکنیم، عیسی برخاست، پاهای حواریون را شستشو

ص: ۳۱

داد. گفتند: ما به این کار سزاوارتر بودیم، فرمود شایسته ترین مردم برای خدمت دانشمند و عالم است. (۱)

امام صادق علیه السلام میفرماید: (( در آن دوران که جعفر ابن ابی طالب برادر حضرت علی علیه السلام در حبشه بود یک بار مشاهده کرد که رهبر مردم حبشه با لباسهای کهنه روی خاک نشست، پرسید چرا با این لباس های کهنه روی خاک نشسته اید؟ پاسخ داد ما در میان دستوراتی که بر عیسی نازل شده میبایم که از جمله حقوق خداوند بر بندگان این است که هنگام تجدید نعمت و قدرت، آنها نیز باید تجدید تواضع ککنند، اینک چون خداوند به من نعمتی نمانند حضرت محمد صلی الله علیه و آله را ارزانی داشته من هم به شکرانه این نعمت تواضع میکنم و خاک نشین میگردم.)) (۲)

در حکومت اسلامی خدمت به مردم به هر شکل که باشد یک ارزش و بلکه عبادت است و می باید کسانی به کار گماشته شوند که تشنه مقام و سروری بر خلق نباشند و بلکه پست و مقام را وسیله ای برای خدمت بیشتر به توده محروم بدانند.

((تلك الدار الاخره نجعلها للذين لا يريدون علوا في الارض و لا فسادا و العاقبه للمتقين)) (۳)

((این سرای آخرت را برای کسانی قرار داده ایم که در زمین بلند پروازی و فساد نکرده اند و عاقبت خاص پرهیزکاران است))

در نظام اسلامی اگر کسی تلاش کند که صرفا پست و مقامی را به چنگ آورد محکوم به هلاکت و نابودی خواهد بود. چنانکه حضرت صادق علیه السلام فرمودند: (( من طلب الرياسه هلك.)) (۴)

((هرکس طالب ریاست باشد هلاک خواهد شد))

پس بهتر آن است که اهل ایمان با این انگیزه قدم به میدان مقامات ظاهری بگذارند تا همانطوری که مولایشان فرموده، مستحق ریاست باشند.

ص: ۳۲

۱- اصول کافی ج ۲ ص ۱۲۱.

۲- وسایل جهاد نفس ص ۵۰۵.

۳- سوره قصص آیه ۸۳.

۴- بحار الانوار ج ۸۳ ص ۱۵.

امیرالمومنین علی علیه السلام فرمودند:

((من بذل معروفه، استحق الریاسه))<sup>(۱)</sup>

((کسی که اهل کار خیر و بذل نیکی ها است استحقاق ریاست را داراست))

چقدر بجاست که شخص حال و هوایش قبل و بعد از ریاست تغییر نکند و باور داشته باشد آنچه را که امروز نصیبش شده عاریه و امانت است و فردا به دیگری محول خواهد شد و هیچکس نیست که الی الابد وزیر و وکیل و یا مدیر و رئیس بماند!! اصولاً اگر دل خائف و نگران جهان آخرت باشد و خداوند تبارک و تعالی را مراقب خویش بداند هرگز جاه طلب نخواهد بود.

به هر حال تا کسی خود را اصلاح نکرده و در ظرف وجود خود آن توان و قدرت را نمیبیند که با نشستن پشت میز ریاست حالش عوض نمیشود، حتماً و حتماً از قبول پست و مقام امتناع ورزد که بسیار خطرناک است و گاهی منجر به سقوط ابدی و نابودی دین و آخرت میگردد.

یکی از مصادیق جاه طلبی را پیامبر صلی الله علیه و اله اینگونه بیان میفرماید:

((من احب ان یمثل له الرجال قیاما فلیتبوا مقعده من النار))<sup>(۲)</sup>

((کسی که علاقه مند باشد مردم در کنار یا در برابرش بایستند جایگاهش در آتش خواهد بود))

مصدق دیگر اینکه امام صادق علیه السلام فرمودند:

((ایاکم و هولاء الرءساء الذین یتراءسون فوالله ما خفقت النعال خلف رجل الا هلك و اهلك))<sup>(۳)</sup>

((از گروه ریاست مداران پرهیزید، به خدا سوگند که نعلین در پشت سر فردی به صدا در نیامد (مرید و پیرو پیدا نکرد) مگر آنکه هم خود هلاک شد و هم موجبات هلاکت دیگران را فراهم گردانید.))

ص: ۳۳

---

۱- غررالحکم.

۲- بحارالانوار ج ۷۳ ص ۱۵.

۳- بحارالانوار ج ۷۳ ص ۱۵۰.

همانطور که اشاره شد درمان این بیماری به آن است که مقداری اندیشه کنیم که انسان اگر در اوج قدرت باشد پایانی جز مرگ ندارد، اگر همه کسانی که در روی زمین هستند عبد و مطیع ما باشند در آینده نزدیکی نه از عبد و مطیع کسی باقی میماند و نه از صاحب مقام. حال ما همانند کسانی است که پیش از ما مرده اند.

یکی قطره باران ز ابری چکید\*\*\*خجل شد چو پهنای دریا بدید

چو خود را به چشم حقارت بدید\*\*\*صدف در کنارش بجان پرورید

بلندی از آن یافت کو پست شد\*\*\*در نیستی کوفت تا هست شد

یکی از آفات ریاست، مال اندوزی و حیف و میل بیت المال است و بدون تردید این حرکت یک نوع سوء استفاده از موقعیت اجتماعی محسوب میشود و نشان غفلت از خداوند و مغلوب واقع شدن در برابر زرق و برق دنیاست!

آنهايي که خود را معالجه کرده اند ورع را جزء برنامه زندگی خویش قرار داده اند و حتما از حرام اجتناب میکنند و بلکه از شبهات نیز اجتناب میکنند.

زید بن علی از پدر بزرگوارش امام سجاد علیه السلام نقل میکند که فرمود:

((الورع نظام العبادة، فاذا انقطع الورع، ذهب الدیانة كما انه انقطع السلک اتبعه النظام)) (۱)

((ورع، نظام عبادت است، پس وقتی ورع از بین رفت، دیانت از بین رفته، همچنانکه وقتی رشته ونخ گسیخته شد، دانه ها و مهره ها نیز به دنبال آن متفرق گشته و از هم میپاشند.))

بنابراین آنها که در تمام زمینه ها و خصوصا در مصرف بیت المال مسلمین صاحب ورع نباشند سخت در اشتباه بوده و بر آهن سرد میکوبند. تاریخ زندگی مومنین نشان داده، تا مادامی که چهره پر زرق و برق دنیا چشمشان را خیره نکرده و جمع مال ننموده اند انسانی آرام و بی آزار و مطمئن می باشند، ولی همین که به جمع آوری اموال خصوصا از طریق غیر مشروع اقدام میکنند و حب مقام هم به آن اضافه میشود خود را

ص: ۳۴



سوار بر مرکب مراد میبندد و بالاخره تغییر روش داده و از خدا فاصله گرفته و دل در گرو زیبایی های دنیا میدهند

در این موقع است که غرق در انسانیت خویش شده نسبت به همه چیز و همه کس بی اعتنا بوده و خلاصه در یک کلام به حزب شیطان وارد خواهند شد.

مظاهر دنیا جدا فریبنده و پر جاذبه است و گاهی دل را کاملاً تسخیر میکند ولی باید همواره خود را به خدای قادر سپرد و از ذات مقدس او کمک بخواهیم تا در این مظاهر دلربا غرق نشویم.

در وصایای حضرت صادق علیه السلام به عبدالله جناب هست که:

((چه تاسف بار و غم انگیز است دور ماندن از صاحبدلانی که قلوبشان مملو از نور گردیده ، و دنیا در نظرشان (در اثر روشن نگری که دارند) مانند مار ارقم (ماری است که جثه بزرگی دارد و بسیار خطرناک است) و دشمن زبان نفهم آمده است!))  
تنها با خدا مانوسند و از هرچه که مایه انس و آسایش دنیا پرستان است گریزانند.

آنانند که به حقیقت دوستان منند و به برکت وجود آنها است که هر فتنه ای بر طرف میگردد و هربلایی از بین مردم برداشته میشود

خوشا به حال آن بنده ای که (بر اثر شناختی که از ماهیت دنیا و زوال و فناء آن داشته است) غبطه به حال دنیا داران خطاکار نبرده و آرزوی رسیدن به زندگی پر زرق و برق آنان را به دل راه نداده است!

خوشا به حال بنده ای که طالب آخرت بوده، و در راه نیل به آن در سعی و تلاش است.

خوشا به حال کسی که آرزوی کاذب و دلخوشی های بی اساس، سردرگمش نساخته است. (۱)

ص: ۳۵

جَبَلی و سرشت نفس آن است که از مناظر زیبا لذت میبرد و اگر کسی بگوید از دیدن زیبایی ها نفرت دارم حتما از عقل محروم است ولی مامور هستیم برای تربیت نفس از دیدن زیبایی هایی که منجر به گناه و فساد میشود اجتناب کنیم و به طور کلی تا خواهش دل و تمایلات نفسانی را مهار نکنیم لذت و حلاوت عبادت را نخواهیم چشید و هر آنکس که شیرینی و عطر مناجات حق تعالی را بچشد و ببوید حاضر نیست هیچ لذت مادی را با آن معاوضه کند.

اگر لذت ترک لذت بدانی\*\*\*دگر لذت نفس لذت نخوانی

هزاران دراز خلق بر خود بندی\*\*\*گرت باز باشد دری آسمانی

سفرهای علوی کند مرغ جانت\*\*\*گر از چنبر آز بازش رهایی

رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره ثمره ترک چشم چرانی فرمودند: ((ما من مسلم ینظر امراه اول رمقه ثم یغض الا احث الله تعالی له عبادہ یجد حلاوتها فی قلبه.))<sup>(۱)</sup>

هیچ مرد مسلمانی نیست که نگاهش به زنی بیفتد و چشم خود را پایین اندازد مگر اینکه خدای متعال به او توفیق عبادتی دهد که شیرینی آن را در دل خویش بیابد.

امام صادق علیه السلام میفرمود:

ص: ۳۶

((من نظر الی امراه فرفع بصره الی السماء او غمض بصره لم یرتد الیه بصره حتی یزوجه الله عزوجل من حور العین.)) (۱)

((کسی که چشمش به زن نامحرمی افتد، چشم را به آسمان بدوزد و یا چشمش را ببندد پاداش این عمل وی تزویج با حورالعین در بهشت خواهد بود.))

در حقیقت عینکی بهتر ز پشت چشم نیست\*\*\*دیده چون بستی دو عالم را تماشا میکنی

پس علاج چشم چرانی توجه به عواقب سوء آن و نتایج پسندیده ترک آن است، چه بسا افرادی که به خاطر چشم چرانی های خویش دل را اسیر نا اهل ها نموده و بالاخره دنیا و آخرت خود را تباه نموده اند!

ز دست دیده و دل هر دو فریاد\*\*\*هر آنچه دیده بیند دل کند یاد

بسازم خنجری نیشش ز پولاد\*\*\*زنم بر دیده تا دل گردد آزاد

و این هم نسخه شفا بخش امیرالمونین علی علیه السلام: ((هرگاه فردی از شما زنی را دید و از او خوشش آمد، برود و با همسر خود آمیزش کند، زیرا نظیر آنچه را دیده است در همسر خود او نیز هست. شیطان را به دل خود راه ندهد و چشم خود را از آن زن برگرداند. اگر زن ندارد دو رکعت نماز بخواند و بسیار حمد خدا گوید و بر پیامبر و آل او علیهم السلام صلوات فرستد و آن گاه از خداوند بخواهد که از فضل خویش عطایش فرماید. خداوند از روی مهر و رافت خود نیاز او را برطرف خواهد ساخت.)) (۲)

ص: ۳۷

---

۱- فروع کافی ج ۳ ص ۲۵۵.

۲- بحار الانوار ج ۱۰ ص ۱۱۵.

درمان درد حرص و علاقه به جمع آوری اموال دنیا، یاد مرگ است!

مردی به امام باقر علیه السلام عرض کرد: برایم سخنی بفرمایید که از آن استفاده کنم؟

فرمود: ((اکثر ذکر الموت فانه ما اکثر ذکر الموت انسان الا زهد فی الدنيا))<sup>(۱)</sup>

((مرگ را بسیار یاد کن که هر کس آن را زیاد به خاطر آورد، زهد در دنیا را پیشه خواهد ساخت))

وقتی به پایان کار و سرانجام آنچه متعلق به ماست بنگریم و ملاحظه کنیم که مرگ بین ما و ثروت و اموال ما جدایی می اندازد و حق نداریم حتی لباس تن خود را ببریم چه جای حرص و ولع در تکاثر اموال است و این نوع یادآوری ها اگر همه روزه تکرار شود میل و رغبت انسان به دنیا و زرق و برق آن کم میگردد.

مولایمان علی علیه السلام میفرمودند:

((من اکثر من ذکر الموت قلت فی الدنيا رغبت))

((من اکثر من ذکر الموت رضی من الدنيا بالكفاف))<sup>(۲)</sup>

((کسی که زیاد به یاد مرگ باشد میل و رغبتش به دنیا کم میگردد))

((کسی که زیاد به یاد مرگ باشد به اندازه کفاف از مال دنیا راضی خواهد بود)) امام سجاده علیه السلام می فرمودند: یکبار رسول الله صلی الله علیه و آله در بیابان با شتربانی روبرو شدند و

ص: ۳۸

۱- انوارنعمانیه ص ۳۴۲.

۲- بحار الانوار ج ۷۶ ص ۳۲۳.

از وی مقداری شیر تقاضا نمودند، او در پاسخ حضرت گفت: آنچه در سینه شتران است اختصاص به صبحانه اهل قبیله دارد و آنچه در ظرف دوشیده ایم شامگاه از آن استفاده میکنند. آنجناب دعا کردند، خداوند مال و فرزندان این مرد را زیاد کن از او گذشتند. در راه به ساربان دیگری برخوردند از او هم درخواست شیر کردند ساربان سینه شتران را دوشیده، محتوی ظرف های خود را در میان ظرف های پیامبر صلی الله علیه و آله ریخت و یک گوسفند نیز اضافه بر شیر تقدیم کرد، عرض نمود که فعلا همین مقدار پیش من بود چنانچه اجازه دهید بیش از این تهیه و تقدیم کنم. پیامبر صلی الله علیه و آله دست خویش را بلند کرده گفتند خداوند! به اندازه کفایت به این مرد عنایت کن، همراهان عرض کردند ای رسول خدا آنکه درخواست شما را رد کرد برایش دعایی کردی که ما همه آن دعا را دوست داریم ولی برای کسی که حاجت شما را برآورد از خداوند چیزی خواستید که ما دوست نداریم.

فرمودند: (( ما قل و کفی خیر مما کثرو الهی ))

مقدار کمی که کافی باشد در زندگی بهتر از ثروت زیادی است که انسان را به خود مشغول کند و سپس این دعا را نیز کردند. ((اللهم ارزق محمدا و آل محمد الکفاف.)) (۱)

((خداوند! به محمد و آل او به اندازه کفایت لطف فرما.))

آنان که روی دنیا با چشم عقل دیدند\*\*\*چون صید تیر خورده از دام وی رمیدند

مرغان باغ جنت در کشتزار دنیا\*\*\*دیدند دام پنهان از دانه دل بریدند

مردان حق ز دنیا بستند دیده دل\*\*\*از نیک و بد گذشتند جز حق کسی ندیدند

آن طائران لاهوت ناسوتشان مکان شد\*\*\*آخر قفس شکستند سوی وطن پریدند

رسول الله صلی الله علیه و آله هفت آفت برای آدم حریص بیان نمود:

۱- فکر متوالی که برای بدنش زیان دارد

۲- کوشش زیادی که به پایان نخواهد رسید

۳- رنج و سختی که هرگز آسوده از آن نمیشود، مگر هنگام مرگ

۴- بیم و هراسی که جز ابتلا به آنچه از آن میترسد فایده ای ندارد

ص: ۳۹

۵- اندوهی که بی جهت زندگی را بر او ناگوار میکند

۶- حساب دقیق در پیشگاه خداوند از او کشیده میشود

۷- کیفر دردناکی که راه فرار از آن برایش نیست. (۱)

ص: ۴۰

---

۱- مستدرک الوسایل ج ۲ ص ۳۳۵.

عواملی که باعث حزن و اندوه میگردند متفاوتند، گاهی حوادث و اتفاقات خارجی منجر به حزن و دل گرفتگی میگردند و گاهی بدون جهت در بعضی ساعات روز و شب دل گرفتار اندوه میشود. معصومین نسخه های شفا بخشی برای رفع حزن بیان فرمودند که هر کدام آنها کار ساز تاثیر سریع خواهد داشت.

در یک مورد حضرت امیرالمومنین علی علیه السلام می فرمایند: ((لا تشعر قلبك الهم علی مافات، فتشغلک عن الاستعداد لما هوات)) (۱)

((هیچ گاه نسبت به مسائل گذشته محزون نباش زیرا که ترا باز میدارد از اینکه در آینده استعدادت را به کار بندی و آماده باشی))

امام صادق علیه السلام برای رفع حزن و اندوه فرمودند:

((اذا حزنتک من امر سلطان او غیره فاكثر من قول لا حول و لا قوه الا بالله فانها مفتاح الفرج)) (۲)

((اگر چیزی از طرف سلطان یا دیگری باعث حزن تو شد زیاد بگو ((لا حول و لا قوه الا بالله)) زیرا که این ذکر شریف کلید گشایش است))

و نیز فرمودند: ((اذا توالى الهموم فعليك بلا حول و لا قوه الا بالله)) (۳)

ص: ۴۱

۱- بحار الانوار ج ۷۶ ص ۸۴.

۲- محجبه البيضاء ج ۵ ص ۳۲۵.

۳- مصباح الشریعه باب ۵۱.

((هنگامی که پی در پی غم و اندوه به سراغتان آمد بر شما باد به ذکر ((لا حول و لا قوه الا بالله))

رسول خدا صلی الله علیه و آله پیشنهاد دیگری دارند و میفرمایند:

((من اکثر الاستغفار جعل الله له من كل هم فرجا و من كل ضيق مخرجا و رزقه من حيث لا يحتسب)) (۱)

((کسی که زیاد استغفار کند خداوند تبارک و تعالی هم و غم او را تبدیل به گشایش میکند و او را از تنگنا نجات میبخشد و روزی بی حساب به وی عنایت میکند))

همان گرامی داروی دیگری را تجویز میفرمایند: ((غسل الثياب يذهب بالهمّ و الحزن)) (۲)

((شستن لباس و نظیف نگهداشتن آن، هم و حزن را از بین میبرد))

و نیز فرمود: ((من وجد همّاً فلا يدري ما هو فليغسل رأسه)) (۳)

((کسی که حزنی به دلش نشست و نمی داند و نمیداند که این دل گرفتگی از کجا سرچشمه گرفته، سرش را بشوید رفع حزن میشود))

امام سجاد علیه السلام در دعای مکارم الاخلاق عرضه می دارد: ((اللهم انت عدتي ان حزنت)) ((خدایا تویی ذخیره ام هنگام حزن و اندوه))

به عبارتی حزن آن حالت حسرت و ناراحتی است که انسان در اثر از دست دادن محبوب یا فوت مطلوب پیدا میکند و از مقدرات الهی اظهار ناراحتی می نماید.

((ألا انّ اولياء الله لا خوف عليهم ولا هم يحزنون)) (۴)

آگاه باشید که دوستان خدا ترس ندارند و محزون نمی شوند.

به این علت که اولیا خدا میدانند که آنچه در عالم موجود است از حیوان و نبات و جماد و اموال همه و همه در معرض فنا و زوال میباشند و هیچکدام باقی نخواهند بود، لذا خیالات فاسد از ذهن آنها بیرون میرود و دلشان به وسایل فناپذیر دنیایی گره

ص: ۴۲

۱- مصباح الشریعه باب ۵۱.

۲- بحار الانوار ج ۷۸ ص ۲۸۹.

۳- حار الانوار ج ۷۸ ص ۲۸۹.

۴- سوره یونس آیه ۶۲.



نمیخورد و بلکه دل را با خدای خویش و خواسته های او تعلق می دهند. اولیاء خدا یک نوع اعتماد و وثوق خاصی به پروردگار خویش دارند به همین جهت در همه کارها جز به کس دیگری متکی نمی شوند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمود:

((من اغتر بالعبید اذله الله)) (۱)

((هرکس به بندگان خدا توکل کند خداوند او را ذلیل خواهد کرد.))

امام صادق علیه السلام برای برطرف کردن غم و اندوه دعایی را به بعضی اصحاب خود تعلیم داد. خوب است آنانی که احساس اندوه و افسردگی میکنند به نسخه التیام دهنده آن امام بزرگوار عمل کنند:

((اعددت لكل عظیمه لا اله الا الله و لكل هم و غم لا حول و لا قوه الا بالله محمد صلی الله علیه و آله النور الاول و علی النور الثانی و الائمه الابرار عده للقاء الله و حجاب من اعداء الله ذل كل شیء لعظمه الله و اسئل الله عزوجل و الکفایه)) (۲)

ص: ۴۳

---

۱- جامع السعادات ج ۳ ص ۲۱۸.

۲- مفاتیح الجنان.

ظاهر مطلب آن است که صفت حسادت در همه هست، با این تفاوت که مومن آن را از درون تجاوز نمیدهد ولی فاسق با غیبت و تهمت و آبرو ریختن و کارشکنی و امثال آنها حسادت خویش را اظهار می کند.

رسول الله صلی الله علیه و آله میفرمودند: ((سه چیز است که کسی از آن رهایی ندارد. الظن و الطیره، و الحسد و ساحدثکم بالمخرج من ذلک. گمان بد بردن، فال بد زدن، و حسد ورزیدن و من راه رهایی از آنها را به شما میگویم. اذا ظننت فلا تحقق، و اذا تطیرت فامض و اذا حسدت فلا تبغ. اگر به کسی گمان بد بردی در پی جستجو و تحقیق بر نیا، و اگر فال بد زدی از آن صرف نظر کن و کار را انجام بده و اگر حسد ورزیدی به فساد و ستم دست نزن.))<sup>(۱)</sup>

به هر حال حسد در مواقع شدت، خالی از گناه نیست. زیرا هر چند که شخص حسود ظاهرا خود را از حسد پاکیزه ساخته است، اما در باطن زوال نعمت محسود را میخواهد و در نفس او نیز تنفیری نسبت به این حالت وجود ندارد، و این حالت حتما گناه است. درمان عملی آن به این است که به خود خطاب کند که تو عوض آنکه نابودی و زوال نعمت را از طرف مقابل بخواهی، تقاضای چنین نعمتی را از خدای قادر متعال بر خود بنما و خیلی راحت و آسان از کنار مسائل بگذر و این قدر خودخوری مکن و

ص: ۴۴

خویشتن را زجر مده!!

راه دیگر عمل به ضد است، مثلا اگر حسد وی را وادار به سرزنش کرد، زبان به مدح و ثنا گشاید، و یا اگر او را به سوی تکبر فرمان داد، نفس خویش را ملزم به تواضع کرده و از طرف مقابل معذرت خواهی کند و یا اگر حسادت او را از عطاء و بخشش منع نمود نفس را به بخشش بیشتر وادار سازد. پیداست که با چنین روش کم کم حسد ریشه کن خواهد شد.

ذکر حق پاک است و چون پاکی رسد\*\*\*رخت بر بندد برون آید پلید

میگریزد ضدها از ضدها\*\*\*شب گریزد چون برافزود ضیاء

و اینک جا دارد که مروری به بیان شیوا و آموزنده امام صادق کنیم، باشد که در این رهگذر ان شاءالله به هیچکس رشک نبریم:

((حسود زیان خود را قبل از ضرر رساندن به فرد مورد حسد، مهیا میسازد. او مثل شیطان میماند که به سبب حسادت برای خود لعنت و برای آدم مقام رفیع برگزیدگی و هدایت الهی و ارتقاء به مقام دریافت حقایق را باقی گذارد. پس اگر مورد حسد قرار گرفتی خود حسد موز، چرا که ترازوی اعمال حسود در روز قیامت همواره سبک است و میزان اعمال کسی که به او حسد میورزد، سنگین است، و در حالی که رزق و روزی الهی قسمت شده است، پس رشک و حسد برای حاسد چه سودی خواهد داشت و کدام زیان را به محسود میرساند!

اصل و ریشه حسد از کوری قلب و انکار الطاف الهی است که این دو، دو بال کفتر هستند. به وسیله حسد بود که پسر آدم (در اثر قتل برادر خویش) به حسرت ابدی دچار گشت و خود را گرفتار هلاکتی نمود که هیچگاه از آن رها نخواهد شد.))<sup>(۱)</sup>

آری حسود اعتماد به نفس را از دست میدهد و همیشه خود را عاجز و ناتوان برای ترقی و رسیدن به مقامات عالیه مادی و معنوی میبیند. حسودان باید در رسیدن به آرزوهایشان به مواهب و نیروهای خدادادی که دارند

ص: ۴۵

اعتماد کنند و اگر تلاش کردند و به جایی نرسیدند عوض حسادت از خدا و جانب فضلش مسئلت نمایند که آنان را نیز موفق به کار مفید و پسندیده گرداند. شخص حسود قبل از آنکه به کسی که حسد میورزد ضرر برساند به خویش ضرر میزند و سرچشمه حسد کوردلی است.

اکثر جنایات و نزاع های خانوادگی ریشه حسادت دارند، وقتی حوادث تاسف آور قتل و جرح ها و اختلافات عمیق بین زن و شوهر و همکاران و نزدیکان را بررسی کنیم بالاخره سر از حسادت در می آوریم.

چه فتنه ها و درگیری های توام با کینه ورزی های طولانی که حسادت به بار می آورد. بنابراین نباید خطر حسد و حسودان را ساده و سرسری گرفت و باید از شر آنها به خدا پناه برد((و من شر حاسد اذا حسد))<sup>(۱)</sup>

تذکر این نکته هم لازم است که ما نباید در انتخاب وسایل زندگی و امور مادی جوهره حسادت را در دل حسودان تحریک کنیم و باعث شویم که آنها با نگاه کینه توزانه خویش تمنای زوال نعمت را از ما بنمایند چنانکه تجربه نشان داده اشخاص تازه به دنیا رسیده با انتخاب وسایل پر زرق و برق زندگی، حسودان را تحریک نموده و مورد چشم زخم قرار گرفته و با یک حادثه دلخراش خود و خانواده خویش را نابود کرده اند!!

در حسد تراره در گلو\*\*\*در حسد ابلیش را باشد غلو

کوز آدم ننگ دارد از حسد\*\*\*با سعادت جنگ دارد از حسد

عقبه ای زین صعب تر در راه نیست\*\*\*ای خنک آنکس حسد همراه نیست

این جسد خانه حسد آمد بدان\*\*\*کز حسد آلوده گردد خاندان

خانمانها از حسد گردد خراب\*\*\*باز شاهی از حسد گردد غراب

ص: ۴۶

دل مومن با صفاتر از آن است که کینه کسی را در دل نگه دارد و اگر در کحفلی از کسی آزاری ببیند به محض خروج از آن دل را از ملالت او خالی میکند. امام صادق علیه السلام میفرمودند:

((المومن یحقد مادامفی مجلسه فاذا قام ذهب عنه الحقد.))<sup>(۱)</sup>

((کینه به دل گرفتن مومن کوتاه است فقط تا وقتی است که در مجلس حضور دارد وقتی بر میخیزد و محفل را ترک میکند دیگر کینه به دل ندارد))

گاهی مشاهده میشود که بعضی کینه دیرینه دارند و پس از گذشت سال ها هنوز از لغزش طرف خطاکار نگذشته اند. بدون شک چنین دلی مکدر و تاریک خواهد بود و اگر کسی بخواهد در جهان آخرت خداوند تبارک و تعالی از لغزش هایش صرف نظر کند باید نسبت به بندگان او در دنیا اهل گذشت و اغماض باشد.

شخص کینه توز باید بداند که هر اندازه این حالت در قلب او تقویت شود بر غم و اندوه وی افزوده خواهد شد و اگر اگر عفو کند به تقوی نزدیکتر است.

((و ان تعفوا اقرب للتقوی))<sup>(۲)</sup>

((معتب میگوید: امام کاظم علیه السلام در نخلستانی مشغول بریدن خوشه های خرما بودند، در این هنگام غلامی از غلامان آن گرامی دسته ای از خوشه های خرما را گرفته و به پشت

ص: ۴۷

۱- کافی ج ۲ ص ۱۰۸.

۲- سوره بقره آیه ۲۳۷.

دیوار پرتاب کرد. من به دنبال وی رفتم و او را گرفته و خدمت امام برده و گفتم: قربانت شوم، این غلام، چند خوشه خرما دزدیده است.

امام او را صدا زد، به وی فرمود: آیا گرسنه هستی؟ گفتم: خیر، آقای من، فرمودند آیا عریانی؟ گفتم: خیر آقای من، فرمودند: پس به چه جهت این خوشه ها را برداشتی؟ گفتم: هوس خرما کرده بودم! امام فرمودند: برو که خرما از آن توست. او را آزاد بگذارید))

همان گرامی فرمودند: ((الرفق نصف العیش)) (۱)

((مدارا و نرمش در رفتار، نیمی از زندگی همراه با خوشی است))

راه دیگر علاج کینه برخورد شایسته و چهره باز است، به این طریق میتوان کدورت را برطرف کرد همچنان که نبی اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

((حسن البشر یذهب بالسخیمه)) (۲)

((چهره گشاده حرارت کدورت را از بین میبرد))

به خلق و لطف توان کرد صید اهل نظر\*\*\*ببند و دام نگیرند مرغ دانا را

ندانم از چه سبب رنگ آشنایی نیست\*\*\*سهی قدان سیه چشم ماه سیما را

در آسمان نه عجب گر بگفته حافظ\*\*\*سرود زهره برقص آورد مسیحا را

یکی از ابتلائات زمامداری امور مردم درگیری های سیاسی است که نوعا در نصب و انتساب افراد و انتخاب پیش می آید و در همین جاست که خط و خطوط سیاسی ترسیم می شود که ظاهرا در تمامی مجامع دنیا یک امری طبیعی است، ولی چیزی که هست در نظام اسلامی چون انتصاب و انتخاب بر اساس معیارهای الهی و معنوی است بنابراین کسی حق ندارد رقیب سیاسی خود را ضایع کند و بدون ملاک برای آنکه خود جای پایی پیدا کند طرف مقابل را با زدن برچسب های بی پایه و دروغ از صحنه به در کند، البته چون در این نظام ارزش ها و احترام افراد به تقوی است ((ان اکرمکم عندالله اتقاکم)) اگر کسی بی تقوی باشد خود به خود از صحنه به در خواهد شد و مردم با رشد و

ص: ۴۸

۱- کافی ج ۲ ص ۱۲۰.

۲- کافی ج ۲ ص ۱۰۸.

آگاهی که پیدا کرده اند زیر بار بی تقواها نخواهند رفت.

روی سخن با متدینین است که میخواهند با سرمایه تقوی به میدان مبارزات سیاسی گام بردارند. این طور نباشند که برای رسیدن به میز ریاست رقیب را یک پول سیاه کنند تا خود مطرح شوند!!

و هم‌طور اگر بنا بر تشخیص مردم از آراء کمتری برخوردار شدند..نباید یقه پاره کنند و آنچه را سزاوار نیست به رقیب پیروز نثار کنند. در جراید خواندم که در انتخابات اخیر فرانسه بین دو نفر رقابت تنگاتنگی رخ داد، آراء خیلی به هم نزدیک بود، یکی بر دیگری پیروز شد، رقیب شکست خورده فردای آن روز با دسته گلی زیبا به حض.ر رقیب پیروز رفت ، پس از تقدیم گل ها، گفت: پیروزی را به تو تبریک میگویم و امیدوارم در خوشبختی و سعادت ملت فرانسه کوشا و موفق باشی!

اینها در دنیای خودشان اینگونه برخورد میکنند و ما به طریق اولی باید این گونه باشیم؛ در مواقع شکست مالک نفس بوده حالمان تغییر نکند بلکه از خداوند تبارک و تعالی مسئلتا جوییم که پروردگارا رقیب پیروز را در خدمت به دین و مردم موفق بدار.

مومنین حب و بغض خود را ضایع نمینمایند و علیه او سعایت و شکایتی به راه نمی اندازند تا آبروی او را ببرند و یا خدای ناکرده به خاطر روابط و کانال هایی که سراغ دارند باعث شوند که شخص مورد نظرشان از کار برکنار شود و گرفتار گردد!!

((الا- انبئکم بالمومنین؟ من ائتمنه المومنون علی انفسهم و اموالهم، الا انبئکم بالمسلم؟ من سلم المسلمون من لسانه و یده و المهاجر من هجر السيئات و ترک ما حرم الله، و المون حرام علی المومن ان یظلمه او یخذله او یدفعه رفعه))[\(۱\)](#)

رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند:

((میخواهید مومن را به شما معرفی کنم؟ مومن کسی است که مومنین او را برجان و مال خود امین دانند، می خواهید مسلمان را برای شما معرفی کنم؟ مسلمان کسی است

ص: ۴۹

که مسلمانها از زبان و دستش در امان باشند، و مهاجر کسی است که بدی ها را کنار گذارد حرام خدا را ترک کند و بر مومن حرام است که نسبت به مومن ستم کنند و یا او را ضایع کند و یا پشت سرش بدگویی نماید و یا او را از خود براند.»

ص: ۵۰



از آنجایی که انسان به خود علاقه مفرط دارد، لذا وقتی تعریف او را میکنند بر خود میبالد و مباحثات میکند و گاهی آنقدر مدح و ثنا بالا- میگیرد که امر بر ما مشتبه می شود و خیال میکنیم که واقعا تعریف ها و تجمید ها واقعیت دارد و به طور نا خودآگاه معتاد و مشتاق تعریف و مدح مردم میشویم. تا آنجا که اگر کسی زبان چاپلوسی نداشته باشد مطرود ما خواهد شد.

مسلم هر جامعه ای که به چنین دردی مبتلا شود گرفتار فاجعه خواهد شد و سرانجام زبان انتقاد بسته شده و هیچ شخص دلسوزی حق اظهار نظر نتواند داشت.

مولایمان علی میفرمودند: (( نادانترین مردم، کسی است که فریب سخن ستایشگر چاپلوسی را بخورد که زشت را در نظرش زیبا جلوه میدهد و خیرخواه را منفور او میسازد. (۱) ))

راه درمان درد حب مدح و ثنا بی تفاوتی ما در برابر آنچه مردم از باب تعریف میگویند و همچنین توجه به موارد ذیل:

۱- باور داشتن آنچه را که مدح کننده درباره اش میگوید دروغ است، در نتیجه هیچوقت احساس غرور و عجب نمیکند.

۲- باور داشتن آنچه را که شخص ثنا گو به او نسبت میدهد بدان معتقد نیست بلکه

ص: ۵۱

از روی ترس یا طمع میگوید بنابراین تاثیری بر روان نخواهد گذاشت.

۳- آنچه از صفات و کمالات که وی را بدان ها میستایند اگر در او نباشد در واقع او را به مسخره گرفته اند و اگر در وی هست وابسته و در گرو عاقبت کار است. ((والعاقبه للمتقين)) آیا میتواند بار ایمان و تقوی را به آخر برساند!؟

۴- هرگاه کسی تعریف و تحسینش کرد به یاد عیب ها و نقائص خویش بیفتد و در پیشگاه پروردگار احساس شرمندگی کند و عوض آنکه مدح مداحان باعث غرور و طغیان او شود زبان به استغفار و توبه برای لغزش هایش بگشاید

خوشا آنان که ترک کام کردند\*\*\* به کام عار ننگ از نام کردند

به خلوت انس با جانان گرفتند\*\*\* به عزلت خویش را گمنام کردند

به شوق طاعت و ذوق عبادت\*\*\* شراب معرفت در جام کردند

به حق بستند چشم گوش و دل را\*\*\* محبت را به عرفان رام کردند

به حق پرداختند از خلق رستند\*\*\* به شغل خاص ترک عام کردند

نظر را وقف کار دل نمودند\*\*\* به جان این کار را اتمام کردند

مولایمان علی علیه السلام فرمود: ((حب الاطراء و المدح من اوثق فرص الشيطان)) (۱)

دوست داشتن مدح و ثنای مبالغه آمیز از محکم ترین فرصت های شیطان است.

البته این یک فاجعه برای امت است و سرانجام زبان انتقاد بسته شده و هیچ فرد دلسوزی حق اظهار نظر نخواهد داشت. شک نیست انسان به طور طبیعی علاقه مند است که دیگران تعریف و مدح او را نمایند. زیرا که مدح دلالت بر حشمت و جاه و جلال ممدوح میکند حشمت و جاه هم چون که زور و قدرت را همراه دارد لذت بخش است.

علاج این درد بی تفاوتی در برابر مدح و ثناء مردم است. اگر باور کنیم که آنچه را که مدح کننده درباره ما میگوید دروغ است دیگر احساس غرور و عجب نمیکنیم و یا باور کنیم آنچه را که شخص ثناگو به ما نسبت میدهد بدان معتقد نیست بلکه از روی

ص: ۵۲

ترس و اجبار و یا چاپلوسی میگوید تاثیری بر ما نخواهد گذاشت، ثانیاً باید متوجه این معنی باشیم که تا مادامی که سر کار پست حساسی نبودیم تعریف و تمجیدی وجود نداشت ولی به محض اینکه به عنوان وزیر و یا وکیل و یا مدیر انتخاب شدیم سیل تیریکات در صفحات اول روزنامه ها سرازیر شد!! مومنین باید بدانند که متملق سلامش مثل سلام گرگ حساب شده و برای روز مباداست.

هروقت تعریف ما را کردند به یاد عیب ها و نواقص خویش بیفتیم و احساس شرمندگی در پیشگاه پروردگار کنیم و زبان به استغفار وا کنیم تا اثرش از بین برود.

امام محمد باقر علیه السلام می فرمودند:

((ان مدحت فلا تفرح و ان ذممت فلا تجزع))<sup>(۱)</sup>

((اگر مدحت کردند شادمان نباش و اگر بدی تو را گفتند آه و ناله براه نینداز))

امام صادق علیه السلام فرمودند:

((لا یصیر العبد عبداً خالصاً لله عزوجل حتی یصیر المدح و الذم عنده سواء))<sup>(۲)</sup>

((بنده به مقام خلوص واقعی نمیرسد مگر آنکه مدح و ذم مردم برایش یکسان باشد.))

و به بیان قرآن کسی که به کارهای نکرده علاقه مند باشد تا مدحش کنند بداند اهل عذاب و دوزخ است.

((لا تحسبن الذین یفرحون بما اتوا و یحبون ان یحمدوا بمالم یفعلوا فلا تحسبنهم بمفازة من العذاب لهم عذاب الیم))<sup>(۳)</sup>

و چقدر جالب امیرالمومنین هشدار می دهد:

((احذر من یطربک بما لیس فیک فیوشک ان نهتک بما لیس فیک))<sup>(۴)</sup>

((دوری بجوی از کسی که ترا به چیزی تعریف می کند و شادمانت می سازد که در تو نیست زیرا بعید نیست که بزودی ترا به چیزی متهم کند که در تو نیست))

ص: ۵۳

۱- کافی ج ۲ ص ۳۵.

۲- کافی ج ۲ ص ۳۵.

۳- سوره آل عمران آیه ۱۸۸.

۴- کافی ج ۲ ص ۳۶.

امیرالمومنین علیه السلام میفرمودند:

((ما جفت الدموع الا لقسوه القلوب و ما قست القلوب الا لكثرة الذنوب))<sup>(۱)</sup>

((چشم‌ها خشک نمیشود مگر به خاطر قساوت قلب‌ها و قلب‌ها قسی نمیگردد مگر به خاطر کثرت گناه))

بنابراین از بیان حضرت مولا نتیجه میگیریم عامل اصلی خشکی چشم گناه است.

خواهی که رسی به کام، بردار دو گام\*\*\*یک گام ز دنیا و دگر گام ز کام

نیکو مثلی شنو ز پیر بسطام\*\*\*از دانه طمع بیر برستی از دام

دانه هرکسی مناسب با وضع روحی اوست و تا مادامی که در دام شیاطین و نفس اماره و بوالهوسی‌ها غوطه ور هستیم حال بکاء و گریه به درگاه حضرت احدیت نخواهیم داشت.

باید دید کار از کجا عیب دارد آبا لقمه حرام و کسب شبه دار باعث خشکی چشم شده و یا بساط معصیت که در خانه گسترده شده است!!

هرکسی خود را خوب می‌شناسد و خوب میفهمد که چه میکند و کجای کارش عیب دارد و به چه علت دیدگانش خشک شده است.

اقبال می‌گوید:

ص: ۵۴

تاک خویش از گریه های نیمه شب سیراب دار\*\*\*کز درون او شعاع آفتاب آید برون

ذره ای بی مایه ای ترسم که تا پیدا شوی\*\*\*پخته تر کن خویش را تا آفتاب آید برون

گاهی باید به چشمهایمان التماس کنیم حداقل به اندازه بال مگسی تر شود شاید رفته رفته از جمودت بیرون آید چند لحظه ای از خوف و خشیت حق و بهتر بگوییم بر احوال زار خویش بگرییم.

حضرت صادق علیه السلام می فرمودند:

((ان لم یجئک البكاء فتباك فان خرج منک مثل الذباب فبغّ بخ))<sup>(۱)</sup>

((اگر چشمانت خشک شد خود را به شکل گریه کنندگان در آور و اگر به اندازه سر مگسی از دیدگانت اشکی غلتید به خود تبریک بگو))

گاهی به افرادی بر می خوریم که افتخار میکنند در تمام عمرشان دلشان نسوخته و اشکشان حتی در فقدان عزیزانشان جاری نشده و یا مشاهده میشود بعضی در ذکر مصائب اهل بیت پیامبر قطره ای اشک نمیریزند. این چنین اشخاصی مطمئن باشند که گرفتار شقاوت شده اند.

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و اله فرمودند:

((من علامات الشقاء جمود العين))<sup>(۲)</sup>

((از نشانه های شقاوت خشکی چشم است))

مرحبا قومی که داد بندگی را داده اند\*\*\*ترک دنیا کرده اند و از همه آزاده اند

طرفه العين نبوده غافل از حضرت لیک\*\*\*سیل ها با این همه از دیده ها بگشاده اند

ص: ۵۵

۱- بحار الانوار ج ۸۳ ص ۱۵۰.

۲- بحار الانوار ج ۹۳ ص ۳۳۴.

ز آب و تاب تب الی الله غسل کرده در جهان\*\*\*روی را بر خاک پای اسجدوا بنهاده اند

ربنا گویند از او لیبک عبدی بشنوند\*\*\*جمله سرمست الست از جرعه این باده اند

پیر انصاری تو میدانی که ایشان کیستند\*\*\*فرقه ای بی کر و فر و زمره بی دل ساده اند

ابودردا، میگوید در تاریکی شب وارد نخلستان شدم صدای ضجه و شیون مردی که بسیار جانسوز گریه میکرد به گوشم خورد. آنقدر لحن مناجاتش گیرا و جذاب بود که مرا به سوی خود جلب کرد ولی وقتی نزدیک شدم دیدم مثل یک چوب خشک روی زمین افتاده است. وقتی بر چهره صاحب صدا نگریستم دیدم که مولایم امیرالمومنین علی علیه السلام است. شتابان خود را به خانه آن حضرت رساندم و اهل آن خانه از وضع آن گرامی با خبر ساختم و گفتم که علی علیه السلام از خوف خدا در نخلستان جان داد!

از داخل خانه پاسخ شنیدم که ابودرداء اشتباه میکنی علی علیه السلام نمرده است، بلکه اغلب شبها از خوف و خشیت الهی تاب نمی آورد.

شب شنیده است مناجات علی\*\*\*جوشش چشمه عشق ازلی

فجر تا سینه آفاق شکافت\*\*\*چشم بیدار علی خفته نیافت

((اخی قلبک بالموعظه)) ((دلت را به موعظه زنده نگه دار))

این نصیحت امام امیرالمومنین علی علیه السلام به فرزندش امام حسن علیه السلام است.

حال ببینیم چگونه دلمردگی با موعظه حل میشود. نخست باید قبول کنیم که همه ما محتاج به موعظه هستیم و هیچ کس نمیتواند احساس بی نیازی کند و بگوید من لبریز شده ام محتاج به پند اندرز دیگران نیستم، چرا که در کشاکش روزگار و اشتغالات مادی که برای همه هست گرفتار غفلت و بی توجهی نسبت به معنویات و تکالیف شرعی میشویم پس به ناچار می باید که گاهی خود را به قرآن که سراسر موعظه و پند است و یا به ائمه اطهار علیهم السلام و رهبران دینی عرضه دهیم و آنها با مواعظ خویش ما را از افسردگی و پژمردگی بیرون آورند.

((یا ابها الناس قد جائتکم موعظه من ربکم و شفاء لما فی الصدور و هدی و رحمه للمومنین)) (۱)

((ای مردم: شما را از پروردگارتان موعظه ای همراه با شفای آن برای مرض ها که در سینه هاست رسیده و هدایت و رحمتی برای مومنان میباشد.))

سیره عملی یاران پیشوایان ما بر این بود که وقتی احساس کدورت و دلمردگی می کردند به محضر امام زمان خویش شرفیاب میشدند و از آن ذوات مقدسه تقاضای

ص: ۵۷

موعظه مینمودند و از آن مهم تر گاهی رسول الله با آن عظمت و جلالت که داشت به جبرائیل میفرمود: ((یا جبرائیل عظمی)) (۱) ((ای جبرئیل مرا موعظه کن))

آری موعظه دل را صفا میبخشد و زنگار دل را پاک کرده و حال نشاط و قدرت حرکت و سیر به سوی کمال به انسان میدهد.

امیرالمومنین علی علیه السلام میفرمودند:

((المواعظ صقال النفوس و جلاء القلوب)) (۲)

((اندرزها و نصایح جانها را پاکیزه میکنند و قلب ها را صفا میبخشند))

سعی ناکرده در این ره به جایی نرسی\*\*\*مزد اگر می طلبی طاعت استاد بیر

اگر دل مرده ها و کسانی که گرفتار افسردگی شده اند هر از چند گاهی خود را در معرض موعظه خوبان قرار دهند قطعاً وضع تغییر خواهد کرد و الا معنا نداشت که خدا به پیامبرش بفرماید: ((و ذکر فان الذکری تنفع المومنین)) (۳)

به اهل ایمان تذکره ، زیرا تذکر و پند مومنان را سود میبخشد تذکر یعنی یاد آوری آنچه در فطرت انسان وجود دارد و انسان از آن غافل است.

ص: ۵۸

---

۱- بحار الانوار ج ۷۳ ص ۸۱.

۲- بحار الانوار ج ۷۳ ص ۹۹.

۳- سوره ذاریات آیه ۵۵.



علاج دنیا دوستی مقداری تفکر و توجه به پایان زندگی است که دنیا پل عبوری بیش نیست و همه در آن میهمان هستیم.

رسول خدا صلی الله علیه و له فرمودند: ((کونوا فی الدنیا اضیافاً))<sup>(۱)</sup>

((در دنیا خود را میهمان بدانید. چگونه میهمان اعتناء و دل بستگی به وسایل و لوازم زندگی صاحبخانه ندارد به همان شکل با دنیا برخورد کنید))

همان گرامی فرمود: ((کن فی الدنیا کانک غریب، او کانک عابر سبیل))<sup>(۲)</sup>

((در دنیا همانند یک بیگانه و یا مثل رهگذر و عابر زندگی کن))

یک بار حضرت جبرئیل به حضرت نوح گفت:

((یا اطول الانبیا عمرا کیف وجدت الدنیا؟ قال: کدار لها بابان دخلت من احدهما و خرجت من الآخر))<sup>(۳)</sup>

((ای بزرگسال ترین پیامبران، دنیا را چگونه یافتی؟ فرمود: مثل یک خانه دو درب از دری وارد شدم و از دری دیگر خارج گردیدم))

حواریون به حضرت عیسی گفتند: ((مالک تمشی علی الماء و نحن لا نقد رعلی ذلک؟ فقال لهم ما منزله الدنیا و الدرهم عندکم؟

ص: ۵۹

---

۱- میزان الحکمه ج ۴ ص ۲۶۲

۲- میزان الحکمه ج ۴ ص ۲۶۲

۳- فروع کافی ج ۶ ص ۱۳۶.

قالوا حسن، قال لکنهما عندی والمدرسواء)) (۱)

((تو چه کرده ای که میتوانی (بدون وسیله) از آب رد شوی ولی ما قادر نیستیم؟

فرمود: قدر و منزلت دینار و درهم نزد شما چگونه است؟

گفتند: خوب و پسندیده، فرمود: اما نزد من بین دینار و درهم و کلوخ تفاوتی نیست))

پیش صاحبنظران ملک سلیمان باد است\*\*\* بلکه آن است سلیمان که ز ملک آزاد است

آنکه گویند که بر آب نهاده است جهان\*\*\* مشنوی خواجه که بنیاد جهان بر باد است

دل بر این پیر زن اشوه گر دهر مبنده\*\*\* کین عروسی است که در عقد بسی داماد است

حاصلی نیست به جز غم به جهان خواجه را\*\*\* خرم آنکس بکلی ز جهان آزاد است

حضرت امیر المومنین علی علیه السلام فرمودند:

((مثل الدنيا ماء البحر كلما شرب منه العطشان ازداد عطشا حتی یقتله)) (۲)

مثل دنیا مثل آب دریاست؛ شخص تشنه هرچه بیشتر بخورد تشنگی او زیادتر میشود تا بالاخره او را میکشد))

راه معالجه و درمان دنیا طلبی و عشق به دنیا نگاه ژرف و عمیق به دنیا است! مولایمان علی در سفارشات آموزنده خود

میفرمود: ((به دنیا، همچون وارهییدگان از دنیا، بنگرید، زیرا که آن بزودی، ماوی گزیده ساکن خود را میراند و بهره مند

آسوده خاطر را دردمند می سازد، به دنیایی که رفته و پشت کرده است امید بازگشت نیست و معلوم نیست در آینده چه روی

خواهد کرد تا منتظرش بود)) (۳)

ص: ۶۰

۱- میزان الحکمه ج ۴ ص ۲۶۳.

۲- میزان الحکمه ج ۴ ص ۲۶۳.

۳- بحار الانوار ج ۷۸ ص ۷۶.

آن سرزنش که کرد ترا دوست حافظا\*\*\*بیش از گلیم خویش مگر پا کشیده ای

راستی اگر هر فردی به آنچه خداوند تبارک و تعالی برایش مقدر کرده قانع باشد و پا از گلیم خویش فراتر نهد آیا همیشه عزیز و سربلند نخواهد بود؟!

((من قنع بالمقسوم استراح من الهم والكد والتعب)) (۱)

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: (( هر کس به آنچه سهم و قسمت اوست، قناعت کند از هم و غم و گدایی و زحمت، راحت خواهد بود))

معمولاً- حرص و طمع به مال اندوزی و زیاده طلبی باعث پذیرش ذلت و زبونی اشخاص میشود اگر برای توسعه دادن به زندگی از این و آن تقاضای مادی کنی در صورتی که طرف کریم النفس باشد عزت و آبرویت خدشه دار و نابود میگردد

از کلمات قصار حضرت علی علیه السلام است که ((لا ذل كذل الطمع)) (۲)

((هیچ ذلتی به اندازه ذلت طمع و چشم دوختن به مال مردم انسان را ضایع نمیکند))

مردی به امام صادق علیه السلام از حال خود شکایت کرد که من در تکاپوی پیدا کردن معاش هستم، به دست هم می آورم ولی نفسم به آن مقدار قانع نمیشود و مرتب میل به بیشتر دارد، چیزی بفرماید تا خود را معالجه کنم و سرکشی نفسم را ثمری بخشد؟

فرمود: (( ان كان ما يكفيك يغنيك فادنى ما فيها يغنيك و ان كان ما يكفيك لا

ص: ۶۱

---

۱- سفینه البحار ج ۲ ص ۴۵۲.

۲- بحار الانوار ج ۷۸ ص ۲۰۵.

یغنیك فكل ما فیها لا یغنیك)) (۱)

((اگر آنچه مخارج ترا کفایت میکنند نفست را بی نیاز کند به کمترین مقدار از دنیا راضی و خرسند خواهی شد ولی اگر به مقدار کفایت نفست راضی نشود، تمام آنچه در دنیاست ترا راضی و بی نیاز نخواهد کرد))

یکی از مصادیق ذلت پذیری زیر بار قرض های سنگین رفتن است.

همان گرامی فرمودند: ((الدین غم باللیل و ذل بالنهار)) (۲)

((زیر بار قرض رفتن غم و غصه در شب و ذلت در روز است))

مقروض وقتی شب در بستر استراحت قرار میگیرد یاد قرض و دین خود می افتد.

غم و اندوه او را فرا میگیرد و ساعت ها بیدار میماند و خوابش نمیرد و روز هم با برخورد طلبکارها شرمنده و خجل و زبون میگردد.

و چقدر زیبا و جالب حضرت امیرالمومنین علی علیه السلام سفارش می کند که:

((و اكرم نفسك عن كل دنیه و ان ساقتك الی الرغائب فانك لن تعترض بما تبذل من نفسك عوضا و لا تكن عبد غیرك و قد جعلك الله حرا)) (۳)

((و گرامی دار خویشتن را از هر زبونی و پستی هر چند ترا به نعمت های بی شمار رساند. زیرا هرگز برابر آنچه از نفس خویش صرف میکنی عوض نخواهی یافت و بنده دیگری مباش که خدا ترا آزاد قرار داده است))

ملا احمد نراقی میفرماید:

تا بکی گه ناز این گه ناز آن\*\*\*محفلم خالی کنید ای دوستان

هر سری را یک هوای دیگر است\*\*\*این من بیچاره را خود یکسر است

یکسر و سودای یک عالم کجا\*\*\*لوحی و صدرنگ ضد هم کجا

چون نشاید جمع این اضداد کرد\*\*\*خویش را باید ز پند آزاد کرد

بند بگسل جان من آزاد شو\*\*\*فارغ از هم بستن اضداد شو

ورنه باشی روز و شب در زیر بار\*\*\*نی ترا کاری گشاید نه از تو کار

١- وافي ج ٢ ص ٣٣٤.

٢- نهج البلاغه نامه ٣١.

٣- نهج البلاغه نامه ٣١.

ناز پرورده تنعم کی برد ره بدوست\*\*\*عاشقی شیوه رندان بلاکش باشد

تن کار ندادن در هر زمینه ای خسران دنیا و آخرت را همراه خواهد داشت و در مقابل ریاضت و قبول زحمت سود دنیا و آخرت را در پی دارد.

علی علیه السلام فرمودند:

((من استدام ریاضه نفسه انتفع))<sup>(۱)</sup>

((هر که به ریاضت دادن خویش ادامه دهد منفعت میبرد))

در امور دنیوی و تهیه وسایل خود و خانواده تلاش و تکاپو رمز موفقیت و نوعی عبادت محسوب میشود.

در امور اخروی و آماده نمودن توشه سفر آخرت نیز جدیت و سعی عامل اصلی سعادت و نیکبختی است.

همان بزرگوار فرمود: ((استفرغ جهدك لمعادك يصلح مثواك))<sup>(۲)</sup>

((جد و کوشش خویش را برای آخرت به کار بند تا جایگاهت نیکو باشد))

قرآن گشایش راه ها و رسیدن به مقصد نهایی و در زمره محسنین شدن را مشروط به تلاش و فعالیت میداند.

((والذین جاهدوا فینا لنهدينهم سبلنا و ان الله لمع المحسنين))<sup>(۳)</sup>

ص: ۶۳

---

۱- کافی ج ۱ ص ۱۹۴.

۲- کافی ج ۱ ص ۱۹۴.

۳- سوره عنکبوت آیه ۶۹.

((كسانی كه در راه ما مجاهدت كرده اند به راه های خویش هدایتشان میكنیم كه خدا با نيكو كاران است))

فتح موصلی میگوید ((با قافله حجاج در بیابان حرکت میكردم مقداری از قافله كناره گرفتم ناگاه در میان بیابان چشمم به پسری افتاد كه تنها میروند، گفتم سبحان الله بیابانی بی آب و گیاه پسری تنها كجا میروند، نزدیک او رفته سلام كردم گفتم اراده كجا دارید؟

گفت به زیارت خانه خدا میروم. گفتم آقای من! شما كه صغیر هستید هنوز تكلیف بر شما واجب نشده؟!)

فرمود: ((یاشیخ ما رایت من هو اصغر سنا منی مات)) ((آیا ندیده ای از من كوچكترها مرده اند))

گفتم زاد و توشه و مركب سواری شما چیست؟ فرمود:

((زادی تقوای و راحتلی رجلاهی و قصدی مولاهی))

((توشه ام تقوای من است مركبم پاهایم و با همین توشه و مركب به سوی مولای خودم میروم))

عرض كردم آقای من شما كه هیچ غذایی همراه ندارید؟ فرمود: اگر شخصی ترا دعوت به خانه خودش بكند شایسته است كه غذای خود را برداری و به خانه او ببری؟ گفتم نه، فرمود آنكسی كه مرا به خانه خود دعوت نموده غذایم نیز خواهد داد. عرض كردم تند بروید تا به قافله برسید. جواب داد بر من لازم است سعی و كوشش و بر اوست كه مرا برساند. نشنیده ای كه خودش میفرماید: ((والذین جاهدوا فینا لنهدینهم سبلنا و ان الله لمع المحسنین)) ((و پس از جدا شدن از آن گرامی و پرسش از مردم متوجه شدم كه آن آقا حضرت زین العابدین علی ابن الحسین علیهما السلام بوده است.)) (۱)

بیاییم از بزرگان دین بیاموزیم و تن به كار دهیم كه از بی عملی كسی به جایی نخواهد رسید.

ص: ۶۴

تا هست غم خودت نبخشایندت\*\*\*تا با تو، تو هست هیچ نمایندت

تا از خود و هر دو کون فارغ نشوی\*\*\*این در مزن خواجه که نگشایندت

امام صادق علیه السلام می فرمود:

شیعیان ما چو خوش مردمی هستند و چقدر نزد خداوند مقرب میباشند و چقدر خوب پروردگار در روز قیامت با آنها معامله میکند. سوگند به خدا اگر مردم بزرگ نشمارند و بعضی بر یکدیگر تفاخر نکنند ملائکه آشکارا بر شیعیان و پیروان ما سلام می کنند))[\(۱\)](#)

این همه لطف و عنایتی که نسبت به شیعیان ابراز شده به خاطر چیست؟ آیا غیر از آن است که اشاره به آن گروه میباشد که وظایف شرعی و اخلاقی خود را به بهترین وجه انجام میدهد و به خود اجازه گستاخی در انجام معاصی و گناهان نمیدهند. همان گرامی فرمودند:

((لاینالوا ولایتنا الا بعمل اورع))[\(۲\)](#)

به ولایت ما نخواهد رسید مگر به پرهیزکاری و عمل.

نه من زبی عملی در جهان ملولم و بس\*\*\*ملالت علما هم ز علم بی عمل است

برای پیشرفت در عمل و استقامت و ثبات قدم در انجام وظایف شرعی و تکالیف الهی توجه به چند نکته لازم است.

۱-دقت و توجه در حالات کسانانی صاحب عمل بودند و در مراتب بالای عمل قدم زدند، زیرا آگاه شدن از جریان حالات ایشان، انسان را به شوق و ذوق می اندازد و امکان ترقی و پیشرفت را در ما سهل و آسان میکند.

۲-توجه به دستورات الهی و آنچه به عنوان احکام دینی برای ما فرستاده و عمل به آنها ثمره آن در زندگی دنیا و جهان آخرت بخوبی مشهود است.

۳-توجه به آنچه خداوند نهی فرموده که باعث میشود از هر ضرر و خطر و ناراحتی محفوظ بمانیم.

ص: ۶۵

---

۱- روضه کافی ص ۳۱۴.

۲- کافی ج ۱ ص ۱۹۴.



۴- عبرت گرفتن از کسانی که بی عمل بودند و عواقب سوء آنها!

۵- پیروی از سیره عملی رسول خدا و اهل بیتش.

مایه خوشدلی آنجاست که دلدار آنجاست\*\*\*میکنم جهد که خود را مگر آنجا فکنم

حافظا تکیه بر ایام چون سهو است و خطا\*\*\*من چرا عشرت امروز به فردا نکنم

ص: ۶۶

درمان ریا به کار میسر و حتمی خواهد بود یکی تمرین و مداومت به اعمال مخفی و دور از چشم خلق و دیگر قانع کردن خود که پس هر کار پسندیده توقع پاداش و مدح و تشکر نداشته باشد.

کسی که با خدای خویش حساب جاری باز کرده باشد مدح و ذم مردم برایش یکسان است چون میدانند جزای پروردگار بالاترین و بهترین است.

رسول الله صلی الله علیه و آله می فرمودند:

((اعظم العباده اجرا اخفاها)) (۱)

((بالاترین عبادت ها از جهت اجر و پاداش آن عبادتی است که در پنهانی انجام گیرد.

حضرت عیسی به حواریون میفرمود: ((وقتی روزه میگیرید موی سر و محاسن خود را روغن بزنید، لبها را چرب کنید تا مردم متوجه نشوند شما روزه هستید. در آن هنگام که با دست راست احسان میکنید آنقدر بی سر و صدا باشد که دست چپ شما متوجه نشود!!)) (۲)

و باز درباره توقع پاداش و ستایش از طرف مردم عرض میکنم که خوب است مقداری اندیشه کنیم که اولاً آیا این دنیا میتواند جایگاه پاداش اعمال ما باشد و یا انسان های محتاج و ضعیف میتوانند جزای اعمال ما را بدهند؟!)

ص: ۶۷

۱- بحارج ۷۰ ص ۲۵۰.

۲- بحارج ۷۵ ص ۳۶.

و ثانيا خدا که بارها فرموده اند به احسن و جه من پاداش اعمال خیر شما را خواهم داد پس چه جای ریاکاری و تظاهر است؟!)

((و لنجزینهم اجرهم باحسن ما کانو یعملون)) (۱)

((محققا پاداش آنها را بهتر از آنچه در دنیا عمل کرده اند خواهیم داد))

((ان الذین آمنوا و عملوا الصالحات و اقاموا الصلوة و اتوا الزکاه لهم اجرهم عند ربهم)) (۲)

((کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده و نماز به پا داشته و زکات داده اند، پاداش آنها نزد پروردگارشان است))

بهر تقدیر کسی که عملش را به قصد قربت و برای خدا انجام میدهد نه از تحسین و اقبال مردم مغرور میشود و نه از تخریب و تکذیب آنها متاثر و ناراحت میگردد.

بستگی دل بغیر دوست زیان است\*\*\*بستن با دوست سود هر دو جهان است

سود و زیان نیست در معامله عشق\*\*\*عاشق صادق بری ز سود و زیان است

در اینجا لازم است به مواردی از مصادیق ریا اشاره شود تا در این رهگذر از نیرنگ شیطان و نفس اماره برحذر باشیم.

شخصی به خاطر روزه و یا جهاد و یا حج به مشقت افتاده رنگ زرد و پریده ای پیدا کرده و ضعف و گرسنگی به او فشار آورده با همین کیفیت در اجتماع حضور مییابد تا رخ زرد و ژولیده خود را به مردم نشان دهد تا مردم بگویند فلانی چقدر غصه اسلام را خورده و یا چقدر برای عبادت و شب زنده داری بی خوابی کشیده که به این صورت درآمد، ای وای که چه زحمت بیهوده و خود را بسختی انداختن است!!

ای بسا کس که عبادت ها کند\*\*\*دل به رضوان و ثواب آن نهد

خود حقیقت معصیت باشد خفی\*\*\*بس کدر، کانرا تو پنداری صفی

خواجه پندارد که طاعت میکند\*\*\*بی خبر کز معصیت جان میکند

از رسول خدا صلی الله علیه و آله سوال شد راه نجات در فردای قیامت چیست؟ فرمود: راه نجات

ص: ۶۸

۱- سوره نحل آیه ۹۷.

۲- سوره بقره آیه ۲۷۷.

آن است که به خدا نیرنگ و خدعه زنید که خدا شما را تلافی خواهد کرد، عرض شد خدعه زدن به خدا چگونه است؟

فرمود: امر الهی را اجرا کند اما برای جلب توجه غیر خدا . بنابراین بترسید از خدا درباره ریا زیرا که: ریا شرک به خداست، بدان که ریاکار در روز قیامت با چهر نام خوانده میشود، ای کافر ، ای فاجر، ای نیرنگ باز، ای زیانکار عمل تو از بین رفت و اجر تو ضایع شد، امروز برای تو نجاتی نیست. بنابراین اجر و پاداش خود را از آن کس مطالبه کن که کار را در دنیا برای او کردی. (۱)

گر ز چشم همه خلق بیفتم سهل است\*\*\*تو مپندار که مخدول تو را ناصر نیست

اشخاصی هستند به قول معروف که نان را به نرخ روز میخورند و شعارشان این است که خواهی نشوی رسوا همرننگ جماعت شو اگر در جماعت زهاد و اهل معرفت شرکت کنند حالت زهد به خود میگیرند احیاناً ریش موقتی میگذارند تا بیگانه با آن جمع نباند و همین افراد اگر در جمع فساق در آیند میگویند محیط ایجاب میکند که لباس فاخر بپوشیم و قیافه عوض کنیم و الا از چشم آنها می افتیم و در واقع هدف اصلی، ریاکاری نسبت به هردو گروه است البته ریا مرضی است که به زودی تشخیص داده نمیشود، به قدری ملموز و مخفیست که درباره اش گفته اند ریا همانند راه رفتن مورچه سیاه در شب تاریک و سیاه روی سنگ سیاه است و بارز ترین مصداق ان به این صورت است که شخص ریاکار مقید است کار خوب خود را جلا و جلوه دهد تا مردم او را تذکیه کنند

امام صادق علیه السلام میفرمایند:

((الرجل يعمل شیئا من الثواب لا یطلب به وجه الله انما یطلب تذکیه الناس یشتهی ان یسمع به الناس فهو الذی اشرك بعباده ربه)) (۲)

((شخصی کاری شایسته ای را انجام میدهد اما نه به خاطر خدا بلکه برای آنکه مردم او را تذکیه کنند و مقدسش خوانند و دوست دارد که عمل خویش به گوش مردم برسد این همان کسی است که شرک در عبادت نموده است

ص: ۶۹

۱- منیه المرید ص ۳۱۸.

۲- سفینه البحار ج ۱ ص ۴۹۹.

دلیل ریاکاری چنین اشخاصی آن است که اگر مطمئن شوند از عمل آنها کسی با خبر نمیشود و تقدیر و تشویقی در بین نیست هرگز کار را انجام نمیدهند و اگر هم گاهی در خلوت انجام بدهند بالاخره در اجتماع برای مردم بازگو میکنند و بارها میگویند تا به حساب خود زحمتشان از بین نرود!

رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود:

((للمرائی ثلث علامات یکسل اذا کان وحده و ینشط اذا کان عنده احد و یحب عن یحمده فی جمیع اموره)) (۱)

((برای ریاکار سه نشانه است:

۱- عمل را در تنهایی و خلوت با کسالت انجام میدهد، در میان مردم با نشاط و سرحال و دوست دارد هرکاری را انجام داد او را ستایش کند.

در مورد دو علامت اول بارها شاهد بوده ایم بعضی در محافل توسل و دعا چون در میان مردم هستند حال بکا و گریه عجیبی دارند دعا را با سورپز و گداز خاصی میخوانند ولی همان دعا را در تنهایی بی حال و با کسالت میخوانند. هنگامی که در خانه و خلوت نماز میخوانند با حذف مستحبات ولی در مجالس و مساجد با اذان و اقامه و قرائت کامل، رکوع و سجود طولانی و با اضافه تعقیبات و مستحبات.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

((ما زاد خشوع الجسد علی ما فی القلب فهو نفاق)) (۲)

((اگر خشوع و تواضع جسم از خشوع در دل بیشتر باشد نزد ما نفاق محسوب میشود))

در مورد علامت سوم هم نباید از مردم توقع ستایش و تشکر را داشت و اگر کار برای خدا انجام شده حتی سرزنش و ملامت مردم عین لطف و شیرین است.

این هم یک نسخه از رسول الله صلی الله علیه و آله درباره وسوسه ریا داشتن:

((هرگاه یکی از شما مشغول نماز بود و شیطان به سراغش آمد و گفت: تو ریا میکنی، تا جایی که میتواند نمازش را طول دهد به شرط آنکه وقت فریضه فوت نشود و اگر مشغول کاری آخرتی بود تا جایی که میتواند آنرا به درازا کشاند و اگر سرگرم کاری دنیوی بود آنرا رها کند.)) (۳)

ص: ۷۰

٢- كافي ج ١ ص ٤٨.

٣- ميزان الحكمه ج ٤ ص ١٩٤٨.

((ان هذه القلوب تستئو كما يستئو الحديد اذا اصابه الماء قيل و ما جلاوها قال كثره ذكر الموت و تلاوه القرآن))<sup>(۱)</sup>

این کلام پیامبر صلی الله علیه و آله است که: دلها مثل آهن در آن هنگام که با آب ملاقات میکنند، زنگ میزند نیز زنگ خواهد زد. عرض شد چگونه میتوان زنگ دل را برطرف کرد. فرمود: به زیاد یاد کردن مرگ و تلاوت قرآن.

این یک امر طبیعی است که در معاشرت ها و برخوردهای اجتماعی و بطور کلی غفلت از خود و خدای خویش، دل مبتلا به زنگ زدگی میشود و علاج آن همانطور که پیامبر گرامی فرمودند به دو چیز است: یاد لحظات حساس مرگ و روی آوردن به قرآن.

در شفا بخشی قرآن جای هیچگونه تایید نیست همچنانکه حضرت علی فرمودند:

((لا تستشفین بغير القرآن فانه من كل داع شفاء))<sup>(۲)</sup>

((از هیچ چیز غیر از قرآن شفا نطلب زیرا به تحقیق، قرآن شفای همه دردهاست.))

همان گرامی میفرمودند: (( و استشفوا بنوره فانه شفاء الصدور.))<sup>(۳)</sup>

((و از قرآن و نورانیت آن طلب شفا کنید که قرآن شفای سینه های بیمار است))

ص: ۷۱

---

۱- کنز العمال ۴۲۱۳۰.

۲- نهج البلاغه خطبه ۱۰۹.

۳- نهج البلاغه خطبه ۱۰۹.

و قرآن حرف آخر را زده که:

((و تنزل من القرآن ما هو شفاء رحمت للمومنین)) (۱)

((و نازل کردیم قرآن را تا شفا و رحمت برای اهل ایمان باشد))

پس غافل از روی آوردن به قرآن نباشیم که تلاوتش دلها را صفا میبخشد و زنگار دل را پاکیزه میکند.

((جلاء هذه القلوب ذكر الله و تلاوت القرآن)) (۲)

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: ((جلا- و صفا دادن به این دل ها به جلا و صفا دادن به این دلها بتوسط یاد خدا و تلاوت قرآن میسر است.))

لاف عشق گله از یار زهی لاف دروغ\*\*\*عشق بازان چنین مستحق حجرانند

زاهد ار رندی حافظ نکند فهم چه شد\*\*\*دیو بگریزد از آن قوم که قرآن خوانند

راه سوم که از نوع بهترین محسوب میشود توبه واقعی از گناهان است. شک نیست که دل و روح انسان در اثر گناه صفا و لطافت خود را از دست میدهد و پرده سیاهی سراسر وجود آدمی را فرا میگیرد. آئینه را ملا-حظه کرده اید که چگونه چهره های زیبای انسانی را با جلوه و جلای خاصی نشان میدهد. حالا الگر بر روی آن گرد و غبار نشست و دچار آلودگی شد دیگر صفا و جلا ندارد و چهره شمار ابه گونه ای دیگر نشان میدهد. دل من و شما همچون آئینه زنگار پذیر است.

وقتی بر گناه افزوده میشود آلودگی و تیرگی دل بیشتر میگردد تا آنجا که روی صفا و سعادت را به خود نخواهد دید.

به هر حال توبه وسیله ای خوب است تا اسنان تیرگی و زنگار را از دل و جاننش بزدايد و صفای باطن پیدا کند.

هست جنت را ز رحمت هشت در\*\*\*یک درش توبه است از آن هشت ای پسر

آن همه گه باز باشد گه فراز\*\*\*و آن در توبه نباشد جز که باز

ص: ۷۲

۱- سوره اسراء آیه ۸۲.

۲- میزان الحکمه ج ۸ ص ۲۴۸.



راه بر طرف کردن سوءظن راضی بودن به خواست پروردگار است و ترک اعتراض درباره آنچه که بامیل ماهمانگ نیست .

دردایره قسمت ،مانقطه تسلیمیم\*\*\*لطف آنچه تواندیشی ،حکم آنچه توفرمایی

نازل ترین مرتبه توکل ورضادادن به درخواست پروردگار آن است که ما به خدای خویش حسن ظن داشته باشیم ،یعنی قبول کنیم که پروردگار برای ما بد نمی خواهد و آنچه را که از مواهب دنیا نصیب ما می کند کم یا زیاده همه براساس خیرومصلحت ماست .

این طریقه ازبین بردن سوءظن نسبت به خداوند تبارک و تعالی است و در مورد بنندگان او خصوصا برادران وخواهران ایمانی موظفیم تا به چیزی یقین نداریم گمان بد نبریم وقضاوت نابجا نکنیم .

حضرت علی علیه السلام فرمودند:

((ایها الناس من عرف من اخیه وثیقه دین وسداد طریق فلا یسمعن فیہ اقاویل الرجال .)) (۱)

((ای مردم هر که برادر دینی خود را شناخت ودانست که در دین محکم واستوار

ص: ۷۳

است و در گفتار و کردار در راه راست قدم می نهد

نباید گفتار مردم را در باه او گوش بدهد.))

بنابراین بسیاری از موارد سوءظن بیجا و ناحق است و اگر کسی بدگمانی عادتش شده باشد که قبل از بیماری سوءظن مبتلا به امراض دیگری از قبیل بخل حسد و کبر و عجب بوده و همانها سوءظن را در وجودش تثبیت کرده اند .

همان گرامی فرمودند ((الشیر لایظن باحد خیرا لانه لایراه الا به طبع نفسه.)) (۱)

انسان بدسرشت شربه هیچ کس ظن خیر ندارد زیرا که همه را باطبع و ذات خبیث خود می نگرد (وبه قول معروف کافر همه را به کیش خود پندارد). پس چنین شخصی قبل از برطرف کردن سوءظن می باید به درمان عوامل تشدید آن بخل و حسد کبر و عجب پردازد.))

جای این هشدار زنده است به بیماران مبتلا به سوءظن که تجربه نشان داده افرادی در اثر دامن زدن به بدگمانی های خویش به مرتبه ای رسیده اند که به مقدسات و اولیاء خدا و وجود نازنین انبیاء و معصومین گمان بدبرده اند و ((ماتوا و وهم کافرون در حال کفر و الحاد مرده اند.))

یک بار رسول خدا صلی الله علیه و آله با همسر خودشان صفیه دختر حنی بن اخطب صحبت مکردند. در این هنگام مردی از انصار از کنار آن گرامی عبور کرد و ظاهرا به طرز خاصی به آن حضرت نگریست. پیامبر صلی الله علیه و آله او را صدا زد و فرمودند ((آی فلانی این زن همسر من صفیه است)) پاسخ داد آیا کسی می تواند به شما غیر خوبی ظن دیگری داشته باشد.

رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند ((شیطان همانند خونی که در رگهای بدن انسان در جریان است در وجود فرزندان آدم جریان دارد. ترسیدم که شیطان در وجود تو نیز داخل شده باشد)) (۲)

روح همچون گشت با شیطان قرین \*\*\* می شود انجام شیطان لعین

ص: ۷۴

۱- غرر الحکم ج ۱ ص ۸۰.

۲- جامع السعادات ج ۱ ص ۲۸۳.

هم بود خود مصدر کفر و نفاق \*\*\* هر فسادى راهم ازوى اشتقاق

با خبر باش اى رفیق هوشیار \*\*\* تا نیاید دست دشمن در حصار

هان وهان زین خادمان غافل نباش \*\*\* غافل از این هادمان دل مباش

امیرالمومنین علی علیه السلام فرمود:

((ضع امر اخیك اخیك علی احسنه حتی یاتیک ما یغلب منه .)) (۱)

((کاربرادردینی خود را حمل به خوبی کن مگر آنکه برای تو بدیش ثابت شود.))

باید توجه داشت که سوءظن نشان دار نیست تا مشخص شود بنابراین باید از هر نوع ظن پرهیز شود و حالت بدگمانی یک نوع میض روحی است که شخص مبتلا به آن را در رنج و عذاب قرار می دهد. بدگمان جایی در جامعه ندارد زیرا جز منفی بافی کاردگری از او ساخته نیست .

((الشیر لایظن باحد خیر الا انه لا یراه الا بطبع نفسی)) (۲)

((انسان شرور به هیچ کس گمان خوب نمیرد زیرا همه را با سرشت بد خویش میبیند.))

ناگفته نماند که در بعضی موارد خوش بین نبود بجاست و نباید ساده لوحی کرد از جمله امام صادق علیه السلام میفرمود ((اذا کان الزمان زمان جور و اهله اهل غدر فالطمأنینه الی کل احد عجز)) (۳)

هرگاه روزگار روزگارستم باشد و مردمش اهل نیرنگ اطمینان کردن به هر کسی در ماندگی است .

مولایمان علی علیه السلام در منشور جاویدش به مالک اشتر نوشت : بعد از صلح با دشمنان از او سخت بر حذر باش زیرا گاه دشمن خود را به تونزدیک میکند تا غافلگیریت سازد پس دوراندیش و محتاط باش و به دشمن خوش بین مباش . (۴)

ص: ۷۵

۱- وسایل الشیعه ج ۱ ص ۲۴.

۲- غرر الحکم ص ۸۰.

۳- تحف العقول ص ۳۵۷.

۴- نهج البلاغه نامه ۵۳.

بعضی از رذائل اخلاقی یک باره و سریع از بین نمی رود، نیاز به مداومت و تمرین پیدرپی دارد تا انشاءالله در مرور زمان محو نابود گردد.

سوء خلق و بد رفتاری از جمله آنهاست. طریقه معالجه آن به این صورت است که ابتدا شخص بد اخلاق خود را به طور مصنوعی به شکل آدمهای خوش اخلاق در آورد، حرکات و رفتار آنها را تقلید کند پس از آنکه نتیجه خوش خلقی خویش را مشاهده کرد کم کم پی به اشتباه خود برده و در نوع برخوردهای خویش تجدید نظر خواهد کرد.

سفارش حضرت علی علیه السلام را ملاحظه کنید:

((ان لم تکن حلیمًا وتحلم، فانه قل من تشبه بقوم الا اوشک ان یكون منهم.)) (۱)

((اگر بردبار نیستی خود را به بردباری و اداری، که کم میشود کسی خویش را به گروهی مانند او زایشان نشود.))

علاج دیگر سوء خلق توجه به این نکته است که انسان بد اخلاق آنچه را از نقائص و لغزش ها در خود داشته باشد باید رفتاری بروز می دهد و در مقابل انسان خلیق و خوش خلق عیوبش پوشیده است و خوی خوشش مانع آن می شود که آبرو و عزتش از بین برود.

ص: ۷۶

همان بزرگوار فرمودند ((الحلم غطاء ساتر.)) (۱)

((بردباری پرده پوشاننده است.))

از اینها گذشته اگر انسان به خویش علاقه مند است مطمئن باشد که مردم از آدم بد اخلاق بیزارند. در زمان زنده بودنش از او فراری هستند و بعد از مرگش هم حاضر نیستند برایش طلب مغفرت و بخشش بنمایند.

به همین دلیل همان والا مقام فرمودند :

((خالطوا الناس مخالطه ان متم معها بک علیکم وان عشتم حنوا الیکم.)) (۲)

((با مردم چنان معاشرت کنید که اگر در آن حال مردید بر شما بگریند و اگر زنده ماندید خواهان معاشرت با شما باشند.))

و از جهت ثواب اخروی و جنبه های معنوی امام محمد باقر علیه السلام فرمودند ((تبسم الرجل فی وجه اخیه حسنه و صرف القذی عنه حسنه و ما عبد الله بشیء احب الی الله من ادخال السرور علی المومن.)) (۳)

((خندیدن مسلمان بر روی برادر دینی پاداش نیکو دارد و همچنین چشم پوشی از لغزش او پاداش نیکو دارد، و محبوبترین چیزی که خداوند بدان عبادت میشود داخل کردن سرور و شادی در قلب مومن است.))

گاه دیده شده که بعضی از جمله عقب افتادگان به حساب می آیند و همیشه در حال رکود و شکست هستند، بدون شک اغلب این افراد بد اخلاق و بد رفتار نسبت به مردم جامعه هستند و در نتیجه به قول معروف بخت خود را سیاه کرده اند.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

((البر و حسن الخلق یمران الدیار و یریدان فی الاعمال.)) (۴)

((نیکی و خوش اخلاقی با مردم شهرها را آباد و عمرها را زیاد می کند.))

بطور مستقیم همان طور که هر انسان به خود علاقه مند است نیز دوست دارد که مردم هم به او اظهار محبت کنند ولی چیزی که هست بعضی راه واقعی برای رسیدن به

ص: ۷۷

۱- نهج البلاغه حکم و مواظب ۱۹۸.

۲- اصول کافی ج ۲ ص ۱۱۸.

۳- اصول کافی ج ۲ ص ۱۱۸.

۴- وسایل الشیعه ج ۲ ص ۴۷۵.

این خواست را گم کرده اند، عده ای پول و ثروت را طریق رسیدن به این هدف می دانند و بعضی پست و مقام، راملی هیچ کدام راه واقعی نیست بلکه فقط فقط سبک رفتار و کردار ما با مردم است که سبب حکومت بر دلها میشود.

اگر واقعا میخواهیم جای ما در دل مردم باشد، باید خلق نیکو، زبان ملایم و برداشت صادقانه در برابر خلق خدا داشته باشیم. مردی به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض کرد به من بیاموز که کاری کنم مردم مرا دوست داشته باشند. فرمود: با آنها به نیکی رفتار کن و از آنچه در اختیار دارند خود را بی نیاز نشان بده. (۱)

اینک به نمونه هایی از اخلاق خوب در زبان دعا از امام سجاد علیه السلام در دعای ارزشمند مکارم الاخلاق توجه فرمایید:

((خدایا بر محمد و آلش درود فرست، مرا به زیور صالحین زینت بخش، لباس پرهیزکاران را در برم کن که نشانه هایش عبارتند از عدالت گستری، عصبانی نشدن، الفت داددن بین مردم و اصلاح میان آنها، خوبی هایشان را آشکار و بدی هایشان را پوشاندن، فروتنی و خوش رفتاری با آنان، پرهیز از کبر و خوشی خلق و از خود گذشتگی و گذشت و ترک سرزنش مردم، کم شمردن کارهای خوبم و زیاد شمردن کارهای بدم و همه را با اطاعت و بندگی خودت کامل فرما!!))

ص: ۷۸

اسلام دین اعتدال و موافق با فطرت است، یکی از مواردی را که تاکید در کنترل و پرهیز از افراط و تفریط آن دارد شهوت جنسی است. برای آنکه انسان نیازمند به دفع شهوت است، راه‌های اصولی و شرعی پیش پای وی گذاشته و از هر آنچه که عقل را زایل و فساد را دامن می‌زند جلوگیری نموده است.

حالا اگر برای کسی خصوصا بعد از دوران بلوغ و جوانی ازدواج و طریقه مشروع اذفاع شهوت مقدور نبود علاج آن مواظبت از خوردنی‌ها و گاهی امساک و روزه است که در این صورت شهوت جنسی تعدیل و خطر افتادن در گناه رفع خواهد شد رسول گرامی صلی الله علیه و آله میفرمودند:

((معاشر الشباب علیکم بالبأه فمن لم یستطع فعلیه بالصوم فان الصوم له و جاء))<sup>(۱)</sup>

((ای گروه جوانان بر شما باد به ازدواج پس هرکس توانایی آن را ندارد؛ به روزه داری رو کند که روزه علاج آن است))

و در مورد میانسال‌ها و بزرگسال‌ها علاج شهوت جنسی توجه به دو نکته ضروری است. اول به خانه قبر و دوم به زوال لذت‌ها.

در مورد اول روایت شده که: ((اوحی الله تعالی الی موسی علیه السلام: اذکر

ص: ۷۹

انك ساكن القبر فيمنعك ذلك عن كثير من الشهوات)) (۱)

((خداوند تبارك و تعالی به حضرت موسی وحی فرستاد: متذکر این معنا باش که تو بالاخره ساکن قبر خواهی شد، همین تذکر به خود تو را مانع از افراط در شهوترانی میگرددد.))

در مورد دوم حضرت امیرالمومنین علی علیه السلام میفرماید: (( اذکر مع کل لذه زوالها و مع کل نعمه انتقالها و مع کل بلیه مشفها فان ذلك ابقى للنعمه و انفی للشهوه)) (۲)

((با هر لذتی نابودیش و با هر نعمتی رفتنش را و با هر بلایی برطرف شدنش را متذکر و متوجه باش که این کار نعمت را نگهدارنده تر و شهوت را دورکننده تر میگرداند))

از این درمان هم نباید غافل بود که در هنگام طغیان شهوت از روی صدق و راستی انسان خود را به خداوند تبارک و تعالی بسپارد هم چنان که یوسف صدیق خود را به پروردگار سپرد و از ورطه خطرناکی رهایی یافت.

((و ما ابرء نفسی ان النفس لاماره بالسوء الا ما رحم ربی)) (۳)

من خود را تبرئه نمیکنم، زیرا که این نفس پیوسته به گناهان فرمان میدهد مگر آن که پروردگار رحم کند.

جوانان عزیز و گرامی اگر از این درمان استفاده کنند به طور قطع خداوند یاریشان میکند و شرایطی به وجود می آورد تا ایمان و تقوایشان حفظ شود.

مولایمان علی علیه السلام در سه جای نامه خود به فرزندش امام حسن علیه السلام او را به همین امر مهم یادآوری میفرماید: ((و أَلجئ نفسک فی امورک کلها الی الهک)) در تمام کارهایت خود را به خدای خویش بسپار. ((فاعتصم بالذی خلقک و رزقک و سواک)) به خدایی که ترا خلق کرده و روزیت داده و کارت را سامان داده اعتصام نما ((و اوثق سبب اخذت به، سبب بینک و بین الله سبحانه)) مطمئن ترین وسیله ای که می توانی بدان چنگ زنی سبب و وسیله ای است که بین تو و خداوند سبحان می باشد. (۴)

ص: ۸۰

۱- محجه البیضاء، ج ۵، ص ۱۷۹.

۲- غررالحکم، ص ۱۲۶.

۳- یوسف، ۵۳.

۴- نامه ۳۱



بر اساس آیات و روایات ظلم ام لردائل محسوب میشود چرا که اکثر مفسد اجتماعی و فردی از ظلم نشات میگیرد و در تقسیم بندی ظلم به سه نوع ظلم اشاره شده؛ ظلم به خدا، ظلم به مردم و ظلم به نفس که البته دوتای اولی هم منجر به ظلم نفس خواهد شد چنان که پروردگار متعال میفرماید:

((و ما ظلمونا ولكن كانوا انفسهم يظلمون)) (۱)

((به ما ستم نکردند بلکه به خودشان ستم کردند))

دوستان خدا با الهام از بیانات و رهنمودهای قرآنی و اهل بیت در ستیز با کسانی هستند که به جان مردم افتاده اند و حقوق ضعیفان و مستمندان را پایمال کرده و در مقام استثمار و زورگویی به طبقه محروم جامعه هستند.

باید کلام محکم و قاطع امام باقر علیه السلام را به گوش جان سپرد که میفرمود:

((اما انه ما ظفر احد بخير من ظفر بالظلم اما ان المظلوم ياخذ من دين الظالم اكثر مما ياخذ الظالم من مال المظلوم)) (۲)

((آگاه باشید که فتح و پیروزی برای کسی نیست که از راه ستم به پیروزی نائل گردد.

((متوجه باشید که دریافت مظلوم از دین ظالم بیشتر از آن است که ظالم از مال مظلوم به دست می آورد))

ص: ۸۱

---

۱- سوره بقره آیه ۷۵.

۲- بحار ج ۷۵ ص ۳۱۱.

امیر المومنین علی علیه السلام فرمودند:

((یوم العدل علی الظالم من اشد یوم الجور علی المظلوم)) (۱)

((روز دادخواهی بر ستمگر سخت تر است از روزی که بر ستم کشیده ستم شده))

مومنین لحظه ای با ظالم کنار نخواهند آمد تا آتش ننگ و رسوایی او دامنشان را بگیرد، هر کجا ظالمی را ببیند با او خصم و هر کجا مظلومی را ببیند به او عون و یاورند.

چون که آنها اهل قرآند و خوب میدانند که خداوند تبارک و تعالی چقدر از ظالم بیزار است.

((والله لایهدی القوم الظالمین، والله لا یحب الظالمین، انه لا یفلح الظالمون)) (۲)

آنها خیلی خوب به نتیجه ظلم واقف شده اند و معتقد به این معنا هستند که ظالم ثمره ظلم خود را در همین دنیا خواهد دید، به همین جهت به خود اجازه نمیدهند از حق خویش تجاوز کنند و به حقوق دیگران تعدی نمایند.

آنها باور دارند که قصاص و تلافی در آخرت سخت و دشوار خواهد بود، قصاص آنجا با ضخم کارد ها و زدن تازیانه ها نیست ولی قصاص است که زخم و تازیانه نزد آن کوچک شمرده میشود.

روز قیامت روز آرامش مظلوم و روز رنج و تعب ظالم است

روز مظلوم اگر تیره و گر مشنوم است\*\*\*روز ظالم به یقین تیره تر از مظلوم است

مردان خدا به همان نسبت که با ظالمان در ستیزند حامی مظلومان و محرومانند، چرا که سفارشات مولای خود را از یاد نمیبرند که چند بار طبقه سفلی و پایین و رنج کشیده جامعه را به وی گوشزد میکنند. همان کسانی که به خاطر عزت نفس، نیاز خود را اظهار نمیکنند و یا آنقدر بی دست و پا هستند که قدرت اظهار تقاضای مادی خویش را ندارند و پیدا است که تاکید حضرت علی بدین منظور است که یک وقت نشان داران اهل ایمان در اثر اشتغالات سیاسی و مسائلی که در اطرافشان میگذرد گرفتار

ص: ۸۲

۱- نهج البلاغه حکم و مواظ ۳۳۴.

۲- توبه و آل عمران ۵۷ و قصص ۳۷.

غفلت از این طبقه محروم و مظلوم نشوند.

همان گرامی خطاب به خویش می فرمود:

((چه دور است که خواهش نفسانی بر من چیره شود و حرص بسیار مرا به برگزیدن غذاهای رنگارنگ وا دارد، در حالی که شاید در حجاز یا یمامه کسی باشد که به قرص نانی نیازمند باشد! هیئات که من با شکم سیر بخوابم در حالی که پیرامونم شکم های گرسنه و جگرهای گرم از تشنگی به سر برند!!!))

((آیا من می توانم تنها به این خرسند باشم که مرا زمامدار مؤمنان خطاب کنند، در صورتی که در سختی های روزگار با آنان شریک و همدرد و در بهره وری از تلخکامی های پیشوای آنان نباشم.)) (۱)

آن عزیزان حزب الهی که کار اجرایی دارند در هر پست و مقامی که هستند باید از تفرعن و تعین در رفتار و گفتار و پندار منزّه باشند. زیرا تجمل در مسایل زندگی و داشتن خدم و حشم و پابندی به تشریفات و مراسم فریبای چشم و گوش پرکن که امروزه در زندگی پر خرج و عریض و طویل سران و دولت های جهان خصوصا به هنگام ملاقات ها، جشن ها، بازدیدها معمول است از جمله اعمالی است که دل افراد محروم و مظلوم را به درد می آورد و غم حقارت و مسکنت در قلوب آن ها تشدید می کند.

این کلام امیرالمومنین علی علیه السلام است که ((إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى فَرَضَ عَلَى الْإِثْمَةِ الْعَدْلَ أَنْ يَقْدِرُوا أَنْفُسَهُمْ بضعفه الناس كيلا يتبع بالفقير فقره)) (۲)

خداوند تبارک و تعالی بر رهبران دادگر واجب فرموده است که خود را با مردمان تنگدست برابر نهند، تا این که فقیر و تنگدست را پریشانی بر او فشار نیاورد و نگران نسازد.

ص: ۸۳

---

۱- ۱. المهدی، ص ۱۸۲.

۲- ۲. المهدی، ص ۱۸۲.

مکتب ما به وفای عهد ارزش خاصی قائل است و آن بدین جهت است که جامعه بدون پابندی به تعهدات قادر به سرپا ایستادن نیست

وفا عامل اطمینان مردم به یکدیگر میباشد. اگر ملتی و یا دولتی قول و قراری بدهند و به وعده های خود عمل نکنند جز این که حس همکاری از بین برود و آن ملت اعتمادش از دولت سلب شود نتیجه ای دیگر نخواهد داشت.

امیرالمومنین علی علیه السلام فرمودند: ((ان الوفاء بالعهد من علامات اهل الدین))<sup>(۱)</sup>

((وفای به عهد و پیمان از نشانه های مردم دین دار است))

نظامی گوید:

دست وفا در کمر عهد کن\*\*\*تا نشوی عهد شکن جهد کن

نیست بر مردم صاحب نظر\*\*\*خصلتی از عهد پسندیده تر

تخم ادب چیست وفا کاشتن\*\*\*حق وفا چیست نگه داشتن

جهد در آن کن که وفا را شوی\*\*\*خود نپرستی و خدا را شوی

خاکدلی شو که وفایی دروست\*\*\*وز گل انصاف گیاهی دروست

هر هنری کان ز دل آموختند\*\*\*پرده منسوج وفا دوختند

ص: ۸۴

میل کسی کن که وفایت کند\*\*\*جان، هدف تیر بلایت کند

((عده المومن من اخاه لا كفاره له)) (۱)

امام صادق علیه السلام فرمودند:

((وعده دادن مومن به برادر ایمانی اش نذری است که کفاره ندارد. در قرآن کریم چهل و شش مورد از عهد و پیمان سخن به میان آمده تا آنجا که خداوند تبارک و تعالی وفای به عهد نمودن خود را مشروط به عمل کردن بندگانش به عهدهایشان قرار داده است.))

((اوفوا بعهدی اوف بعهدکم)) (۲)

((اساساً شخصیت معنوی هر فرد خصوصاً مومنین گرو وفای به قول و قرارهایشان است و این خود از عوامل مهم محبوبیت و پیشرفت سیاسی انسان ها به حساب می آید و برعکس عهدشکنی و عدم پایبندی به تعهدات باعث بی اعتباری خواهد شد.

حضرت صادق علیه السلام فرمودند:

((ثلاثه لا عذر لاحد فیها، اداء الامانه الی البر و الفاجر و الوفاء للبر و الفاجر و بر الوالدین برین کانا او فاجرین)) (۳)

((عذر هیچکس درباره سه موضوع پذیرفته نیست: اداء امانت، وفای به عهد، نیکی به پدر و مادر، خواه نیکوکار باشند و یا بدکار))

ابی مالک میگوید به امام سجاد علیه السلام عرض کردم مرا به تمامی شرایع دین آشنا کن؟

ص: ۸۵

۱- کافی ج ۲ ص ۳۶.

۲- سوره بقره آیه ۴۰.

۳- کافی ج ۲ ص ۳۵.

فرمود: ((قول الحق و الحكم بالعدل والوفاء بالعهد))

((سخن حق، حكم كردن به عدالت و وفای به عهد))[\(۱\)](#)

ص: ۸۶

---

۱- تحف العقول.

عیب رندان مکن ای زاهد پاکیزه سرشت\*\*\* که گناه دگران بر تو نخواهند نوشت

من اگر نیکم و گرد تو برو خود را باش\*\*\* هر کسی آن درود عاقبت کار که کشت

علاج عادت به غیبت و عیب جویی دیگران گاهی به مراجعه به عیوب خود میسر است و گاهی توجه به مفسد فردی و اجتماعی آن ممکن خواهد بود. این چند کلام ارزشمند از حضرت امیرالمومنین علی علیه السلام است که طریقه معالجه روحیه عیب جویی را تبیین می فرماید:

((یا عبدالله لا تعجل فی عیب احد بذنبه فلعله مغفور له، و لا تامن علی نفسک صغیر معیه فلعلک معذب علیه)) (۱)

((من بدء یعیوب الناس فلیبدء بنفسه)) (۲)

((ایاک ان تکون علی الناس طاعنا و لنفسک مداهنا)) (۳)

((شرالناس من کان متتبعا لعیوب الناس عمیا لمعایبه)) (۴)

((ای بنده خدا در عیب گرفتن از دیگران شتاب نکن شاید مورد عفو پروردگار قرار گرفته باشد، و از لغزش های خودت در امان نباش، شاید بدان ها معذب شوی))

((هرکس بنا دارد به عیوب مردم پردازد ابتدا از خودش شروع کند))

ص: ۸۷

۱- بحار ج ۷۵ ص ۳۱۵.

۲- غررالحکم.

۳- مجموعه ورام ج ۲ ص ۲۷.

۴- وسایل ج ۸ ص ۶۰۶.

((بیرهیز از این که خرده گیر و عیب تراش مردم باشی ولی خطاهای خود را روغن مالی کنی و به حساب نیاوری))

به عیب خویش اگر راه بردمی صائب\*\*\*به عیبجویی مردم چکار داشتمی

در جهان آخرت هم وضع اینگونه است که امام محمد باقر علیه السلام می فرمایند: ((در روز قیامت عده ای را میاورند در حالی که برای خود هیچ کار خوبی نمیابند)) آنگاه میگویند

((الهناء و سیدنا ما فعلت حساتنا فيقول الله عزوجل اكلتها الغيبة فان الغيبة لتاكل الحسنات كما تاكل النار الحطب))[\(۱\)](#)

((ای پروردگار ما و ای آقای ما پس حسنات و کارهای خوب ما چه شد؟ خطاب میرسد که غیبت آنها را بلعید، زیرا که غیبت حسنات را میخورد همانطور که آتش هیزم را از بین میبرد))

بله غیبت مثل بیماری خوره که تن را میخورد، ایمان و همه صفات شایسته را میخورد، با هر غیبتی مقداری از ایمان کم میشود و با چندبار غیبت همه ایمان نابود میگردد.

ولی از آنجا که دین مبین اسلام راه بن بست ندارد و همیشه علاج و درمان دردها را ارائه می دهد، راه عملی خوبی را برای از بین بردن این گناه نشان میدهد.

ص: ۸۸



از پیامبر صلی الله علیه و آله سوال شد: ((ما كفاره الاغتياب؟ قال تستغفر الله لمن اغتبه كلما ذكرته)) (۱)

از رسول خدا صلی الله علیه و آله سوال شد:

((كفاره غيبت دیگران چیست؟ فرمود: هر وقت به یاد کسی که غیبتش را کرده افتاد برایش از جانب پروردگار طلب مغفرت کند))

در اینجا جای تذکر این نکته ضروری است که اشخاصی که در مجلس غیبت و عیبجویی حضور دارند موظفند مانع گفتار و رفتار اهل غیبت شوند.

همان گرامی فرمودند:

((من رد ان اخيه غيبه سمعها في مجلس رد الله عنه الف باب من الشرف في الدنيا و الاخره)) (۲)

((هرکسی غیبتی را در مجلسی از برادر ایمانی اش بشنود و آن را رد کند و به دفاع از شخص غائب برخیزد، خداوند هزار باب شر را در دنیا و آخرت از او دفع و دور خواهد کرد.))

از مسایل اختلافی و اجماعی بین علماء اسلام حرمت و گناه بودن غیبت است و در بعضی از روایات جزء گناهان کبیره شمرده شده است. در قرآن به طور روشن و آشکار عمل غیبت نهی شده و غیبت کننده را به شخصی تشبیه می کند که گوشت برادرش را در حالت مردگی میخورد.

((وَلَا يَغْتَبِ بَعْضُكُمْ بَعْضًا أَيُّحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ)) (۳)

غیبت از صفات رذیله دیگر از قبیل کینه، حسد و تکبر کمک می گیرد و انسان غیبت کننده باطنش فاسد و آلوده می شود و ظاهرش هم تلخ و زبانش هم گزنده خواهد شد.

علت این همه پافشاری قرآن و رسول خدا در مذمت غیبت به خاطر مفسد فردی و اجتماعی آن است. چون غیبت هدف بزرگ شارع اسلام را به هم میزند. هدف شارع مقدس این بوده که مردم با هم متحد و هماهنگ باشند و راه واحدی را پیش

ص: ۸۹

۱- مستدرک ج ۱ ص ۱۵.

۲- تحف العقول ص ۱۸.

۳- سوره حجرات آیه ۱۲.

بگیرند و روح آزادی برای کسب مکارم اخلاقی را داشته باشند.

حضرت صادق علیه السلام فرمودند: ((کسی که درباره مسلمانی چیزی بگوید که چشمش دیده یا گوشش شنیده باشد در زمره کسانی است که خدا فرمود:

((ان الذین یحبون ان تشیع الفاحشه فی الذین آمنوا لهم عذاب الیم))<sup>(۱)</sup>

((کسانی که دوست دارند که فحشا را میان مسلمانان شیوع دهند شکنجه ای دردناک بر آنها خواهد بود))<sup>(۲)</sup>

اسباب و عللی که باعث غیبت میشوند از این قبیل هستند:

۱- فرو نشاندن خشم و غضب: در هنگام عصبانیت بخصوص کسی که دین و تقوای درستی ندارد مشغول بیان بدی ها و برشمردن زشتی های طرف مقابل می گردد تا عقده دل باز کند و خشم خود را فرو نشاند.

۲- یاری دوستان: برای آن که موافقت دوستان را به خود جلب کند و موجبات خرسندی آنها را فراهم سازد، غیبت میکند و با این کار دل رفقا و دوستان را بدست می آورد.

۳- قبول خبر بدون تحقیق: گاهی اشخاص مغرض و فتنه جو برای انسان خبر دروغی را نقل میکنند که فلانی درباره تو چنین و چنان گفته است، ماهم بدون تحقیق و بررسی برای آن که خود را متزه کنیم پیش دستی کرده و شروع به ذکر بدی ها و زشتی های او می کنیم تا او را از چشم مردم بیاندازیم.

۴- تهمت و افتراء: مواردی اتفاق می افتد که انسان مورد تهمت و افتراء قرار می گیرد عوض آن که از خود دفاع کند و برای تبرئه ساختن دلیل بیاورد نام دیگری را به میان می آورد و از او غیبت میکند.

۵- سوءظن: رابطه سوءظن با غیبت خیلی نزدیک است، نوعاً اشخاصی که کارهای برادران و خواهران ایمانی خود را حمل به صحت نمی کنند گرفتار غیبت می شوند.

ص: ۹۰

۱- سوره نور آیه ۱۸.

۲- کافی ج ۲ ص ۳۵۷.

۶- حسد: خداوند به افرادی بنا بر مصالح خویش نعماتی را عنایت فرموده، غیبت کننده برای آنکه ناراحت است و از داشتن نعمت های الهی برای طرف مقابل رشک می برد، می خواهد با غیبت کردن او را ضایع کند و آبرویش را ببرد.

۷- مسخره و استهزاء: بعضی از اشخاص اهل مزاح و خوشمزگی هستند، البته مزاح و شوخی در اسلام ممنوع نیست و حتی درباره رسول خدا صلی الله علیه و آله است که ایشان مزاح و شوخی می کردند ولی از حق تجاوز نمی نمودند، شوخی غیر حق آلوده به دروغ و غیبت است و یکی از موارد آن مثل است که چیزهایی درباره شخص غائب به صورت تقلید و نمایش بگویند تا مردم بخندند.

مواردی که غیبت کردن جایز است عبارت میباشد از :

- ۱- در هنگام تظلم کردن، یعنی اگر به کسی ظلم شود برای اثبات حق خویش غیبت ظالم جایز است
- ۲- اظهار عیوب فقط به قصد امر به معروف و نهی از منکر و یا اجرای حد شرعی.
- ۳- اگر کسی محل شور و مشورت قرار گیرد هر عیبی در شخص مورد نظر سراغ دارد عنوان کند.
- ۴- قصد ارشاد مومنی را داشتن که با فاسقی رفاقت دارد و مطلع نیست.
- ۵- اظهار کردن عیوب پنهانی مریض نزد طبیب به جهت معالجه.
- ۶- اظهار عیوب کسی که شاهد و راوی حدیث و اخبار میشود برای فریب نخوردن مردم.
- ۷- در هنگام شهادت دادن
- ۸- غیبت اهل بدعت و رهبران گمراه کننده خلق
- ۹- غیبت کفار و کسانی که مخالف مذهب شیعه اثنی عشری هستند.
- ۱۰- اظهار عیب عالم یا حاکم شرعی که قابلیت فتوی و حکم نداشته باشد.

داروی شفا بخش عجب آن است که نعمات و امتیازات را همه از تفضلات الهی بدانیم و هیچ توفیق و نیکبختی را از آن خود ندانیم. در این صورت اعجاب عالم به علم خود، عابد به عبادتش، زیبا به زیباییش و ثروتمند به ثروتش بی معنی و نادرست است چرا که همه اینها از فضل و کرم پروردگار سرچشمه میگیرد.

نکته دیگر آنکه چون عامل اصلی عجب نادانی است باید معرفت را بالا آورد تا این درد درمان شود.

((سد سبیل العجب بمعرفة النفس)) (۱)

امام باقر علیه السلام میفرمودند (( راه عجب را با شناخت و آگاهی به نفس مسدود کن ))

یعنی وقتی عرفان به خویشتن خویش پیدا کردی و فهمیدی که در ابعاد مادی هیچ نیستی حالت عجب و غرور را در خود خواهی شکست.

((ما لابن آدم والعجب، اوله نطفه مذره و آخره جیفه قذره و هو بین ذلك یحمل العذره)) (۲)

((چه معنی دارد که بنی آدم گرفتار عجب شود در حالی که اولش نطفه نجس و آخرش جیفه عفن و بین این دو مرحله هم حمل کننده نجاسات است!))

و در ابعاد معنوی، روح تو علوی و بالایی است، تو منتسب به الله می باشی، خداوند

ص: ۹۲

---

۱- بحار ج ۷۳ ص ۲۶۴.

۲- غرر الحکم.

تبارک و تعالی درباره تو ((نفخت فیه من روحی)) فرموده پس هرچه هستی از اوایی، مغرور نشو که از خود هیچ چیز نداری!

هرچه دارم از تو دارم خود چه دارم هیچ هیچ\*\*\*نیستم من جز بدی مستغرق احسان تو

فیض را حد ثنایت نیست مقدورش بدار\*\*\*کیست او یا چیست او تا دم زند در شان تو

همان گرامی در وصف علاج شده ها از عجب و خودستایی میفرماید:

((ان لله عبادا... لا- يستکثرون له الكثير ولا- یرضون له من انفسهم بالقلیل، یرون فی انفسهم انهم اشرار، و انهم لا- کیاس و ابرار)) (۱)

((خداوند تبارک و تعالی بندگانی دارد که عبادات و اعمال زیادشان به نظرشان زیاد جلوه نمیکنند و به اعمال و عبادات کم هم راضی نیستند، در درون خود را بدو شر میدانند در حالی که از هوشیاران و نیکان و خوبان هستند))

بلی کلیه خوشبختی و سعادت هر فرد در گرو دوراندیشی و درک صحیح اوست، انسان عاقبت اندیش خوب میدانند که چه به سر مغروران به مال و مقام عالم آمده و سفارش قرآن را نیز آویزه گوش دارد که فرمود:

((فلا یغرنکم الحیوه الدنیا و لا یغرنکم بالله الغرور)) (۲)

((مبادا که زندگی دنیا شما را مغرور سازد، مبادا عفو پروردگار مغرورتان گرداند))

عجب و غرور که عبارت است از تسلیم نفس در برابر هوی و هوس ها، گاهی آنقدر قوی است که باعث میشود بطور کلی خدا و معاد و حساب و کتاب فراموش شده و شخص در دنیای دیگری سیر کند، اینجاست که خداوند تبارک و تعالی یکباره غرورش را می شکند و با یک حرکت همه نعمات را از او میگیرد و به خاک سیاهش می نشاند.

((فلما نسوا ما ذُکروا به فتحنا علیهم ابواب کل شیء حتی اذا فرحوا بما اوتوا

ص: ۹۳

۱- میزان الحکمه ج ۷ ص ۲۲۹.

۲- سوره لقمان آیه ۳۳.

اخذناهم بغته فإذا هم مبلسون)) (۱)

((و همین که آیه هایی را که بدان پندشان داده بودند به فراموشی سپردند، درهای همه چیز را بر آن ها گشودیم و چون به اموال خویش شادمان شدند، ناگهان بگرفتیمشان و یکباره نومید شدند.))

دین باوران میدانند که سرچشمه این غفلت و غرور، فراموش کردن خدا و حساب و کتاب جهان آخرت است زیرا هرکسی متذکر به ذکر حق باشد و بداند از مکر او نا امید نخواهد بود و از تمامی ریز و درشت اعمالش در ایام پس از مرگ بازخواست خواهد شد. هرگز گرفتار مال و غرور و ریاست نخواهد شد چون باور دارد که خداوند با فرعون ها و قارون ها و دیگر مغروران عالم از سلاطین و پادشاهان چه کرد، به همین جهت دست و پای خود را جمع کرده، از مرز دین خارج نمیشود.

آن که در مقام اصلاح خویش است کلام مولایش علی علیه السلام را چون تابلویی در برابر دارد و هر وقت گرفتار غفلت شد بدان مینگرد و درس عبرت میگیرد.

((فیالها حسره علی ذی غفله ان یكون عمره علیه حجه و ان تودیه ایامه الی شقوه نسال الله سبحانه ان یجعلنا و ایاکم من لا تبطره و لا تتقصر به عن طاعه ربه غایه و لا تحل به بعد الموت ندامه و لا کابه)) (۲)

((پس حسرت اندوه بر آن غافل باد که عمرش بر او حجت و دلیل باشد و ایام زندگانی اش او را به بدبختی رساند، از خداوند سبحان درخواست مینمایم که ما و شما را در ردیف کسانی قرار دهد که هیچ نعمتی او را یاغی و سرکش ننماید و هیچ فایده و غرضی او را از عبادت و بندگی پروردگار باز ندارد و بعد از مرگ پشیمانی و اندوه او را در نیابد.

و او می کوشد از این قشر باشد ((إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ هُمُ الَّذِينَ نَظَرُوا إِلَىٰ بَاطِنِ الدُّنْيَا إِذَا نَظَرُوا النَّاسَ إِلَىٰ ظَاهِرِهَا وَاسْتَغْلَوْا بِأَجْلِهَا إِذَا اسْتَغْلَى النَّاسُ بِعَاجِلِهَا.)) (۳)

ص: ۹۴

۱- سوره انعام آیه ۴۴.

۲- نهج البلاغه خطبه ۶۳.

۳- نهج البلاغه حکم و مواظب - ۴۲۴.

((دوستان خدا آنانند که به باطن دنیا بنگرند، هنگامی که مردم به ظاهر آن می نگرند و به پایان آن پردازند هنگامی که مردم به امروز آن می پردازند.))

کسی که خود را از عجب به دور داشته با چشم باطن بین و برزخی باطن دنیا و زرق و برقش را می بیند، به همین دلیل مغرور و مغلوب آن نمی گردد. او مطلع است خسارت هایی که در امور مادی و دنیای انسان اتفاق می افتد قابل جبران و اصلاح پذیر است، ولی ضررهای معنوی و از دست دادن دین و شرف غیر قابل جبران و اصلاح است. به همین جهت با تمام وجود برای حفظ مراتب روحانی و وظایف بندگی خویش تلاش می کند.

بکوش ای دوست خدا را بنده باشی\*\*\* به طوق بندگی زینده باشی

اگر طاعت ترا در زندگی هست\*\*\* یقین دان بنده ای ارزنده باشی

عمل معیار عشق لا یزال است\*\*\* و گرنه عاشقی شرمنده باشی

به طاعت میشوی محبوب الله\*\*\* اگر دل را ز دنیا کنده باشی

خداوند آن زمان یارت بگردد\*\*\* ز خود بگذشته او را بنده باشی

مولایمان علی علیه السلام از راه دلسوزی هنگامی آیه ۶ از سوره مبارکه انفطار ((یا ایها الانسان ما غرک بر بک الکریم)) ای انسان چه چیز تو را به پروردگارت مغرور ساخته، را تلاوت فرمود: خطاب به مردم فرمود: ((این انسانی که مخاطب آیه شریفه قرار گرفته سست ترین دلیل ها را اقامه کرده و او شخص مغروری است که عذرش به هیچ وجه قابل قبول نیست و به نادانی خویش اصرار میورزد و بر خود میبالد.

ای انسان درباره گناهت چه چیز به تو جرات داده؟ و چه چیز باعث شده که بر پروردگارت مغرور شوی؟ و چه چیز سبب شده که در نابود کردن خود مانوس شوی؟ آیا برای دردت دارویی نیست؟ و آیا برای خواب غفلتت بیداری وجود ندارد؟ چرا تو به دیگران رحم میکنی اما به نفس خویش رحم نمیکنی؟... به حق میگویم که دنیا تو را فریب نداده بلکه تو فریفته دنیا شده ای! (۱)

ص: ۹۵

((یا علی لا تغضب فاذا غضبت فاقعد و تفکر فی قدره الرب علی العباد و حمله عنهم)) (۱)

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ((یا علی غضب مکن و اگر غضب به سراغت آمد بنشین و درباره قدرت پروردگار فکر کن که چگونه نسبت به خلاف کاری های بندگانش حلم و بردباری نشان می دهد.

پس علاج خشم و عصبانیت تغییر حالت است اگر ایستاده ای بنشین و اگر نشسته ای برخیز تا شعله آتش غضب فروکش کند.))

((ایما رجل غضب و هو قائم فلیجلس فانه سیدهب عنه رجز الشیطان و ان کان جالسا فلیقم)) (۲)

امام محمد باقر علیه السلام می فرمودند: ((هرکسی که عصبانی میشود اگر ایستاده بنشیند و اگر نشسته به پا خیزد که در این صورت پلیدی شیطان از او برطرف گردد.))

راه دیگر خاموش کردن آتش خشم، سکوت و حرف نزدن است، چون معمولاً در رد و بدل حرف و سخن ها تندی و خشونت بوجود می آید، اگر یک طرف و یا هر دو طرف کوتاه بیایند و دم نزنند و مهر خاموشی بر لب نهند خشم فرو مینشیند نزاع و جدال به پایان میرسد.

ص: ۹۶

---

۱- میزان الحمه ج ۷ ص ۲۲۹.

۲- میزان الحمه ج ۷ ص ۲۲۹.



((داووا الغضب بالصمت)) (۱)

امیرالمومنین علی علیه السلام میفرماید: ((غضب را به توسط سکوت مداوا و علاج کنید))

نسخه شفا بخش سومی هم وجود دارد و آن عبارت است از شستن دست و صورت و بجا آوردن عمل خوب وضو است. و به استدلال جالب پیامبر توجه کنید:

((إِنَّ الْغَضَبَ مِنَ الشَّيْطَانِ وَإِنَّ الشَّيْطَانَ خُلِقَ مِنَ النَّارِ وَإِنَّمَا تُطْفَأُ النَّارُ بِالْمَاءِ فَإِذَا غَضِبَ أَحَدُكُمْ فَلْيَتَوَضَّأْ)) (۲)

به تحقیق غضب و عصبانیت از تحریکات شیطان است، شیطان هم از آتش خلق شده و آتش به توسط آب خاموش می شود بنابراین هرگاه خشمگین و غضبناک شدید وضو بگیرید.

فرو نشانیدن غضب از صفات پسندیده است که اشخاص آراسته و دارای روح بلند دارا هستند، آنهایی که بر هنگام خشم مسلط هستند و بر تعدی و اهانت دیگران تحمل میکنند.

این باید برای ما روشن باشد کسی که به ما بدی میکند در حقیقت بیماری است که شرارت، سلامتی معنوی او را ربوده است پس چه بهتر که ما با گذشت اخلاقی بیماری او را علاج و مداوا کنیم.

((والكاظمين الغيظ و العافين عن الناس والله يحب المحسنين)) (۳)

((پرهیزکاران آنانند که سخت ترین خشم را فرو میبرند و از بدی مردم درگذرند و خداوند نیکو کاران را دوست میدارد))

مردی به نام بیهقی درباره امام سجاد (علیه السلام) می گوید کنیز حضرت آب روی دست او می ریخت تا آماده نماز گردد، ناگهان ظرف آب از دست کنیز افتاد و بر صورت امام اصابت نمود و صورت را مجروح کرد و حضرت سر را بلند کرد، فقالت ان الله يقول والكاظمين الغيظ. کنیز گفت: خداوند میفرماید و کسانی که غیظ خود را فرو می برند،

ص: ۹۷

۱- نورالثقلین ج ۲ ص ۱۱۵.

۲- بحارج ۷۸ ص ۱۱۵.

۳- سوره آل عمران آیه ۱۳۴.

حضرت فرمود: غیظ خود را فرو بردم کنیز گفت: والعافین عن الناس. آنها که از خطای مردم گذشت می کنند، امام فرمود: برو که تو را آزادت نمودم. (۱)

امام صادق علیه السلام می فرمود: (( العفو عند القدرة من سنن المرسلین و المتقین )) (۲)

((گذشت هنگام قدرت شیوه های پیامبران و اهل تقوی است))

ای شهان کشتیم ما خصم برون\*\*\*ماند خصمی زو بتر در اندرون

قدرتی خواهیم ز حق دریا شکاف\*\*\*تا بسوزن بر کنم این کوه قاف

سهل شیری دان که صفها بشکند\*\*\*شیر آن را دان که خود را بشکند

وقتی از حضرت عیسی از ریشه خشم سوال کردند؟ فرمود:

خود بزرگ بینی و گردنفرازی و حقیر شمردن مردم. (۳)

مولایمان علی علیه السلام فرمود: ((تجرع غصص الحلم یطفی نار الغضب)) (۴) اندوه های بردباری را جرعه جرعه نوشیدن، آتش خشم را نابود میکند.

ص: ۹۸

---

۱- المیزان ج ۴ ص ۲۲.

۲- سفینه البحار ج ۲ ص ۳۰۷.

۳- مشکاه الانوار ص ۲۱۹.

۴- غرر الحکم.

مگر ز مدت عمر آنچه مانده دریایی\*\*\*\* که آنچه رفت به غفلت دگر نیاید باز

چنان مکن که به بیچارگی فرومانی\*\*\*\* کنون که چاره بست اندرست چاره بساز

ز عمرت آنچه بازیچه رفت و ضایع شد\*\*\*\* گرت دریغ نیامد، بقیت اندر باز

قبل از هر چیز داروی درد غفلت عبارت است از اهمیت دادن به نمازهای پنجگانه و خصوصاً انجام آنها در اول وقت و هنگام فضیلت آنهاست .

امام محمد باقر علیه السلام فرمودند: هر بنده مومنی که از نمازهای واجب محافظت کند و آنها را در اول وقت و به موقع بخواند در زمره غافلین محسوب نخواهد شد. (۱)

امام صادق (علیه السلام) فرمود: فضل الوقت الاول علی الاخر خیر للمومن من ماله و ولده ((۲)

فضیلت اول وقت بر آخر آن برای مومن، از دارایی و فرزندش بهتر است!

راه دوم برای غفلت حضور در مسجد و پایگاه عبادت است زیرا که مسجد محل ذکر الله و یاد پروردگار می باشد.

ص: ۹۹

---

۱- بحار ج ۸۲ ص ۳۵۹.

۲- بحار ج ۸۲ ص ۳۵۹.

امام حسن مجتبی علیه السلام فرمودند ((الغفله تركك المسجد وطاعتك المفسد))<sup>(۱)</sup>

((غفلت عبارت از ترک کردن و نرفتن به مسجد و اطاعت از مفسد است))

رسول خدا صلی الله علیه و آله میفرماید ((من الف المسجد الفه الله))<sup>(۲)</sup>

((هر کس با مسجد انس و الفت داشته باشد خداوند تبارک و تعالی با او الفت خواهد گرفت))

ناگفته نماند که شیطان و نفس اماره در مسجد هم انسان را رها نمی کنند بنابراین اگر مراقب و مواظب نشود در همان مسجد بعضی غافلند .

((یکون فی آخر الزمان اناس من امتی یاتون المساجد فیقعدون فیها حلقا , ذکرهم الدنیا وحب الدنیا لاتجالسوهم فلیس لله بهم حاجه .))<sup>(۳)</sup>

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

((در آخر الزمان بعضی از امت من به مساجدمی روند و دور هم جمع می شوند ولی ورد و ذکرشان دنیا و علاقه به دنیا است شما با آنها همنشین نشوید و خداوند هم به آنها اعتنایی ندارد))

راه سوم علاج غفلت , یاد مرگ و تنهایی شب اول قبر و سوال نکیر و منکر است .

((لا وجمع اوجع للقلوب من الذنوب و لا خوف اشد من الموت و کفی بما سلف تفکرا و کفی بالموت واعظا .))<sup>(۴)</sup>

((هیچ دردی بر قلبها برتر از درد گناهان نیست و هیچ ترس و وحشتی شدیدتر از وحشت مرگ نمی باشد , کافی است که به گذشته و درگذشتگان فکر کنی و مرگ برای موعظه دادن کفایت می کند!))

ای به غفلت گذرانیده همه عمر عزیز\*\*\*تاچه بودی و چه کردی عملت کو و کدام

ص: ۱۰۰

۱- محجه البیضاء ج ۱ ص ۳۵۸.

۲- کافی ج ۱ ص ۴۵۴.

۳- بحار ج ۷۸ ص ۱۶۴.

۴- بحار ج ۸۳ ص ۳۵۱.

توشه آخرت چیست در این راه دراز\*\*\* که تراموی سفید از اجل آورد پیام

دل گنبد گردنده خون خواره مبند\*\*\* که بسی همچو تودیده است و بیند ایام

وای اگر پرده بیفتد که بس خجلت و شرم\*\*\* همه برجای عرق خون دل آید زمسام

فکر کن که نمانی ز سعادت محروم\*\*\* کار خود ساز که اینجا دوسه روزیست مقام

گفتیم که درک فضیلت نمازهای یومیه حکایت از آن می کند که نماز گزار از جمله غافلین نیست و برای نماز ارزش خاصی قائل است .

وقت اول و فضیلت نماز صبح از طلوع فجر صادق است تا قبل از آن که هوا روشن شود و قرمزی در مشرق هویدا گردد.

وقت فضیلت نماز ظهر از اول ظهر است (ظهر شرعی عبارت است از گذشتن نصف روز، مثلاً اگر روز دوازده ساعت باشد پس از گذشتن شش ساعت از طلوع آفتاب ظهر شرعی است و اگر روز سیزده ساعت باشد پس از گذشتن شش ساعت و نیم از طلوع آفتاب ظهر شرعی است) تا رسیدن سایه به اندازه شاخص .

وقت فضیلت نماز عصر از موقعی است که سایه به اندازه شاخص شده تا موقعی که دو برابر اندازه شاخص شود.

وقت فضیلت نماز مغرب از مغرب است تا موقعی که قرمزی در مغرب از بین برود و کاملاً هوا تاریک شود.

وقت فضیلت نماز عشاء از موقعی است که قرمزی در مغرب از بین برود تا ثلث از شب .

و اینک باردیگر اهمیت نماز اول وقت را از دیدگاه بزرگان دین ملاحظه بفرمایید:

((لاينال شفاعتي غدا من آخر الصلوه المفروضه بعد وقتها.)) (۱)

رسول الله صلى الله عليه و آله :

((شفاعت من در فردای قیامت شامل کسی نمی شود که نماز واجبش را تاخیر بیندازد و آن را در غیر وقتش بخواند.))

ابوبصیر مگوید از امام باقر علیه السلام شنیدم که فرمود:

((ان الصلوه اذا ارتفعت فی اول وقتها رجعت الی صاحبها وهی بیضاء مشرقه تقول: حفظتني حفظك الله, واذ ارتفعت فی غیر وقتها بغیر حدودها رجعت الی صاحبها وهی سوداء مظلمه, تقول: ضيعك الله.)) (۲)

به تحقیق نماز وقتی در اول وقت خوانده شود, بالا می رود و به نزد صاحبش بر می گردد, در حالی که درخشان و نور افشان است. به نماز گزار خطاب میکند: تو مرا حفظ کردی خداوند ترا محافظت نماید, و اگر در غیر وقت فضیلت خوانده شود و حدودش رعایت نگردد به صاحبش رجوع میکند در حالی که سیاه و تاریک است خطاب به نماز گزار میگوید: مرا ضایع کردی خدا ترا ضایع کند. اهل ایمان مقید به نماز اول وقت هستند خصوصا به جماعت چرا که می دانند فضیلت و ثواب نماز جماعت و قدر و منزلت آن بی حد و حساب و تا سرحد و جوب درباره آن سفارش شده است. ((واقیمو الصلوه و آتوا الزکوه و ارکعوا مع الراکعین.)) (۳)

((و نماز را پسا دارید و زکوه را بپردازید و با رکوع کنندگان رکوع کنید.)) اکثر مفسرین معتقدند مراد از ((وارکعوا مع الراکعین)) در آیه امر و فرمان خداوند تبارک و تعالی به نماز جماعت است, یعنی ((صلوا مع المصلین جماعه لافرادا.))

((نماز را فرادا نخوانید, به جماعت بجا آورید.))

اعتبار اهل حقیقت به تقید آنها به نماز جماعت است, چنان که رسول گرامی ص فرمود ((من صلی الخمس فی جماعه فظنوا به خیرا.)) (۴)

ص: ۱۰۲

۱- وسایل الشیعه ج ۵ ص ۳۷۱.

۲- وسایل ج ۵ ص ۳۷۱.

۳- آل عمران/ ۴۳.

۴- فروع کافی ج ۳ ص ۲۷۰.

((کسی که مقید است تا نمازهای پنجگانه اش را به جماعت بخواند به او اطمینان کنید و گمان خیر به او ببرید.))

همان گرامی فرمودند: (( وَ مَنْ مَشَى إِلَى مَسْجِدٍ يَطْلُبُ فِيهِ الْجَمَاعَةَ كَانَ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ سَبْعُونَ أَلْفَ حَسَنَةٍ وَ مَحَاعِنُهُ سَبْعِينَ أَلْفَ سَيِّئَةٍ وَ يَرْفَعُ لَهُ مِنَ الدَّرَجَاتِ مِثْلَ ذَاتِكَ، وَإِنْ مَاتَ وَ هُوَ عَلَى ذَالِكَ وَ كَلَّ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِهِ سَبْعِينَ أَلْفَ مَلَكٍ يُعَوِّدُونَهُ فِي قَبْرِهِ وَ يُؤْنِسُونَهُ فِي وَحْدَتِهِ، وَ يَسْتَغْفِرُونَ لَهُ حَتَّى يُبْعَثَ.)) (۱)

((هر که به طرف مسجد برای اقامه نماز جماعت حرکت کند، به هر قدمی هفتاد هزار حسنه، و ثواب برای او نوشته گردد، و هفتاد هزار گناه و سیئه از او محو و نابود گردد و به همین مقدار درجات وی بالا می رود. و اگر در همین حال بمیرد، خداوند متعال هفتاد هزار فرشته را بر او بگمارد، که او را در قبرش دیدار نمایند. و در تنهایی مونس او باشند، و برای او استغفار می نمایند، تا بر انگیخته شود.))

تقید به نوافل و نماز شب راه دیگری برای خروج از غفلت است.

فضیل میگوید از حضرت امام محمد باقر علیه السلام سوال کردم از آیه ((الذین هم علی صلواتهم یحافظون))، ((کسانی از نمازهایشان محافظت میکنند؟)) فرمود: ((منظور نمازهای واجب است)) و از آیه ((الذین هم علی صلواتهم دائمون))، ((کسانی که بر نمازهایشان ادامه میدهند؟)) ((منظور نمازهای مستحب و نوافل است)) (۲)

البته نوافل را نباید از روی کراهت و مشقت انجام داد بلکه باید از روی ذوق و شوق و با حضور قلب بجا آورد.

رسول الله صلی الله علیه و آله میفرمودند:

((ان للقلوب اقبالا و ادبارا فاذا اقبلت فتفلقوا و اذا ادبرت فعلیکم بالفریضه)) (۳)

((به تحقیق دل ها را میل و بی میلی هست، هرگاه تمایل داشتی نافله بجا آور و هرگاه تمایل نداشتی به واجب اکتفا کن))

ص: ۱۰۳

۱- اسرار الصلوه ص ۲۸۹.

۲- اسرار الصلوه ص ۲۹۰ و ۲۹۱.

۳- اسرار الصلوه ص ۲۹۰ و ۲۹۱.

ناگفته نماند بی میلی به نوافل بدون علت نیست خصوصا که دائمی و مستمر باشد بنابراین باید در مقام تعلیم و تربیت نفس بر آئیم و ببینیم چه باعث شده که از نافلة و مناجات با پروردگار بی میل شده ایم، علت را پیدا کنیم و در پی برطرف کردن مانع برآمده و علاقه و شوق را در خود ایجاد کنیم.

همان گرامی فرمودند: ((افضل الناس من عشق العباده قعانقها و احبها بقلبه))

((با فضیلت ترین مردم کسی است که عاشق عبادت باشد و همچون عاشقی که دست در گردن محبوب می اندازد با آن دست به گردن باشد و از ضمیم قلب آن را دوست بدارد))

شیرینی و طعم انس با پروردگار بر ذائقه اهل دل به قدری است که هیچگاه حاضر نیستند این حلاوت را با چیزی معاوضه کنند.

فحبك راحتى فى كل حين\*\*\*و ذكرك مونسى فى كل حالى

((محبت تو باعث راحت جان من در حال است و یاد و ذکر تو مونس من در هر زمان است))

ایشان پیرو ابراهیم قهرمان توحید هستند که با شنیدن نام محبوبش مست و مخمور محبوب شد و حاضر گردید تمامی اموالش را تقدیم کند.

سبوح قدوس رب الملائكة والروح

سحر گاهی حبیبم یاد من کرد\*\*\*دلم را بهر عشقش امتحان کرد

بفرمود جبرئیل بانگی بر آور\*\*\*به گوشش نام محبوبش سر آور

بناگه بر شنیدم اسم محبوب\*\*\*که میگفتی همی سبوح و قدوس

ز جا برخاستم بینم نداگر\*\*\*که مییاشد که گوید نام دلبر

اگر بار دگر نامش بخوانی\*\*\*همه اموال و احشامم فدایی

((تتجافى جنوبهم عن المضاجع يدعون ربهم خوفا و طمعا و مما رزقناهم



((پهلوهای آنان از بسترها، تهی میشود و از خوابگاه خودشان بر میخیزند)) و پروردگارشان را از روی بیم و امید میخوانند و از آنچه به آنان داده ایم انفاق میکنند))

یکی از اموری که بیدار دلان بدان مقید میباشند سحرخیزی و تهجد و خواندن نماز شب است

مرحوم حاج میرزا آقا ملکی تبریزی که خود نیز از نماز شب خوان های جدی و پرشور بود در کتاب ارزشمند اسرار الصلوه خویش آورده که حضرت صادق فرمودند:

((لیس من شیعتنا من لم یصل صلوه اللیل)) (۲)

((کسی که نماز شب نمی خواند، از شیعیان ما نیست))

شب است و غایبان در خواب نازند\*\*\*شب است و شاهدان اندر نمازند

مشو غافل ز جا برخیز که مرغان\*\*\*سحرخیزند و در راز و نیازند

اگر با اشک چشم شویی دلت را\*\*\*همی بینی ملانک پاکبازند

به سوز دل سکوت شب شکستند\*\*\*به هنگام نیایش چاره سازند

اگر بینی دعاشان مستجاب است\*\*\*سحرخیزند و عمری پیشتازند

ممکن است بوسی ادعا کنند با این همه گرفتاری و مشاغل، دیگر فرصتی برای نماز شب خواندن نیست. این گروه اگر نظم در امور داشته باشند و طبق برنامه در ساعت معین استراحت کنند خود به خود قبل از اذان صبح بیدارند و کافی است یک ماه این برنامه ادامه پیدا کند آنگاه خواهند دید که چگونه با همه مشکلات موفق به این عبادت ملکوتی و روحانی خواهند شد. شاید بسیاری از گرفتاری ها مربوط به ترک نوافل و یاد خدا باشد. همانطور که پروردگار متعال میفرماید: ((و من اعرض عن ذکری فان له معیشه ضنکا)) (هر کس از ذکر و یاد من دوری جوید مطمئنا گرفتار زندگی سخت) و

ص: ۱۰۵

۱- سوره سجده آیه ۱۶.

۲- بحار ج ۸۰ ص ۱۷۶.

از حضرت مولا علی علیه السلام است که :

((طوبی لنفس ادت الی ربها فرضها و عرکت بجنبها بوسها و هجرت فی اللیل غمضها حتی اذا غلب الکرى علیها))<sup>(۱)</sup>

((خوشبخت و سعادت‌مند آن که، واجبات پروردگار خویش را انجام دهد. رنج‌ها را خرد کند. شب هنگام از خواب دوری گزیند. آنگاه که سپاه خواب حمله می‌آورد. دل باختگان حق سحر خیز و اهل نماز شب میباشند زیرا که به کام جانشان حلاوت و شیرینی انس با پروردگار رسیده و این را از سرور شهیدان حضرت حسین بن علی علیهما السلام آموخته‌اند که در پیشگاه خدا عرض میکرد: ((یا من اذاق احبائه حلاوه المؤمنه فقاموا بین یدیه متملقین)) (ای خدایی که به دوستان حلاوت انس را چشانیده‌ای و آنها را به حال تملق کشانیده تا در برابر مهر و محبت تو جهت انجام وظایف بندگی تو به پا میخیزند.))

امام سجاد علیه السلام در مناجات العارفین عرضه میدارد:

((ما اطیب طعم حبک و ما اعذب شرب قربک))

پروردگارا: ((طعم محبت تو چقدر پاکیزه و شراب قرب تو چقدر گواراست))

حب او را بهترین طعم غذاست\*\*\*قرب او بر اهل دل مشکل گشاست

هر که کامش ز عشق او شیرین شود\*\*\*در ههمه احوال ذکرش هو شود

راحت جانش به وقت یاد اوست\*\*\*مونس و یارش به حال ورود اوست

ص: ۱۰۶

((و سقاهم ربهم شرابا طهورا)) (۱)

یارب بریز از می نابت به جام ما\*\*\*برده صفا به دل و جان ما

خود گفته ای که سقا هم شراب طهر\*\*\*تا زنده ایم، ساقی بده سهام ما

از دل ببر غم و مهر غیر خود\*\*\*تا مستعد شود جهت نوش کام ما

در راه انتظار بسی چشم دوخته ایم\*\*\*میسند انتظار و آه صبح و شام ما

یارب بیخشا ز لطف گناه ما\*\*\*در حسرت وصال شهره شده نام ما

ص: ۱۰۷

---

۱- سوره انسان آیه ۲۱.

قساوت به معنای غلظت و سختی دل است که به سنگ سخت و سفت اطلاق میشود. گاهی معالجه آن با ذکر و راز و نیاز در خلوت امکان پذیر است. اگر شخص قسی لحظه هایی را دور از چشم مردم بسر برد و در پیشگاه پروردگار گریه و زاری سر دهد، دل هم هرچه سخت باشد نرم و رقیق خواهد شد و بی شک ثمره خوف و خشیت الهی در خلوت، مهر و رافت نسبت به بندگان خدا در آشکارا خواهد بود))

((تعرض لرقه القلب بكثره الذکر فی الخلوات)) (۱)

امام محمد باقر علیه السلام فرمودند: ((برای بدست آوردن رقت قلب در خلوت ها زیاد به یاد خدا باش))

رسول گرامی صلی الله علیه و آله میفرمودند:

((عودوا قلوبکم الرقه و اکثروا من التفکر و البكاء من خشیه الله)) (۲)

((عادت بدهید دلهایتان را به رقت و نرمی و زیاد اهل تفکر باشید و نیز به درگاه پروردگار زیاد گریه و زاری کنید))

راه عملی دیگر برای از بین بردن مرض قساوت، اطعام و احسان بر مستمندان و ملاطفت با یتام است. یکبار مردی در محضر رسول الله (صلی الله علیه و آله) از قساوت قلب خویش شکایت کرد، آن

ص: ۱۰۸

---

۱- میزان الحکمه ج ۸ ص ۲۴۸.

۲- بحارج ۷۸ ص ۱۰۴.

گرامی فرمود: (( اذا اردت ان يلين قلبك فاطعم المسكين وامسح راس اليتيم. ))<sup>(۱)</sup>

((هرگاه تصمیمی گرفتی که دلت را نرم کنی به بینوایان اطعام کن و بر سر ایتم دست نوازش بکش.))

آری نوازش ها، محبت ها، دلسوزی ها، دستگیری ها، عشق ها و شور ها همگی دل را نرم و ملایم میکنند و بهترین راه عملی برای برطرف کردن قساوت میباشند.

نباید فراموش کرد که اصرار بر گناه سبب قساوت قلب میشود پس چه بهتر که از گناه دوری جویم تا گرفتار سختی قلب نشویم.

رسول خدا صلی الله علیه و آله میفرمود: (( ان المعاصی يستولى بها الخذلان على صاحبها حتى توقعه بما هو اعظم منها ))<sup>(۲)</sup>

به وسیله گناهان خذلان و زبونی بر گنهکار مستولی میشود تا جایی که او را در گناهان بزرگتر می اندازد

((افمن شرح الله قدره للاسلام فهو على نور من ربه فويل للقاسية قلوبهم من ذكر الله اولئك في ضلال مبين))<sup>(۳)</sup>

آیا آن که خداوند دلش را برای اسلام گشوده و به نوری از جانب پروردگارش منور است با مردم تاریک دل یکسان است؟ پس وای بر آنهایی که با دلهای سخت خویش از یاد خدا غافلند. اینها در گمراهی آشکاری هستند.

ص: ۱۰۹

---

۱- بحارج ۷۸ص ۱۰۴.

۲- تنبيه الخواطر ج ۲ص ۱۰۲.

۳- زمر/ ۲۲

مشکل متکبر آن است که معرفت به عظمت و کبریایی پروردگار ندارد و اگر از چنین شناختی برخوردار باشد رفعت و بزرگی رادر خاک بودن و تواضع جستجو میکند.

یکی قطره باران زابری چکید\*\*\*خجل شد چوپهنای دریا بدید

چو خود را به چشم حقارت بدید\*\*\*صدف در کنارش بجان پرورید

بلندی از آن یافت کوپست شد\*\*\*در نیستی کوفت تاهست شد

((لا ینبغی لمن عرف عظمه الله ان یتعاضم فان رفعه دالذین یعلمون عظمه الله ان یتواضعوا)) (۱)

امام حسن مجتبی علیه السلام فرمودند:

((سزاوار نیست کسی که معرفت به عظمت پروردگار پیدا کرده خود بزرگ بین باشد زیرا که رفعت و بزرگی کسانی که آشنای عظمت پروردگارند در تواضع و فروتنی است))

سختی ها و شدائد روزگار کبر شکنی و عامل دیگری جهت معالجه متکبر خواهد بود کسی که گرفتار بیماری کبر است برای شکستن نخوت در خود لازم است کارهای سخت و دشوار و دون شان خود دست بزند، به عنوان مثال کارهایی که ویژه خدمه و افراد پایین دست است انجام دهد و به خویش خطاب کند که این قدر فخر مفروش و خود را بر دیگران برتر مدان، توفیقی با کسانی که این کارهای دشوار را انجام میدهند

ص: ۱۱۰

نداری مگر به تقوی و پاکدامنی بیشتر، بنابراین مقداری از آنچه هستی پایین بیا تا به صفات و ملکات انسانی نائل آیی!

((ولكن الله يختبر عباده بانواع الشدائد ويتعبد هم بانواع المجاهد، يبتليهم بضروب المكاره اخراجا للتكبر من قلوبهم واسكانا للتذلل في انفسهم)) (۱) امیرالمومنین علیه السلام میفرمودند: ((ولكن خداوند تبارک و تعالی بندگانش را به انواع شدائد و سختی ها امتحان میکند و آنها را متعبد به انواع کوششها مینماید و نیز به تلخ و کامی ها و ناگواریها مبتلا یشان میسازد تا آن که کبر را از قلوبشان خارج کرده و تذلل و تواضع را در جانهایشان ساکن گرداند.

در مواقعی که تواناییهای علم یویزیادی اعمال و یا شرافت خانوادگی و زیباییهای اندام و زیادی مال و ثروت باعث کبر شد، هر کدام را میتوان با داروهای ویژه خودش معالجه کرد.

در مورد علم و دانش متوجه این معنا باشد که ممکن است تمام دانستنی هایش حتی در زمان حیات و زنده بودنش از او گرفته شود تا جایی که اسم خودش را هم به یاد نیاورد!

((ومنکم من یرد الی ارذل ال عمر لکیلا یعلم من بعد علم شیئا)) (۲)

((و از شما کسی باشد که پست ترین دوران عمر رسد تا پس از دانستن چیزی نداند)) و همچنین آگاه باشد که لغزش اهل علم از دیگران دیرتر بخشیده خواهد شد.

((یغفر للجاهل سبعون ذنبا قبل ان یغفر للعالم ذنبا واحدا)) (۳)

حضرت صادق علیه السلام فرمودند:

((بر انسان جاهل هفتاد گناه بخشوده میشود، پیش از آن که برای انسان عالم یک گناه بخشوده گردد.))

اما علاج کبری که به خاطر زیادی اعمال پسندیده و عبادات در انسان به وجود می آید به آن است که نگران قبولی و پذیرش آنها از جانب پروردگار باشد و به خود

ص: ۱۱۱

۱- نهج البلاغه خطبه ۱۹۲.

۲- سوره حج آیه ۵

۳- کافی ج ۱ ص ۴۷.

بگوئید ممکن است بسیاری از کم عمل ها اهل نجات باشند ولی تودر قیامت گرفتار باشی .

((والذین یوتون ماتوا وقلوبهم وجله)) (۱)

((آنن که آنچه وظیفه بندگی وایمان آنهاست ,انجام می دهند ودلهایشان ترسان است .))

واگر عامل کبر شهرت و شرافت خانوادگی شد به خود بگوئید گیرم پدرت بودفاضل ,از فضل پدرتوراچه حاصل ,واز آن گذشته آنهاپی را که به وجودشان فخرمیفروشی هم اکنون مشتی خاک بیش نیستند وتونیز به زودی به آنها ملحق خواهی شد پس قبل از خاک شدن خاکی باش وتواضع راپیشه خویش قرارده !

ودر آن هنگام که زیبایی چهره ات باعث کبرشدمقابل آینه بایست وبگو :بارپروردگارا همانطور که چهره ام رازیا آفریدی درونم را زیبا وشایسته فرما ومرا از کبررهایم ده .

ودر آن موقع که به واسطه دارایی زیاد گرفتار کبرشدی نگرشی به وضع مال اندوزان قبل از خودبنما که از مال دنیا فقط چندمتر پارچه سفید باخود بردند ومابقی رابرای وارث باقی گذاردند پس چه معنی دارد به چیزی که به رسم عاریه چندروزی در اختیار ماست کبرورزیم !

توانگری نه به مالست پیش اهل کمال \*\*\*\* که مال تال ب گور است وبعد از آن اعمال

امام صادق علیه السلام فرمودند: ((مامن رجل تکبر او تجبر الا لذله وجدها فی نفسه .)) (۲)

هیچ کس کبر ونخوت نمیکند مگر به خاطر ذلت وزبونی که در درون خویش احساس مینماید. اصولا تکبر ناشی از زیاده روی در خود دوستی وخودخواهی است ,وباعث میشود که تخم نفرت وجدایی در دلها وجامعه کاشته شود وتعاون ومحبت از بین برود آری کبر نه تنها مارا از محبت همدیگرباز میدارد بلکه پیشرفت واصلاح معنوی جامعه راناممکن میسازد زیرا شخص متکبر نقائص وعیوبش را نمی بیند و

ص: ۱۱۲

۱- سوره مومنون آیه ۲۳.

۲- کافی ج ۲ ص ۳۱۳.



خود را مافوق همه میپندارد و گوشش از شنیدن حقایق بجز مدح و ثنایش کراست!

((والدین استنکفوا واستکبروا فیعذبهم عذابا الیما.)) (۱)

کسانی که حالت بزرگ منشی مصنوعی به خود میگیرند تکبر میکنند پس خدا به آنان شکنجه دردناکی خواهد داد.

ص: ۱۱۳

---

۱- سوره نساء آیه ۱۷۳.

برای پاکیزه کردن روح از نکبت گناهان، نسخه های متعددی از طریق معصومین ع به دست ما رسیده که همگی موثر و مفید خواهند بود و در این مقال بدون هیچ توضیحی از نظرتان میگذرانم.

۱- استغفار:

رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: ((لکل داء دواء و دواء الذنوب الاستغفار.)) (۱)

((برای هر دردی درمانی است و درمان گناهان به استغفار است.))

۲- امراض و دردهای جسمانی:

همان گرامی فرمودند: ((ساعات الوجع یذهب ساعات الخطایا.)) (۲)

((ساعاتی که مومن دردمیکشد جبران ساعات لغزشهایش را میکند.))

حضرت رضا علیه السلام فرمودند: ((المرض للمومن تطهیر و رحمه و للکافر تعذیب و لعنه.)) (۳)

((بیماری و مرض برای مومن باعث پاکیزه شدن روح و رحمت بروی میشود و برای کافر عذاب و لعنت میباشد.))

۳- ابتلائات و گرفتاریها:

امام صادق علیه السلام فرمودند: ((ان الهم یدهب بذنوب المسلم.)) (۴)

ص: ۱۱۴

---

۱- مستدرک ج ۱ ص ۳۸۷.

۲- بحار ج ۶۷ ص ۲۴۴.

۳- بحار ج ۸۲ ص ۱۸۳.

۴- بحار ج ۷۳ ص ۱۵۷.

((به تحقیق هموم و گرفتاریها گناهان مسلمان را از بین میبرد.))

۴- کارنیک :

رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: ((اذا عملت سیئه فاعمل حسنه محوها.)) (۱)

((هرگاه کارزشتی انجام دادی باعمل شایسته اثر آن را از بین ببر.))

۵- خوش رویی :

امام صادق علیه السلام فرمودند: ((ان حسن الخلق یذهب الخطیئه كما تذهب الشمس الجلید.)) (۲)

((مسلمانا حسن خلق لغزشها و خطاها را از بین میبرد همانطور که خورشید یخها را آب میکند.))

۶- سجده های مکرر و طولانی :

مردی به محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله شرفیاب شد و عرض کرد: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله گناهانم زیاد شده و اعمالم ضعیف و کم، آن گرامی در جواب فرمودند:

((اکثر السجود فانه یحط الذنوب كما تحط الريح ورق الشجر.)) (۳)

((زیاد سجده بجا آور زیرا که سجده های مکرر گناهان را میریزد همانطور که باد برگ درختن را میریزد.))

۷- صلوات بر محمد و آل محمد علیهم السلام :

امام رضا علیه السلام فرمودند: ((من لم یقدر علی ما یکفیه ذنوبه فلیکثر من الصلوة علی محمد و آله فانها یهدم الذنوب هدمًا.)) (۴)

((کسی که قادر نیست کفاره گناهان خود را بجا آورد بنابراین بسیار بر محمد و آلش صلوات بفرستد که بطور قطع گناهان را به توسط صلوات بر محمد و آلش میتوان منهدم و نابود ساخت .))

امام صادق علیه السلام به صباح بن سیابه فرمودند: ((آیا میخواهی تورابه چیزی آشنا کنم که

ص: ۱۱۵

۱- بحارج ۷۱ ص ۳۸۹.

۲- بحارج ۹۵ ص ۱۶۲.

۳- بحارج ۹۴ ص ۴۷ و ۴۸.



خداوند تورا بخاطر آن از حرارت آتش جهنم حفظ کند؟! عرض کرد آری، فرمودند: بعد از طلوع فجر صد بار بگو ((اللهم صل علی محمد و آل محمد.)) (۱)

ای خدا من رهروی ام ناتوان \*\*\* بی کسی و امانده ای از کاروان  
نی مرا ز ادونه مرکب نه رفیق \*\*\* چون بیمایم خدایا این طریق  
نی ره برگشتن و نی راه زیست \*\*\* روی رفتن هم نه یا رب چاره چیست  
اول منزل به گل افتاده بار \*\*\* دزدهای رهنم گشته دوچار  
مانده ام من ای سواران همتی \*\*\* بر من پیرای جوانان رحمتی  
از کرم ای ره به منزل بردگان \*\*\* رحمتی بر این بیابان مردگان  
ای امیر کاروان آخربین \*\*\* مرکبم لنگیده بارم بر زمین  
اندکی ای هم رهان آهسته تر \*\*\* گاه گاهی بر فغانم یک نظر  
گاهگاهی یک نگاهمی بر قفا \*\*\* از ترحم سوی این پیردوتا  
الغیث ای اهل همت الغیث \*\*\* ای نگهبانان امت الغیث

امام محمد باقر علیه السلام فرمودند: ای محمد بن مسلم: ((ان الله غفور رحیم یقبل التوبه ویعفو عن السیت فیاک ان تقنط المومنین من رحمه الله.)) (۲)

همانا خداوند بخشنده و مهربان است، توبه را قبول میکند و از گناه میگذرد، ای محمد بن مسلم متوجه باش مبدا مومنین را از رحمت پروردگار مایوس کنی.

ص: ۱۱۶

۱- بحار ج ۹۴ ص ۴۷ و ۴۸.

۲- جامع السعادات ج ۳ ص ۶۵.

بعضی از رذائل اخلاقی است که از جهل نادانی سرچشمه میگیرد.

((ایاک و اللجاجه فان اولها جهل و آخرها ندامه))<sup>(۱)</sup>

رسول گرامی صلی الله علیه و آله فرمودند: ((پرهیز از لجبازی کن که اولش نادانی و پایانش ندامت پشیمانی است.))

اکثر مواقع دیده شده که آدم لجوج در رای و اظهار نظر جانب فساد را میگیرد و این بدان علت است که لجاجت قدرت تدبیر و تعقل را از او گرفت؛ در نتیجه با مسائل، غیر واقعی و غیر منطقی برخورد می کند.

چه بسا لجاجت منجر به نزاع های خونین و جنگ و ستیزهای زشت میگردد.

همان گرامی فرمودند: ((راکب اللجاج متعرض للبلاء))<sup>(۲)</sup>

((کسی که سوار بر مرکب لجاجت است خود را در معرض حوادث و بلاها خواهد داد))

درد لجاجت به خود نگهداری و تملک نفس علاج میشود و این نیاز به تمرین و

ص: ۱۱۷

---

۱- تحف العقول ص ۱۸.

۲- بحار ج ۷۵ ص ۲۸۴.

مداومت پی در پی دارد. در مواردی که با یک شخصی در مورد یک موضوع علمی و یا حادثه تاریخی و یا مسئله خانوادگی بحث و گفتگو می کنیم تا آنجا بحث را ادامه دهیم که به سماجت منجر نمیشود، چون در لجاجت و سماجت حرف حق انسان هم ثابت نخواهد شد.

همان بزرگوار فرمودند:

((اللجاجة تورث ما ليس للمرء اليه الحاجة))

((لجبازی چیزی را برای شخص به ارث میگذارد که وی را بدان نیازی نیست، یعنی با لجبازی هیچ کس به اهداف و خواسته هایش نمیرسد بلکه نتیجه معکوس داده و بذر شر ریخته خواهد شد.))

همان گرامی فرمود: ((اللجاج بذر الشر))

((لجاجت پخش بذر شر است))

ص: ۱۱۸

دوای این درد فقط مختصر اعتقاد و باور به واکنش اعمال است، یعنی مکار این را بپذیرد که کلاهبرداری و فریب خلق ثمری ندارد و عاقبت و زر و بالش خواهد شد و گریبانش را در دنیا و آخرت خواهد گرفت.

امیرالمومنین علی علیه السلام می فرمودند:

((من مکر الناس ردالله سبحانه مکره فی عنقه))<sup>(۱)</sup>

((کسی که مردم را فریب دهد خداوند تبارک و تعالی نیرنگش را بر گردن خودش بر میگرداند))

عیسی برهی دید یکی کشته فتاده\*\*\*حیران شد و بگرفت بدنجان سر انگشت

گفتا که کرا کشتی تا کشته شدی زار\*\*\*یا باز که او را بکشد آنکه ترا کشت

انشگت مکن رنجه بدر کوفتن کس\*\*\*تا کس نکند رنجه بدر کوفتن مشت

راستی اگر قیامت حق است چه جای مکر و نیرنگ، اگر از تناقص روزگار و واکنش اعمال در دنیا در امان بمانیم آیا از حساب و کتاب جهان آخرت هم راه فراری هست!؟

((اللهم عظم سلطانک و علا- مکانک و خفی مکرک و ظهر امرک و غلب قهرک و جرت قدرتک و لایمکن الفرار من حکومتک))

((خدایا بزرگ است سلطنت تو، و مقامت بسی بلند و مکر و تدبیرت در امور پنهان و

ص: ۱۱۹



فرمانت در جهان هویدا است و سطوت و قهرت بر همه غالب است قدرت در همه عالم نافذ است و کسی قادر نیست از قلمرو حکومت فرار کند))

حضرت صادق علیه السلام فرمودند: (( ان كان العرض على الله عزوجل حقا فالمكر لماذا))<sup>(۱)</sup>

((اگر عرضه شدن به محضر پروردگار در روز قیامت حق است پس چه جای مکر و نیرنگ است))

((و نضع الموازين القسط ليوم القيامة فلا تظلم نفس شيئا و ان كان مثقال حبه من خردل اتيناها و كفى بنا حاسبين))<sup>(۲)</sup>

((و ترازوی عدل را در روز قیامت مینهیم، به احدی هیچگونه تمی نخواهد شد و اگر هموزن دانه خردل چیزی باشد می آوریمش این بس که ما حسابگر هستیم))

ص: ۱۲۰

---

۱- بحارج ۷۵ ص ۲۹۶.

۲- سوره انبیاء آیه ۴۷.

درمان درد نفاق؛ بی شباهت به درمان مکر و نیرنگ نیست؛ هر دو را تقریباً یک درای شفا بخش اس. اگر اهل نفاق قدری بیاندیشند که در روز قیامت سرائر و ضمائر آشکار میشود ((یوم تبلی السرائر)) (۱) دیگر چه جای نفاق و دورویی است. بلی جهان آخرت کانون کشف اسرار است. هر چه را که اشخاص در دنیا از مردم پنهان کرده اند در آن عالم آشکار میگردد.

مثلا در عبادت با خداوند متعال صادق بوده، خضوع اعضائ و جوارح ما با خضوع و خشوع قلب ما یکسان باشد چرا که پیامبر فرمودند: (( ما زاد خشوع الجسد علی ما فی القلب فهو عندنا نفاق)) (۲)

((اگر خشوع جسم و ظاهر از خشوع در دل بیشتر باشد نزد ما نفاق محسوب میشود))

ص: ۱۲۱

---

۱- سوره طارق آیه ۹.

۲- کافی ج ۱ ص ۴۸.

سعی کنیم یا بندگان خدا نیز زبان قلبمان همسو باشد، به اندازه ای که به آنها ارادت داریم عرض ادب و احترام کنیم؛ از تعارف های دروغین و تملق گویی ها حدا پرهیز کنیم. چون روزی بالاخره دست ما رو میشود و در انظار مردم رسوا شده و آبرو که ارزشمندترین نعمات است به خطر می افتد!

((یجی یوم القیامه ذو الوجهین دالعا لسانه فی قفاه و آخر من قدامه، یلتهبان نارا حتی یلهبا جسده، ثم یقال له هذا الذی کان فی الدنیا ذا وجهین و لسانین یعرف بذلک یوم القیامه)) (۱)

((در روز قیامت منافق را وارد میکنند در حالی که دارای دو چهره است و دو زبان، یکی از پست سرش و دیگری از مقابل و از هردو زبانش آتش شعله ور است تا بالاخره تمامی وجودش را احاطه میکند سپس به او میگویند ایم همان کسی است که در دنیا اهل دو چهره و دو زبان بود و به این کیفیت او شناخته میشود.))

یا گل نورسته شو یا بلبل شوریده حال\*\*\*یا چراغ خانه یا آتش به جان پروانه باش

یا که طبل عاشقی یا کوس معشوقی بز\*\*\*یا به رندی شهره شو یا در جمال افسانه باش

یا به زاهد همقدم شو یا به شاهد همنشین\*\*\*یا خریدار خزف یا گوهر یکدانه باش

یا مسلمان باش یا کافر دورنگی بکی\*\*\*یا مقیم کعبه شو یا ساکن بتخانه باش

یا که در ظاهر فروغی ذکر درویشی مکن\*\*\*یا که در باطن مرید خسرو فرزانه باش

ص: ۱۲۲

ظاهراً تنها راه علاج نفس اماره پناه بردن به خداست، چون مثل حضرت یوسف بفرماید: ((و ما اری نفسی ان النفس لاماره بالسوء الا ما رحم ربی)) (۱)

((من خودم را تبرئه نمیکنم زیرا که نفس پی در پی امر به بدی میکند مگر آنکه پروردگارم دستم را بگیرد و به من ترحم کند))

بنابراین برای رهایی از شر نفس اماره ما چاره ای جز مسئلت جستن از حضرت باریتعالی که یاریمان کند نداریم.

امام صادق علیه السلام به ما می آموزد که:

((اذا فرغت من صلاتک فقل: اللهم ان تعصمنی من معاصیک و لا تکنی الی نفسی طرفه عین ابداء ما احییتنی لا اقل من ذلک و لا اکثر ان النفس لاماره بالسوء الا ما رحمت یا ارحم الراحمین)) (۲)

((هرگاه از نماز فارغ شده به پیشگاه پروردگار عرضه بدار که خداوندا از تو مسئلت میجویم که مرا از معاصی و نافرمانیت حفظ کنی و مرا تا زنده هستم به اندازه یک چشم به هم زدن بخودم وامگذاری، چرا که همواره نفس اماره مرا به بدی یاد میکند مگر آنکه را که تو به او ترحم کنی ای مهربانترین مهربانان))

و نیز میبینیم که رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله با همه قداست و طهارت نفسانی خویش از

ص: ۱۲۳

---

۱- سوره یوسف آیه ۵۳.

۲- فروع کافی ح ۳ ص ۳۶۶.

شروع نفس ها به خدا پناه میبرد.

((نعوذ بالله من شرور انفسنا و سيئات اعمالنا)) (۱)

((به خدا پناه میبریم از شرور نفس هایمان و بدی های اعمالمان))

تم میلرزد چو یاد آورم\*\*\*مناجات شوریده ای در حرم

که میگفت با حق به زاری بسی\*\*\*میفکن که دستم نگیرد کسی

تو دانی که مسکین و بیچاره ایم\*\*\*فرومانده نفس اماره ایم

نمی تازد این نفس سرکش چنان\*\*\*که عقلش تواند گرفتن عنان

له مردان راحت که راهی بده\*\*\*وزین دشمنانم پناهی بده

هلاکت نفس اغلب در بی بند و باری و شهوترانی است و البته شهوترانی فقط در شهوت جنسی خلاصه نمیشود، حب جاه و مقام، سلطه طلبی، علاقه به جمع مال و ثروت و امثال اینها جزء شهوات به حساب می آیند، امیرمومنان علی فرمود:

((من اطاع نفسه فی شهواتها فقد اعانها علی هلكتها)) (۲)

((کسی که در شهوات مطیع نفس خود میشود به نابودی و هلاکت خویش کمک کرده است))

بلی نفس اگر به ال خود گذاشته شود هلاکتش حتمی است و تمام زحمات انبیاء و ائمه اطهار بر این اساس بوده که نفس سرکش آنها را مهار کنند و آنها را به مرحله تقوی و خودداری نفس برسانند.

علی علیه السلام بیان کوبنده و بسیار حساسی دارند که:

((لو صمت الدهر كله و قمت الليل كله و قتل بين الركن و المقام بعثك الله مع هواك بالغا ما بلغ ان في جنه ففی جنه ان في نار ففی نار)) (۳)

اگر تمام عمرت را روزه بگیری و شبها تا صبح شب زنده داری کنی و بین رکن و مقام (کنار خانه کعبه) کشته شوی خداوند روز قیامت ترا با هوای نفست

ص: ۱۲۴

۱- ناسخ التواریخ ص ۴۹۹.

۲- غررالحکم ص ۱۸۸.



محشور میکند، اگر خواسته های تو تقاضای بهشت کند در آنجا خواهی بود و اگر شیطان زده و همگون جهنم باشی جایگاه تو جهنم است.

درمان هوا و هوس و درخواست های نفس از منظر امام صادق(علیه السلام) این است: « نفس را با هوسش وامگذار، زیرا هوای نفس باعث هلاکت آن است و رها کردن نفس با آنچه هوس می کند، برای آن مایه درد و رنج است و باداشتن نفس از آنچه هوس می کند درمان آن می باشد. [\(۱\)](#)

مولایمان علی علیه السلام میفرمود: (( مخالفه الهوی شفاء العقل )) [\(۲\)](#) مخالفت کردن با هوس، شفابخش خرد است.

ص: ۱۲۵

---

۱- کافی ج ۲ ص ۳۳۶.

۲- غررالحکم.

در این که وسواس از القئات شیطان است هیچکس تردید ندارد ((الذی یوسوس فی صدور الناس)) (۱) پس منشا و عامل وسواس شیطان است و تعقیب وسواس یعنی پیروی و فرمانبرداری از شیطان!

عبدالله بن سنان می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم:

((رجلا- مبتلی بالوضوء و الصلوه و قلت: هو رجل عاقل)) ((مردی است به وسوسه در وضو و نماز مبتلاست ولی او مرد عاقلی میباشد!))

امام علیه السلام فرمودند: ((و ای عقل له یطیع الشیطان فقلت له: و کیف یطیع الشیطان! فقال: سله هذا الذی یاتیه من ای شیء هو فانه یقول لك: من عمل الشیطان)) (۲)

((و این چه عقلی است برای او در حالی که پیروی از شیطان است؟ گفتم چگونه پیروی از شیطان مینماید؟ فرمود: از خودش سوال کن این حالت وسواس که به تو دست میدهد از کجا سرچشمه میگیرد؟ پاسخ خواهد داد، از عمل و وسواس شیطان است))

به نظر حقیر کسی که گرفتار وسواس است علاج دردش آن است که چهل شبانه روز که عدد کامل است بر خلاف رضای دلش و استرضای نفسش انجام دهد، مطمئن باشد که شیطان را مایوس خواهد کرد و دردش دوا خواهد شد.

ص: ۱۲۶

۱- سوره ناس آیه ۷.

۲- کافی ج ۱ ص ۱۱.



برای رهایی از وسواس همه چیز را بر اصل طهارت و حلیت و صحت بگذارد. ((کل شی نظیف حتی تعلم انه قذر.))<sup>(۱)</sup>

امام صادق علیه السلام فرمودند:

همه چیز پاکیزه است تا اینکه به ناپاکی آن علم پیدا کنی.

((کل شی فیہ حلال و حرام فهو لك حلال ابدًا حتی تعرف الحرام منه بعینه فتدعه))<sup>(۲)</sup>

از همان گرامی:

هر چیزی که در آن حلال و حرام است همواره برای تو حلال است تا آن گاه که حرمت همان چیز بر تو معلوم و مسلم گردد و آن را رها کنی. وسواسی باید قبول کند که متعارف نیست و احتیاج به درمان دارد و البته درمانش به خوردن قرض و شربت امکان پذیر نیست بلکه باید با خواهش دلش مبارزه کند و از خداوند تبارک و تعالی مدد طلبد تا از وضعی که دارد خلاصی یابد.

((ما من مومن الا و لقلبه فی صدره اذنان: اذن ینفث فیها الملک و اذن ینفث فیها الوسواس الخناس یوید الله المومن بالملک و هو قوله فیها الملک: (( و ایدهم بروح منه))<sup>(۳)</sup>

پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله فرمودند:

برای قلب هر مومن دو گوش است، یک گوش راه نفوذ فرشته است و یک گوش راه نفوذ شیطان که در قلب انسان وسوسه میکند ولی خداوند مومن را به فرشته تایید میفرماید و این از کلام خداوند است که فرمود: ((تایید میفرماید ایشان را به روحی از جانب خود))

بنابراین باید راه نفوذ شیطان را با استعاذه بر پروردگار بست تا ان شاء الله وسواس از بین برود.

ص: ۱۲۷

۱- وسایل الشیعه ج ۲ ص ۵۴.

۲- وسایل ج ۱۲ ص ۵۹.

۳- تفسیر برهان ج ۳ ص ۳۵۹.

((اذا كثر عليك السهو فامض في صلاتك فانه يوشك ان بدعك انما هو من الشيطان))[\(۱\)](#)

((هرگاه در نماز زیاد شك كردى به نمازت ادامه بده و آن را به پايان برسان، اميد ميرود كه شيطان ترا رها سازد، به يقين شك از شيطان است))

ص: ۱۲۸

---

۱- فروع كافي ج ۳ ص ۳۵۹.

از آنجا که سخن گفتن کلید باطن و ضمیرانسان است، هرزه گویی و یاوه سرایی حکایت از باطنی آلوده نماید.

((قد افلح المومنون... والذین هم عن اللغو معرضون.)) (۱)

((همانا مومنان رستگار خواهند بود... و آنان از بیهودگویی و لغو روگردان باشند.))

اهل ایمان نه تنها خود اهل لغو نیستند بلکه از یاوه گویان نیز دوری میجویند.

((اذا سمعوا اللغو اعرضوا عنه.)) (۲)

((و مومنان هرگاه سخن یاوه ای بشنوند، از آن دوری گزینند.))

علاج درد هرزه گویی توجه به عاقبت کاری می باشد که اولاً- ممکن است یاوه گویی ها منجر به نزاع و کدورت شود و ثانيا چیزی است که سودی در پی ندارد نه برای دنیا و نه برای جهان آخرت فایده ای نخواهد داشت .

دو کلام ارزشمند را از امیر المومنین علی علیه السلام در این باره ملاحظه کنید:

((رب لغو یجلب شرا.)) (۳)

((چه بسا سخن لغو و بیهوده ای که به شر کشانده میشود.))

((عجبت لمن یتکلم بما لا ینفعه فی دنیاہ ولا ینکتب له اجره فی اخره.)) (۴)

((درشگفتم از کسی که حرف هایی می زند که نه برای دنیایش سودی دارد و از نظر

ص: ۱۲۹

---

۱- سوره مومنون آیه ۳.

۲- سوره قصص آیه ۵۵.

۳- غررالحکم.

۴- غررالحکم.

آخرت پاداشی برایش نخواهد بود!!))

چقدر پسندیده است که انسان عوض آن که سخنان هجو و بی ثمر را بهم بیافد و عمر گرانمایه را به پرحرفی تمام کند به صمت و سکوت و حفظ زبان اقدام نماید.

((صلاح الانسان في حبس اللسان.))[\(۱\)](#)

علی علیه السلام فرمودند: ((صلاح انسان در زندانی کردن زبان است.))

علاج فوری ترک حرف لغو تربیت زبان به اذکار و گفتن کلمات و عبارتی است که دل را نورانی و شیطان را طرد می نماید.

راستی انسان وقتی می تواند گنج به دست آورد

آیا سزاوار است به دنال کوزه شکسته رود؟! کسی که می تواند با یاد و ذکر پروردگار همنشین او گردد آیا درست است که با گفتن حرف های بیهوده قلب را مکدر کرده با شیاطین و انسانهای بدتر از شیاطین قرین گردد؟!)

مردی در محضر رسول خدا ص سخن گفت و زیاده روی کرد. پیامبر ص فرمودند: ((چند چیز در برابر زبان تو حاجب و مانع است  
(؟))

عرض کرد: ((لبانم و دندانهایم.)) فرمودند: ((همین مقدار نمی تواند جلوی زیاده روی در سخن را بگیرد؟!))[\(۲\)](#)

ص: ۱۳۰

---

۱- جامع السعادات ج ۲ ص ۱۹۱.

۲- جامع السعادات ج ۲ ص ۱۹۱.

((واما من خاف مقام ربه ونهى النفس عن الهوى ،فان الجنة هي الماوى .))<sup>(۱)</sup>

((وکسی که بترسد از مقام پروردگارش و نفس را از هوا پرستی منع کند بهشت جایگاه وی خواهد بود.))

پس برای معالجه هواپرستی چاره ای جز مخالفت و مبارزه با آن نداریم و حتی مواقعی که سردو راهی قرار می گیریم با آن چیزی که به هوای نفس بیشتر نزدیک است باید مخالفت کنیم .

امیرالمومنین علی علیه السلام در توصیف انسان های وارسته می فرماید: ((وکان اذا بدهه امران امران ينظر ایما اقرب الی الهوی قیخالفه .))<sup>(۲)</sup>

((هرگاه دو کار را خواست شروع کند نگاه می کند که کدام یک به هوای نفس نزدیکتر است ،با آن مخالفت می کند و انجام نمی دهد. اصولا اگر کسی طالب رشد و تعالی در هر کاری باشد و خصوصا در ابعاد معنوی و الهی تنها در مخالفت با خواهرش دل و نگهداری خویش به مطلوب می رسد.))

همان گرامی فرمودند: ((الرشد فی خلاف الشهوه .))<sup>(۳)</sup>

((رشد و کمال در مخالفت با خواهش های نفسانی و شهوات میسر است .))

ص: ۱۳۱

---

۱- سوره نازعات آیه ۴۰.

۲- نهج البلاغه کلمات قصار ۲۸۹.

۳- بحارج ۷۸ ص ۵۳.

پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله می فرمودند که: خداوند تبارک و تعالی به انسان می فرماید:

((اگر چشمت با تو ستیز کرد که باید به فلان شخص و یا فلان چیز نگاه کنی درحالی که بر تو حرام است، من برای تو دو روپوش گذارده ام (پلک ها) که آنها را برهم گذاری و نگاه کنی .

هرگاه زبانت خواست ترا و ادا را به سخنی که حرام است بنماید برای آن نیز دو روپوش (دندان و لب) در اختیار گذارده ام، لب برهم گذار و سخن مگو .

اگر شهوت ترا ترا به کار حرامی تشویق کرد آن هم با دو روپوش (دو پا) مغلوب تو کرده ام پای برهم پیچ و کاری کاری که حرام است انجام مده!!))

علاج دیگر هوا پرستی، دورانندیشی و توجه به نتیجه کار است، وقتی تاریخ، پایان کار فضاحت بار هوا پرستان را به مانسان داده و با چشم خود دیده ایم که گرفتار نکبت و بدبختی شده ان پس چه جای پیروی از هوای نفس است!؟

((عجبت لمن عرف سوء عواقب اللذات کیف لا یعف.)) (۱)

حضرت علی علیه السلام میفرمودند:

((عجب دارم از آن کس که عواقب لذتهای حرام را می داند چگونه از آنها دست نمی کشد.))

ص: ۱۳۲

---

۱- وسایل ج ۱۱ ص ۲۸۵.

امید به آینده و امید به فضل و رحمت پروردگار از الطاف خفیه الهی است بی تردید آنچه به انسان تحمل سختی ها و مشکلات زندگی را میدهد امیدواری به نتیجه کار است.

انسانی که از همه چیز مایوس است، بود و نبودش در جامعه یکسان است. این فرد از نظر دینی نیز مطرود و مرتکب گناه کبیره شده است.

((الامل رحمه لامتی لولا الامل ما رضعت والده ولدها ولا غرس غارس شجرا))<sup>(۱)</sup>

((امید یکی از بخشش های الهی برای امت من است زیرا اگر امید نبود هیچ مادری فرزند خود را شیر نمیداد و هرگز باغبانی درخت در زمین نمیشاند (که در آینده نا معلوم ثمر بخشد)).))

روزی حضرت عیسی در محلی نشسته بود، پیرمردی با کلنگ زمین را زیر و رو میکرد. آنجناب گفت خدایا امید را از دل این مرد بکلی زائل کن، در این موقع پیرمرد کلنگ خود را یکطرف انداخت و روی زمین خوابید، ساعتی گذشت حضرت عیسی باز عرض کرد خداوندا دو مرتبه آرزو را به او برگردان. ناگاه آن مرد از جا حرکت کرده شروع به کار نمود.

ص: ۱۳۳

حضرت عیسیٰ جلو رفته پرسید: پیرمرد چطور شد کلنگ را به زمین گذاشتی باز بعد از ساعتی دوباره به کار مشغول شدی؟

گفت: در بین کار کردن با خودم گفتم تا کی باید زحمت بکشی تو مردی و پیر و افتاده ای ( شاید اجل همین الان به سراغت آید) با این اندیشه از کار دست کشیدم. هنگامی که دو مرتبه شروع به کار کردم با خود گفتم بالاخره فعلا که زنده هستی و برای هر موجود زنده وسایل زندگی لازم است باید کار کنی و تهیه آذوقه کنی، این بود که باز کلنگ را برداشته مشغول شدم. (۱)

بنابراین علاج یاس و ناامیدی تقویت روحیه و تلقین به خود است که مسائل دنیوی در پرتو کار و تلاش زندگی سر و سامان میگیرد و در جهان آخرت آموزش پروردگار پس از توبه و ندامت نسبت به لغزش های گذشته شامل حال ما خواهد شد، زیسر تپا خود وعده عفو و بخشش داده است.

((ان الله باناس لرئوف رحیم)) (۲)

((همانا پروردگار به مردم مهربان و رحیم است))

مسئله رفت پروردگار تا حدی است که شیطان هم فردای قیامت چشم طمع به آن میدوزد.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

((اذا كان يوم القيامة نشرالله تبارك و تعالی رحمة حتى يطمع ابليس في رحمة)) (۳)

((در هنگامه روز قیامت خداوند تبارك و تعالی رحمت خود را چنان گسترش دهد تا آنجا که شیطان نیز در رحمت او طمع کند))

در عصر پیامبر در یکی از میدان ها جنگ و در هوای داغ و سوزان پسر بچه ای را دیدند روی ریگ های تفتیده صحرا ایستاده است، ناگهان زنی از میان خیمه بیرون دوید و با شتاب تمام خود را به آن بچه رسانید، او را در آغوش گرفت و خودش روی

ص: ۱۳۴

۱- سفینه البحار ج ۱ ص ۳۱

۲- سوره بقره آیه ۱۴۳.

۳- امالی صدوق ص ۱۲۳.



ریگ های داغ نشست و بچه را به سینه اش چسبانید تا حرارت سوزان زمین به پای طفل نرسد و آنگاه دم بدم میگفت: پسر، پسر! مردم از دیدن این صحنه رقت کرده و گریان شدند. پیامبر با خبر شد و از مشاهده آن جریان که نموداری از رحمت و رافت انسانی بود اظهار مسرت نمود و سپس به مردم بشارت داد و فرمود:

((اعجبتم من هذه لابنها فان الله تعالى ارحم بكم جميعا من هذه بابنها))

((آیا از مهربانی این زن نسبت به پسرش تعجب کردید؟ گفتند: آری ای رسول خدا، فرمود: حقیقت این است که خداوند تبارک و تعالی مهربان تر است نسبت به تمام شما از این زن نسبت به پسرش، مسلمانان از شنیدن این گفتار رسول خدا بشارتی عظیم بدست آورده خوشحالی فوق العاده شدید در قلب خویش احساس نمودند))[\(۱\)](#)

ص: ۱۳۵

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقاتی و ترجمانی

اصفهان

گام‌های

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹